

کتاب اشعیا نبی

۱ رؤیای اشعیا ابن آموص که آن را درباره یهودا و اورشلیم، در روزهای عزیا و یوتام و آحاز و حزقیا، پادشاهان یهودا دید.

۲ ای آسمان بشنو و ای زمین گوش بگیر زیرا خداوند سخن می گوید. پسران پروردم و برافراشتم اما ایشان بر من عصیان ورزیدند. ۳ گاو مالک خویش را و الاغ آخور صاحب خود را می شناسد، اما اسرائیل نمی شناسد و قوم من فهم ندارند. ۴ وای بر امت خطاکار و قومی که زیر بار گناه می باشند و بر ذریت شیریران و پسران مفسد. خداوند را ترک کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند و بسوی عقب منحرف شدند.

۵ چرا دیگر ضرب یابید و زیاده فتنه نمایید؟ تمامی سر بیمار است و تمامی دل مریض. از کف پا تا به سر در آن تندرستی نیست بلکه جراحی و کوفتگی و زخم متعفن، که نه بخیه شده و نه بسته گشته و نه با روغن التیام شده است. ۶ ولایت شما ویران و شهرهای شما به آتش سوخته شده است. غریبان، زمین شما را در نظر شما می خورند و آن مثل واژگونی بیگانگان خراب گردیده است. ۷ و دختر صهیون مثل سایه بان در تاکستان و مانند کپر در بوستان خیار و مثل شهر محاصره شده، متروک است. ۸ اگر یهوه صباپوت بقیه اندکی برای ما وا نمی گذاشت، مثل سدوم می شدیم و مانند عموره می گشتیم.

۹ ای حاکمان سدوم کلام خداوند را بشنوید و ای قوم عموره شریعت خدای ما را گوش بگیرید. ۱۰ خداوند می گوید از کثرت قربانی های شما مرا چه فایده است؟ از قربانی های سوختنی قوچها و پیه پرواریها سیر شده ام و به خون گاوان و بره ها و بزها رغبت ندارم. ۱۱ وقتی که می آید تا به حضور من حاضر شوید، کیست که این را از دست شما طلبیده است که دربار مرا پایمال کنید؟ ۱۲ هدایای باطل دیگر میاورید. بخور نزد من مکروه است و غره ماه و سبت و دعوت جماعت نیز. گناه را با محفل مقدس نمی توانم تحمل نمایم. ۱۳ غره ها و عیده های شما را جان من نفرت دارد؛ آنها برای من بار سنگین است که از تحمل نمودنش خسته شده ام. ۱۴ هنگامی که

دستهای خود را دراز می‌کنید، چشمان خود را از شما خواهیم پوشانید و چون دعای بسیار می‌کنید، اجابت نخواهم نمود زیرا که دستهای شما پر از خون است.^{۱۶} خویشتن را شسته، طاهر نمایید و بدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده، از شرارت دست بردارید.^{۱۷} نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را بطلبید. مظلومان را رهایی دهید، یتیمان را دادرسی کنید و بیوه زنان را حمایت نمایید.

^{۱۸} *خداوند* می‌گوید: «بیاید تا با همدیگر محاجه نماییم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد.^{۱۹} اگر خواهش داشته، اطاعت نمایید، نیکویی زمین را خواهید خورد.^{۲۰} اما اگر ابا نموده، تمرد کنید، شمشیر شما را خواهد خورد»، زیرا که دهان *خداوند* چنین می‌گوید.

^{۲۱} شهر امین چگونه زانیه شده است. آنکه از انصاف مملو می‌بود و عدالت در وی سکونت می‌داشت، اما حال قاتلان.^{۲۲} نقره تو به درد مبدل شده، و شراب تو از آب ممزوج گشته است.^{۲۳} سروران تو متمرّد شده و رفیق دزدان گردیده، هریک از ایشان رشوه را دوست می‌دارند و در پی هدایا می‌روند. یتیمان را دادرسی نمی‌نمایند و دعوی بیوه زنان نزد ایشان نمی‌رسد.^{۲۴} بنابراین، خداوند یهوه صباوت، قدیر اسرائیل می‌گوید: «هان من از خصمان خود استراحت خواهم یافت و از دشمنان خویش انتقام خواهم کشید.^{۲۵} و دست خود را بر تو برگردانیده، درد تو را بالکل پاک خواهم کرد، و تمامی ریمت را دور خواهم ساخت.^{۲۶} و داوران تو را مثل اول و مشیران تو را مثل ابتدا خواهم برگردانید و بعد از آن، به شهر عدالت و قریه امین مسمی^۱ خواهی شد.»

^{۲۷} صهیون به انصاف فدیّه داده خواهد شد و انابت کنندگانش به عدالت.^{۲۸} و هلاکت عاصیان و گناهکاران با هم خواهد شد و آنانی که *خداوند* را ترک نمایند، نابود خواهند گردید.^{۲۹} زیرا ایشان از درختان بلوطی که شما خواسته بودید خجل خواهند شد و از باغاتی که شما برگزیده بودید رسوا خواهند گردید.^{۳۰} زیرا شما مثل بلوطی که برگش پژمرده و مانند باغی که آب نداشته باشد خواهید شد.^{۳۱} و مرد زورآور پرزه کتان و عملش شعله خواهد شد و هردوی آنها با هم سوخته خواهند گردید و خاموش کننده‌ای نخواهد بود.

۲ کلامی که اشعیا ابن آموص درباره یهودا و اورشلیم دید.

و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه *خد/وند* برقله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تلها برافراشته خواهد گردید و جمیع امتها بسوی آن روان خواهند شد. ^۳ و قومهای بسیار عزیمت کرده، خواهند گفت: «بیایید تا به کوه *خد/وند* و به خانه خدای یعقوب بر آییم تا طریقهای خویش را به ما تعلیم دهد و به راههای وی سلوک نماییم.» زیرا که شریعت از صهیون و کلام *خد/وند* از اورشلیم صادر خواهد شد. ^۴ و او امتها را داوری خواهد نمود و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزههای خویش را برای ارهها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت. ^۵ ای خاندان یعقوب بیایید تا در نور *خد/وند* سلوک نماییم.

زیرا قوم خود یعنی خاندان یعقوب را ترک کرده‌ای، چونکه از رسوم مشرقی مملو و مانند فلسطینیان فالگیر شده‌اند و با پسران غربا دست زده‌اند، ^۶ و زمین ایشان از نقره و طلا پر شده و خزاین ایشان را انتهایی نیست، و زمین ایشان از اسبان پر است و ارابه‌های ایشان را انتهایی نیست؛ ^۷ و زمین ایشان از بتها پر است؛ صنعت دستهای خویش را که به انگشتهای خود ساخته‌اند سجده می‌نمایند. ^۸ و مردم خم شده و مردان پست می‌شوند. لهذا ایشان را نخواهی آمرزید.

^۹ از ترس *خد/وند* و از کبریای جلال وی به صخره داخل شده، خویشان را در خاک پنهان کن. ^{۱۰} چشمان بلند انسان پست و تکبر مردان خم خواهد شد و در آن روز *خد/وند* به تنهایی متعال خواهد بود. ^{۱۱} زیرا که برای یهوه صباپوت روزی است که بر هر چیز بلند و عالی خواهد آمد و بر هر چیز مرتفع، و آنها پست خواهد شد؛ ^{۱۲} و بر همه سروهای آزاد بلند و رفیع لبنان و بر تمامی بلوطهای باشان؛ ^{۱۳} و بر همه کوههای عالی و بر جمیع تلهای بلند؛ ^{۱۴} و بر هر برج مرتفع و بر هر حصار منیع؛ ^{۱۵} و بر همه کشتیهای ترشیش و بر همه مصنوعات مرغوب؛ ^{۱۶} و کبریای انسان خم شود و تکبر مردان پست خواهد شد. و در آن روز *خد/وند* به تنهایی متعال خواهد بود، ^{۱۷} و بتها بالکل تلف خواهند شد.

^{۱۸} و ایشان به مغاره‌های صخره‌ها و حفره‌های خاک داخل خواهند شد، به سبب ترس *خد/وند* و کبریای جلال وی هنگامی که او برخیزد تا زمین را متزلزل سازد. ^{۱۹} در آن روز مردمان، بتهای نقره و بتهای طلای خود را که برای عبادت خویش ساخته‌اند، نزد موش کوران و خفاشها

خواهند انداخت،^{۱۱} تا به مغاره‌های صخره‌ها و شکافهای سنگ خارا داخل شوند، به سبب ترس خداوند و کبریای جلال وی هنگامی که او برخیزد تا زمین را متزلزل سازد.^{۱۲} شما از انسانی که نفس او در بینی‌اش می‌باشد، دست برکشید زیرا که او به چه چیز محسوب می‌شود؟

۳

زیرا اینک خداوند یهوه صبايوت پایه و رکن را از اورشلیم و یهودا، یعنی تمامی پایه نان و تمامی پایه آب را دور خواهد کرد،^۲ و شجاعان و مردان جنگی و داوران و انبیا و فالگیران و مشایخ را،^۳ و سرداران پنجاهه و شریفان و مشیران و صنعت‌گران ماهر و ساحران حاذق را.^۴ و اطفال را بر ایشان حاکم خواهیم ساخت و کودکان بر ایشان حکمرانی خواهند نمود.^۵ و قوم مظلوم خواهند شد، هر کس از دست دیگری و هر شخص از همسایه خویش. و اطفال بر پیران و پستان بر شریفان تمرد خواهند نمود.^۶ چون شخصی به برادر خویش در خانه پدرش متمسک شده، بگوید: «تو را رخوت هست؟ پس حاکم ما شو و این خرابی در زیر دست تو باشد»،^۷ در آن روز او آواز خود را بلند کرده، خواهد گفت: «من علاج کننده نتوانم شد زیرا در خانه من نه نان و نه لباس است پس مرا حاکم قوم مسازید.»

^۸ زیرا اورشلیم خراب شده و یهودا منهدم گشته است، از آن جهت که لسان و افعال ایشان به ضد خداوند می‌باشد تا چشمان جلال او را به ننگ آورند.^۹ سیمای رویهای ایشان به ضد ایشان شاهد است و مثل سدوم گناهان خود را فاش کرده، آنها را مخفی نمی‌دارند. وای بر جانهای ایشان زیرا که به جهت خویشتن شرارت را بعمل آورده‌اند.

^{۱۰} عادلان را بگوئید که ایشان را سعادت‌مندی خواهد بود زیرا از ثمره اعمال خویش خواهند خورد.^{۱۱} وای بر شیرینان که ایشان را بدی خواهد بود چونکه مکافات دست ایشان به ایشان کرده خواهد شد.^{۱۲} و اما قوم من، کودکان بر ایشان ظلم می‌کنند و زنان بر ایشان حکمرانی می‌نمایند. ای قوم من، راهنمایان شما گمراه کنندگانند و طریق راههای شما را خراب می‌کنند.

^{۱۳} خداوند برای محاجه برخاسته و به جهت داوری قومها ایستاده است.^{۱۴} خداوند با مشایخ قوم خود و سروران ایشان به محاکمه درخواهد آمد، زیرا شما هستید که تاکستانها را

خورده‌اید و غارت فقیران در خانه‌های شما است.^{۱۵} خداوند یهوه صباوت می‌گوید: «شما را چه شده است که قوم مرا می‌کوبید و رویهای فقیران را خرد می‌نمایید؟»^{۱۶}

و خداوند می‌گوید: «از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پایهای خویش خلخالها را به صدا می‌آورند.»^{۱۷}

بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود.^{۱۸} و در آن روز خداوند زینت خلخالها و پیشانی بندها و هلالها را دور خواهد کرد.^{۱۹}

و گوشواره‌ها و دستبندها و روبندها را،^{۲۰} و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردانها و تعویذها را،^{۲۱} و انگشترها و حلقه‌های بینی را،^{۲۲} و رخوت نفیسه و رداها و شالها و کیسه‌ها را،^{۲۳} و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را.^{۲۴} و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موپهای بافته، کلی و به عوض سینه‌بند، زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود.^{۲۵} مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد.^{۲۶} و دروازه‌های وی ناله و ماتم خواهند کرد، و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست.

۴

و در آن روز هفت زن به یک مرد متمسک شده، خواهند گفت: «نان خود را خواهیم خورد و رخت خود را خواهیم پوشید، فقط نام تو بر ما خوانده شود و عار ما را بردار.»^۱

در آن روز شاخه خداوند زیبا و جلیل و میوه زمین به جهت ناجیان اسرائیل فخر و زینت خواهد بود.^۲ و واقع می‌شود که هر که در صهیون باقی ماند و هر که در اورشلیم ترک شود، مقدس خوانده خواهد شد یعنی هر که در اورشلیم در دفتر حیات مکتوب باشد.^۳ هنگامی که خداوند چرک دختران صهیون را بشوید و خون اورشلیم را به روح انصاف و روح سوختگی را از میانش رفع نماید،^۴ خداوند بر جمیع مساکن کوه صهیون و بر محفلهایش ابر و دود در روز و درخشندگی آتش مشتعل در شب خواهد آفرید، زیرا که بر تمامی جلال آن پوششی خواهد بود.^۵

و در وقت روز سایه‌بانی به جهت سایه از گرما و به جهت ملجاء و پناهگاه از طوفان و باران خواهد بود.^۶

۵ سرود محبوب خود را درباره تاکستانش برای محبوب خود بسرایم.

محبوب من تاکستانی در تلی بسیار بارور داشت،^۲ و آن را کنده از سنگها پاک کرده و مو بهترین در آن غرس نمود و برجی در میانش بنا کرد و چرخستی نیز در آن کند. پس منتظر می بود تا انگور بیاورد؛ اما انگور بد آورد.^۳ پس الآن ای ساکنان اورشلیم و مردان یهودا، در میان من و تاکستان من حکم کنید.^۴ برای تاکستان من دیگر چه توان کرد که در آن نکردم؟ پس چون منتظر بودم که انگور بیاورد، چرا انگور بد آورد؟^۵ لهذا الآن شما را اعلام می نمایم که من به تاکستان خود چه خواهم کرد. حصارش را برمی دارم و چراگاه خواهد شد؛ و دیوارش را منهدم می سازم و پایمال خواهد گردید.^۶ و آن را خراب می کنم که نه پازش و نه کنده خواهد شد و خار و خس در آن خواهد روید، و ابرها را امر می فرمایم که بر آن باران نباراند.^۷ زیرا که تاکستان یهوه صباوت خاندان اسرائیل است و مردان یهودا نهال شادمانی او می باشند. و برای انصاف انتظار کشید و اینک تعدی و برای عدالت و اینک فریاد شد.

^۸ وای بر آنانی که خانه را به خانه ملحق و مزرعه را به مزرعه ملصق سازند تا مکانی باقی نماند. و شما در میان زمین به تنهایی ساکن می شوید.^۹ یهوه صباوت در گوش من گفت: «به درستی که خانه های بسیار خراب خواهد شد، و خانه های بزرگ و خوش نما غیرمسکون خواهد گردید.^{۱۰} زیرا که ده جفت گاو زمین یک بت خواهد آورد و یک حומר تخم یک ایفه خواهد داد.»^{۱۱} وای بر آنانی که صبح زود برمی خیزند تا در پی مسکرات بروند، و شب دیر می نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید^{۱۲} و در بزمهای ایشان عود و بربط و دف و نای و شراب می باشد. اما به فعل خد/وند نظر نمی کنند و به عمل دستهای وی نمی نگرند.^{۱۳} بنابراین قوم من به سبب عدم معرفت اسیر شده اند و شریفان ایشان گرسنه و عوام ایشان از تشنگی خشک گردیده.^{۱۴} از این سبب هاویه حرص خود را زیاد کرده و دهان خویش را بی حد باز نموده است و جلال و جمهور و شوکت ایشان و هر که در ایشان شادمان باشد در آن فرو می رود.^{۱۵} و مردم خم خواهند شد و مردان ذلیل خواهند گردید و چشمان متکبران پست خواهد شد.^{۱۶} و یهوه صباوت به انصاف متعال خواهد بود و خدای قدوس به عدالت تقدیس کرده خواهد شد.^{۱۷} آنگاه بره های (غربا) در مرتع های ایشان خواهند چرید و غریبان ویرانه های پروریهای ایشان را خواهند خورد.

^{۱۸} وای برآنانی که عصیان را به ریسمانهای بطالت و گناه را گویا به طناب ارابه می‌کشند. ^{۱۹} و می‌گویند باشد که او تعجیل نموده، کار خود را بشتاباند تا آن را ببینیم. و مقصود قدوس اسرائیل نزدیک شده، بیاید تا آن را بدانیم. ^{۲۰} وای بر آنانی که بدی را نیکویی و نیکویی را بدی می‌نامند، که ظلمت را به جای نور و نور را به جای ظلمت می‌گذارند، و تلخی را به جای شیرینی و شیرینی را به جای تلخی می‌نهند. ^{۲۱} وای برآنانی که در نظر خود حکیمند، و پیش روی خود فهیم می‌نمایند. ^{۲۲} وای بر آنانی که برای نوشیدن شراب زورآورند، و به جهت ممزوج ساختن مسکرات مردان قوی می‌باشند. ^{۲۳} که شریران را برای رشوه عادل می‌شمارند، و عدالت عادلان را از ایشان برمی‌دارند. ^{۲۴} بنابراین به نهجی که شراره آتش گاه را می‌خورد و علف خشک در شعله می‌افتد، همچنان ریشه ایشان عفونت خواهد شد و شکوفه ایشان مثل غبار برافشانده خواهد گردید. چونکه شریعت یهوه صبايوت را ترک کرده، کلام قدوس اسرائیل را خوار شمرده‌اند. ^{۲۵} بنابراین خشم خداوند بر قوم خود مشتعل شده و دست خود را بر ایشان دراز کرده، ایشان را مبتلا ساخته است. و کوهها بلرزیدند و لاشهای ایشان در میان کوچه‌ها مثل فضلات گردیده‌اند. با وجود این همه، غضب او برنگردید و دست وی تا کنون دراز است. ^{۲۶} و علمی به جهت امت‌های بعید برپا خواهد کرد. و از اقصای زمین برای ایشان صفیر خواهد زد. و ایشان تعجیل نموده، بزودی خواهند آمد، ^{۲۷} و درمیان ایشان احدی خسته و لغزش خورنده نخواهد بود و احدی نه پینگی خواهد زد و نه خواهد خوابید. و کمر بند کمر احدی از ایشان باز نشده، دوال نعلین احدی گسیخته نخواهد شد. ^{۲۸} که تیرهای ایشان، تیز و تمامی کمانهای ایشان، زده شده است. سمهای اسبان ایشان مثل سنگ خارا و چرخهای ایشان مثل گردباد شمرده خواهد شد. ^{۲۹} غرش ایشان مثل شیر ماده و مانند شیران ژیان غرش خواهند کرد و ایشان نعره خواهند زد و صید را گرفته، سلامتی خواهند برد و رهاننده‌ای نخواهد بود. ^{۳۰} و در آن روز بر ایشان مثل شورش دریا شورش خواهند کرد. و اگر کسی به زمین بنگرد، اینک تاریکی و تنگی است و نور در افلاک آن به ظلمت مبدل شده است.

۶ در سالی که عزیا پادشاه مرد، *خداوند* را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود، و هیکل از دامنهای وی پر بود. ^۲ و سرافین بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت، و با دو از آنها روی خود را می‌پوشانید و با دو پایهای خود را می‌پوشانید و با دو پرواز می‌نمود. ^۳ و یکی دیگری را صدا زده، می‌گفت: «قدوس قدوس قدوس یهوه صبايوت، تمامی زمین از جلال او مملو است.» ^۴ و اساس آستانه از آواز او که صدا می‌زد می‌لرزید و خانه از دود پر شد. ^۵ پس گفتم: «وای بر من که هلاک شده‌ام زیرا که مرد ناپاک لب هستم و در میان قوم ناپاک لب ساکنم و چشمانم یهوه صبايوت پادشاه را دیده است.»

^۶ آنگاه یکی از سرافین نزد من پرید و در دست خود اخگری که با انبر از روی مذبح گرفته بود، داشت. ^۷ و آن را بر دهانم گذارده، گفت که «اینک این لبهایت را لمس کرده است و عصیان‌ت رفع شده و گناهت کفاره گشته است.»

^۸ آنگاه آواز *خداوند* را شنیدم که می‌گفت: «که را بفرستم و کیست که برای ما برود؟» گفتم: «لبیک مرا بفرست.» ^۹ گفت: «برو و به این قوم بگو البته خواهید شنید، اما نخواهید فهمید و هرآینه خواهید نگریست اما درک نخواهید کرد. ^{۱۰} دل این قوم را فربه ساز و گوشهای ایشان را سنگین نما و چشمان ایشان را ببند، مبادا با چشمان خود ببینند و با گوشهای خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت نموده، شفا یابند.»

^{۱۱} پس من گفتم: «ای خداوند تا به کی؟» او گفت: «تا وقتی که شهرها ویران گشته، غیر مسکون باشد و خانه‌ها بدون آدمی و زمین خراب و ویران شود. ^{۱۲} و *خداوند* مردمان را دور کند و در میان زمین خرابیهای بسیار شود. ^{۱۳} اما باز عسری در آن خواهد بود و آن نیز بار دیگر تلف خواهد گردید. مثل درخت بلوط و چنار که چون قطع می‌شود، کنده آنها باقی می‌ماند، همچنان ذریت مقدس کنده آن خواهد بود.»



و در ایام آحاز بن یوتام بن عزیا پادشاه یهودا، واقع شد که رصین، پادشاه آرام و فح بن رملیا، پادشاه اسرائیل، بر اورشلیم برآمدند تا با آن جنگ نمایند، اما نتوانستند آن را فتح نمایند.^۲ و به خاندان داود خبر داده، گفتند که آرام در افرایم اردو زده‌اند، و دل او و دل مردمانش بلرزد به طوری که درختان جنگل از باد می‌لرزند.^۳ آنگاه *خداوند* به اشعیا گفت: «تو با پسر خود شآریاشوب به انتهای قنات بر که فوقانی به راه مزرعه گازر به استقبال آحاز بیرون شو.^۴ و وی را بگو: باحذر و آرام باش مترس و دلت ضعیف نشود از این دو دم مشعل دودافشان، یعنی از شدت خشم رصین و آرام و پسر رملیا. زیرا که آرام با افرایم و پسر رملیا برای ضرر تو مشورت کرده، می‌گویند: بَر یهودا برآیم و آن را محاصره کرده، به جهت خویشتن تسخیر نماییم و پسر طبئیل را در آن به پادشاهی نصب کنیم.»^۵ خداوند یهوه چنین می‌گوید که «این بجا آورده نمی‌شود و واقع نخواهد گردید.^۶ زیرا که سر آرام، دمشق و سر دمشق، رصین است و بعد از شصت و پنج سال افرایم شکسته می‌شود به طوری که دیگر قومی نخواهد بود.^۷ و سر افرایم سامره و سر سامره پسر رملیا است و اگر باور نکنید هرآینه ثابت نخواهید ماند.»

^۸ و *خداوند* بار دیگر آحاز را خطاب کرده، گفت: ^۹ «آیتی به جهت خود از یهوه خدایت بطلب. آن را یا از عمق‌ها بطلب یا از اعلیٰ علیین بالا.»^{۱۰} آحاز گفت: «نمی‌طلبم و *خداوند* را امتحان نخواهم نمود.»

^{۱۱} گفت: «ای خاندان داود بشنوید! آیا شما را چیزی سهل است که مردمان را بیزار کنید بلکه می‌خواهید خدای مرا نیز بیزار کنید.^{۱۲} بنابراین خود *خداوند* به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند.^{۱۳} کره و عسل خواهد خورد تا آنکه ترک کردن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند.^{۱۴} زیرا قبل از آنکه پسر، ترک نمودن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند، زمینی که شما از هر دو پادشاه آن می‌ترسید، متروک خواهد شد.^{۱۵} *خداوند* بر تو و بر قومت و بر خاندان پدرت ایامی را خواهد آورد که از ایامی که افرایم از یهودا جدا شد تا حال نیامده باشد یعنی پادشاه آشور را.»^{۱۶} و در آن روز واقع خواهد شد که *خداوند* برای مگس‌هایی که به کناره‌های نهرهای مصرند و زنبورهایی که در زمین آشورند صغیر خواهد زد.^{۱۷} و تمامی آنها برآمده، در وادیهای ویران و شکافهای صخره و بر همه بوته‌های خاردار و بر همه مرتع‌ها فرود خواهند آمد.^{۱۸} و در آن روز *خداوند* به واسطه استره‌ای که از

ماورای نهر اجیر می‌شود یعنی به واسطه پادشاه آشور، موی سر و موی پایها را خواهد تراشید و ریش هم سترده خواهد شد.^{۲۱} و در آن روز واقع خواهد شد که شخصی یک گاو جوان و دو گوسفند زنده نگاه خواهد داشت.^{۲۲} و از فراوانی شیری که می‌دهند کره خواهد خورد زیرا هر که در میان زمین باقی ماند، خوراکش کره و عسل خواهد بود.^{۲۳} و در آن روز هر مکانی که هزار مو به جهت هزار پاره نقره داده می‌شد، پر از خار و خس خواهد بود.^{۲۴} با تیرها و کمانها مردم به آنجا خواهند آمد زیرا که تمامی زمین پر از خار و خس خواهد شد.^{۲۵} و جمیع کوههایی که با بیل کنده می‌شد، از ترس خار و خس به آنجا نخواهند آمد بلکه گاوان را به آنجا خواهند فرستاد و گوسفندان آن را پایمال خواهند کرد.

و خداوند مرا گفت: «لوحی بزرگ به جهت خود بگیر و بر آن با قلم انسان برای مهیر شلال حاش بز بنویس.^۲ و من شهود امین یعنی اوریای کاهن و زکریا ابن بیرکیا را به جهت خود برای شهادت می‌گیرم.»^۳ پس من به نبیه نزدیکی کردم و او حامله شده، پسری زایید. آنگاه خداوند به من گفت: «او را مهیر شلال حاش بز بنام،^۴ زیرا قبل از آنکه طفل بتواند ای پدرم و ای مادرم بگوید، اموال دمشق و غنیمت سامره را پیش پادشاه آشور به یغما خواهند برد.»^۵ و خداوند بار دیگر مرا باز خطاب کرده، گفت: «چونکه این قوم آبهای شیلوه را که به ملایمت جاری می‌شود خوار شمرده، از رصین و پسر رملیا مسرور شده‌اند،^۶ بنابراین اینک خداوند آبهای زورآور بسیار نهر یعنی پادشاه آشور و تمامی حشمت او را بر ایشان برخواهد آورد و او از جمیع جویهای خود برخواهد آمد و از تمامی کناره‌های خویش سرشار خواهد شد،^۷ و بر یهودا تجاوز نموده، سیلان کرده، عبور خواهد نمود تا آنکه به گردنها برسد و بالهای خود را پهن کرده، طول و عرض ولایت را ای عمانوئیل پر خواهد ساخت.»^۸ به هیجان آید ای قوما و شکست خواهید یافت و گوش گیرید ای اقصای زمین و کمر خود را ببندید و شکست خواهید یافت. کمر خود را ببندید و شکست خواهید یافت.^۹ با هم مشورت کنید و باطل خواهد شد و سخن گوئید و بجا آورده نخواهد شد زیرا خدا با ما است.

^{۱۱} چونکه خد/وند با دست قوی به من چنین گفت و مرا تعلیم داد که به راه این قوم سلوک ننمایم و گفت: ^{۱۲} «هر آنچه را که این قوم فتنه می‌نامند، شما آن را فتنه ننمایید و از ترس ایشان ترسان و خائف مباشید. ^{۱۳} یهوه صبایوت را تقدیس نمایید و او ترس و خوف شما باشد. ^{۱۴} و او (برای شما) مکان مقدس خواهد بود اما برای هر دو خاندان اسرائیل سنگ مصادم و صخره لغزش دهنده و برای ساکنان اورشلیم دام و تله. ^{۱۵} و بسیاری از ایشان لغزش خورده، خواهند افتاد و شکسته شده و بدام افتاده، گرفتار خواهند گردید.»

^{۱۶} شهادت را به هم بیچ و شریعت را در شاگردانم مختوم ساز. ^{۱۷} و من برای خد/وند که روی خود را از خاندان یعقوب مخفی می‌سازد انتظار کشیده، امیدوار او خواهم بود. ^{۱۸} اینک من و پسرانی که خد/وند به من داده است، از جانب یهوه صبایوت که در کوه صهیون ساکن است به جهت اسرائیل آیات و علامات هستیم. ^{۱۹} و چون ایشان به شما گویند که از اصحاب اجنه و جادوگرانی که جیک جیک و زمزم می‌کنند سؤال کنید، (گویید) «آیا قوم از خدای خود سؤال نمایند و آیا از مردگان به جهت زندگان سؤال باید نمود؟» ^{۲۰} به شریعت و شهادت (توجه نمایند) و اگر موافق این کلام سخن نگویند، پس برای ایشان روشنایی نخواهد بود. ^{۲۱} و با عسرت و گرسنگی در آن خواهند گشت و هنگامی که گرسنه شوند خویشتن را مشوش خواهند ساخت و پادشاه و خدای خود را لعنت کرده، به بالا خواهند نگریست. ^{۲۲} و به زمین نظر خواهند انداخت و اینک تنگی و تاریکی و ظلمت پریشانی خواهد بود و به تاریکی غلیظ رانده خواهند شد.

۹ لیکن برای او که در تنگی می‌بود، تاریکی نخواهد شد. در زمان پیشین زمین زبولون و زمین نفتالی را ذلیل ساخت، اما در زمان آخر آن را به راه دریا به آن طرف اردن در جلیل امت‌ها محترم خواهد گردانید. ^۲ قومی که در تاریکی سالک می‌بودند، نور عظیمی خواهند دید و بر ساکنان زمین سایه موت نور ساطع خواهد شد. ^۳ تو قوم را بسیار ساخته، شادی ایشان را زیاد گردانیدی. به حضور تو شادی خواهند کرد مثل شادمانی وقت درو و مانند کسانی که در تقسیم نمودن غنیمت وجد می‌نمایند. ^۴ زیرا که یوغ بار او را و عصای گردنش یعنی عصای جفا کننده وی را شکستی چنانکه در روز مدیان کردی. ^۵ زیرا همه اسلحه مسلحان در غوغا است و

رخوت ایشان به خون آغشته است، اما برای سوختن و هیزم آتش خواهند بود. زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد.^۷ ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الآن تا ابدالآباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صبایوت این را بجا خواهد آورد.

^۸ خداوند کلامی نزد یعقوب فرستاد و آن بر اسرائیل واقع گردید.^۹ و تمامی قوم خواهند دانست یعنی افرایم و ساکنان سامره که از غرور و تکبر دل خود می گویند: «خشته افتاده است اما با سنگهای تراشیده بنا خواهیم نمود؛ چوبهای افراغ در هم شکست اما سرو آزاد بجای آنها می گذاریم.»^{۱۱} بنابراین خداوند دشمنان رصین را بصد او خواهد برافراشت و خصمان او را خواهد برانگیخت.^{۱۲} آرامیان را از مشرق و فلسطینیان را از مغرب و ایشان اسرائیل را با دهان گشوده خواهند خورد. اما با این همه، خشم او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.^{۱۳} و این قوم بسوی زننده خودشان بازگشت ننموده و یهوه صبایوت را نطلییده اند.^{۱۴} بنابراین خداوند سر و دم و نخل و نی را از اسرائیل در یک روز خواهد برید.^{۱۵} مرد پیر و مرد شریف سر است و نبی ای که تعلیم دروغ می دهد، دم می باشد.^{۱۶} زیرا که هادیان این قوم ایشان را گمراه می کنند و پیروان ایشان بلعیده می شوند.

^{۱۷} از این سبب خداوند از جوانان ایشان مسرور نخواهد شد و بر یتیمان و بیوه زنان ایشان ترحم نخواهد نمود. چونکه جمیع ایشان منافق و شیریند و هر دهانی به حماقت متکلم می شود با اینهمه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.^{۱۸} زیرا که شرارت مثل آتش می سوزاند و خار و خس را می خورد، و در بوته های جنگل افروخته شده، دود غلیظ پیچان می شود.^{۱۹} از غضب یهوه صبایوت زمین سوخته شده است و قوم، هیزم آتش گشته اند و کسی بر برادر خود شفقت ندارد.^{۲۰} از جانب راست می ربایند و گرسنه می مانند و از طرف چپ می خورند و سیر نمی شوند و هر کس گوشت بازوی خود را می خورد.^{۲۱} منسی افرایم را و افرایم منسی را و هر دوی ایشان بصد یهودا متحد می شوند. با اینهمه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.

۱۰ وای بر آنانی که احکام غیر عادلانه را جاری می‌سازند و کاتبانی که ظلم را

مرقوم می‌دارند،^۲ تا مسکینان را از داوری منحرف سازند و حق فقیران قوم مرا برابند تا آنکه بیوه زنان غارت ایشان بشوند و یتیمان را تاراج نمایند.^۳ پس در روز بازخواست در حینی که خرابی از دور می‌آید، چه خواهید کرد و بسوی که برای معاونت خواهید گریخت و جلال خود را کجا خواهید انداخت؟^۴ غیر از آنکه زیر اسیران خم شوند و زیر کشتگان بیفتند. با اینهمه غضب او بر گردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.

۵ وای بر آشور که عصای غضب من است و عصایی که در دست ایشان است خشم من می‌باشد. او را بر امت منافق می‌فرستم و نزد قوم مغضوب خود مأمور می‌دارم، تا غنیمتی برابند و غارتی ببرند و ایشان را مثل گل کوچه‌ها پایمال سازند.^۶ اما او چنین گمان نمی‌کند و دلش بدینگونه قیاس نمی‌نماید، بلکه مراد دلش این است که امت‌های بسیار را هلاک و منقطع بسازد. زیرا می‌گوید آیا سرداران من جمیعا پادشاه نیستند؟^۹ آیا کلنو مثل کر کمیش نیست و آیا حمات مثل ارفاد نی، و آیا سامره مانند دمشق نمی‌باشد،^{۱۰} چنانکه دست من بر ممالک بتها استیلا یافت؟ و بتهای تراشیده آنها از بتهای اورشلیم و سامره بیشتر بودند؟^{۱۱} پس آیا به نهجی که به سامره و بتهایش عمل نمودم به اورشلیم و بتهایش چنین عمل نخواهم نمود؟

۱۲ و واقع خواهد شد بعد از آنکه خداوند تمامی کار خود را با کوه صهیون و اورشلیم به انجام رسانیده باشد که من از ثمره دل مغرور پادشاه آشور و از فخر چشمان متکبر وی انتقام خواهم کشید.^{۱۳} زیرا می‌گوید: «به قوت دست خود و به حکمت خویش چونکه فهیم هستم این را کردم و حدود قومها را منتقل ساختم و خزاین ایشان را غارت نمودم و مثل جبار سروران ایشان را به زیر انداختم.^{۱۴} و دست من دولت قومها را مثل آشیانه‌ای گرفته است و به طوری که تخمهای متروک را جمع کنند، من تمامی زمین را جمع کردم. و کسی نبود که بال را بجنباند یا دهان خود را بگشاید یا جک جک بنماید.»

۱۵ آیا تبر بر کسی که به آن می‌شکند فخر خواهد نمود یا اره بر کسی که آن را می‌کشد افتخار خواهد کرد، که گویا عصا بلند کننده خود را بجنباند یا چوب دست آنچه را که چوب نباشد بلند نماید؟^{۱۶} بنابراین خداوند یهوه صباوت بر فربهان او لاغری خواهد فرستاد و زیر جلال او سوختنی مثل سوختن آتش افروخته خواهد شد.^{۱۷} و نور اسرائیل نار و قدوس وی شعله خواهد

شد، و در یکروز خار و خشخاش را سوزانیده، خواهد خورد.^{۱۸} و شوکت جنگل و بستان او هم روح و هم بدن را تباه خواهد ساخت و مثل گداختن مریض خواهد شد.^{۱۹} و بقیه درختان و جنگلش قلیل العدد خواهد بود که طفلی آنها را ثبت تواند کرد.

^{۲۰} و در آن روز واقع خواهد شد که بقیه اسرائیل و ناجیان خاندان یعقوب بار دیگر بر زننده خودشان اعتماد نخواهند نمود، بلکه بر خداوند که قدوس اسرائیل است به اخلاص اعتماد خواهند نمود.^{۲۱} و بقیه‌ای یعنی بقیه یعقوب بسوی خدای مطلق بازگشت خواهند کرد.^{۲۲} زیرا هرچند قوم تو اسرائیل مثل ریگ دریا باشند، فقط از ایشان بقیتی بازگشت خواهند نمود. هلاکتی که مقدر است به عدالت مجرا خواهد شد،^{۲۳} زیرا خداوند یهوه صبایوت هلاکت و تقدیری در میان تمام زمین به عمل خواهد آورد.^{۲۴} بنابراین خداوند یهوه صبایوت چنین می‌گوید: «ای قوم من که در صهیون ساکنید از آشور مترسید، اگر چه شما را به چوب بزند و عصای خود را مثل مصریان بر شما بلند نماید.^{۲۵} زیرا بعد از زمان بسیار کمی، غضب تمام خواهد شد و خشم من برای هلاکت ایشان خواهد بود.»^{۲۶} و یهوه صبایوت تازیانه‌ای بر وی خواهد برانگیخت چنانکه در کشتار مدیان بر صخره غراب. و عصای او بر دریا خواهد بود و آن را بلند خواهد کرد به طوری که بر مصریان کرده بود.^{۲۷} و در آن روز واقع خواهد شد که بار او از دوش تو و یوغ او از گردن تو رفع خواهد شد و یوغ از فربهی گسسته خواهد شد.

^{۲۸} او به عیات رسید و از مجرون گذشت و در مکماش اسباب خود را گذاشت.^{۲۹} از معبر عبور کردند و در جبع منزل گزیدند، اهل رامه هراسان شدند و اهل جبعه شاول فرار کردند.^{۳۰} ای دختر جلیم به آواز خود فریاد بر آور! ای لیشه و ای عناتوت فقیر گوش ده! ^{۳۱} مدمینه فراری شدند و ساکنان جیبیم گریختند.^{۳۲} همین امروز در نوب توقف می‌کند و دست خود را بر جبل دختر صهیون و کوه اورشلیم دراز می‌سازد.^{۳۳} اینک خداوند یهوه صبایوت شاخه‌ها را با خوف قطع خواهد نمود و بلند قدان بریده خواهند شد و مرتفعان پست خواهند گردید،^{۳۴} و بوته‌های جنگل به آهن بریده خواهد شد و لبنان به دست جباران خواهد افتاد.

۱۱ و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. ۲ و

روح خد/وند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خد/وند. ۳ و خوشی او در ترس خد/وند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشه‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. ۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین براستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. ۵ و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت.

و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند. ۶ و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد. ۷ و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. ۸ و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خد/وند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می‌پوشاند.

۹ و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسی به جهت علم قوم‌ها برپا خواهد شد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود. ۱۰ و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند باز آورد.

۱۱ و به جهت امت‌ها علمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد، و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد. ۱۲ و حسد افرایم رفع خواهد شد و دشمنان یهودا منقطع خواهند گردید. افرایم بر یهودا حسد نخواهد برد و یهودا افرایم را دشمنی نخواهد نمود. ۱۳ و به جانب مغرب بر دوش فلسطینیان پریده، بنی مشرق را با هم غارت خواهند نمود. و دست خود را بر ادوم و مؤآب دراز کرده، بنی عمون ایشان را اطاعت خواهند کرد. ۱۴ و خد/وند زبانه دریای مصر را تباه ساخته، دست خود را با باد سوزان بر نهر دراز خواهد کرد، و آن را با هفت نهرش خواهد زد و مردم را با کفش به آن عبور خواهد داد. ۱۵ و به جهت بقیه قوم او

که از آشور باقی مانده باشند، شاهراهی خواهد بود، چنانکه به جهت اسرائیل در روز بر آمدن ایشان از زمین مصر بود.

۱۲

و در آن روز خواهی گفت که «ای خداوند تو را حمد می‌گویم زیرا به من غضبناک بودی، اما غضبت برگردانیده شده، مرا تسلی می‌دهی. ^۲اینک خدا نجات من است بر او توکل نموده، نخواهم ترسید. زیرا یاه یهوه قوت و تسبیح من است و نجات من گردیده است.»^۳ بنابراین با شادمانی از چشمه‌های نجات آب خواهید کشید.^۴ و در آن روز خواهید گفت: «خداوند را حمد گوید و نام او را بخوانید و اعمال او را در میان قوم‌ها اعلام کنید و ذکر نمایید که اسم او متعال می‌باشد. ^۵برای خداوند بسرایید زیرا کارهای عظیم کرده است و این در تمامی زمین معروف است. ^۶آی ساکنه صهیون صدا را برافراشته، بسرای زیرا قدوس اسرائیل در میان تو عظیم است.»

۱۳

و وحی درباره بابل که اشعیا ابن آموص آن را دید. ^۲علمی بر کوه خشک برپا کنید و آواز به ایشان بلند نمایید، با دست اشاره کنید تا به درهای نجبا داخل شوند. ^۳من مقدسان خود را مأمور داشتم و شجاعان خویش یعنی آنانی را که در کبریای من وجد می‌نمایند به جهت غضبم دعوت نمودم. ^۴آواز گروهی در کوه‌ها مثل آواز خلق کثیر. آواز غوغای ممالک امت‌ها که جمع شده باشند. یهوه صبایوت لشکر را برای جنگ سان می‌بیند. ^۵ایشان از زمین بعید و از کرانه‌های آسمان می‌آیند. یعنی خداوند با اسلحه غضب خود تا تمامی جهان را ویران کند. ^۶ولوله کنید زیرا که روز خداوند نزدیک است، مثل هلاکتی از جانب قادر مطلق می‌آید. ^۷از این جهت همه دستها سست می‌شود و دل‌های همه مردم گداخته می‌گردد. ^۸و ایشان متحیر شده، الم‌ها و دردهای زه بر ایشان عارض می‌شود، مثل زنی که می‌زاید درد می‌کشند. بر یکدیگر نظر حیرت می‌اندازند و رویهای ایشان رویهای شعله‌ور می‌باشد. ^۹اینک روز خداوند با غضب و شدت خشم و

ستمکیشی می‌آید، تا جهان را ویران سازد و گناهکاران را از میانش هلاک نماید.^{۱۰} زیرا که ستارگان آسمان و برجهایش روشنایی خود را نخواهند داد. و آفتاب در وقت طلوع خود تاریک خواهد شد و ماه روشنایی خود را نخواهد تابانید.^{۱۱} و من ربع مسکون را به سبب گناه و شریران را به سبب عصیان ایشان سزا خواهم داد، و غرور متکبران را تباه خواهم ساخت و تکبر جباران را به زیر خواهم انداخت.^{۱۲} و مردم را از زر خالص و انسان را از طلای اوفیر کمیابتر خواهم گردانید.^{۱۳} بنابراین آسمان را متزلزل خواهم ساخت و زمین از جای خود متحرک خواهد شد. در حین غضب یهوه صباوت و در روز شدت خشم او.

^{۱۴} و مثل آهوی رانده شده و مانند گله‌ای که کسی آن را جمع نکند خواهند بود. و هر کس به سوی قوم خود توجه خواهد نمود و هر شخص به زمین خویش فرار خواهد کرد.^{۱۵} و هر که یافت شود با نیزه زده خواهد شد و هر که گرفته شود با شمشیر خواهد افتاد.^{۱۶} اطفال ایشان نیز در نظر ایشان به زمین انداخته شوند و خانه‌های ایشان غارت شود و زنان ایشان بی‌عصمت گردند.^{۱۷} اینک من مادیان را بر ایشان خواهم برانگیخت که نقره را به حساب نمی‌آورند و طلا را دوست نمی‌دارند.^{۱۸} و کمانهای ایشان جوانان را خرد خواهد کرد. و بر ثمره رحم ترحم نخواهند نمود و چشمان ایشان بر اطفال شفقت نخواهد کرد.^{۱۹} و بابل که جلال ممالک و زینت فخر کلدانیان است، مثل واژگون ساختن خدا سدوم و عموره را خواهد شد.^{۲۰} و تا به ابد آباد نخواهد شد و نسلا بعد نسل مسکون نخواهد گردید. و اعراب در آنجا خیمه نخواهند زد و شبانان گله‌ها را در آنجا نخواهند خوابانید.^{۲۱} بلکه وحوش صحرا در آنجا خواهند خوابید و خانه‌های ایشان از بومها پر خواهد شد. شترمرغ در آنجا ساکن خواهد شد و غولان در آنجا رقص خواهند کرد،^{۲۲} و شغالها در قصرهای ایشان و گرگها در گوشکهای خوش‌نما صدا خواهند زد و زمانش نزدیک است که برسد و روزهایش طول نخواهد کشید.

۱۴ زیرا خداوند بر یعقوب ترحم فرموده، اسرائیل را بار دیگر خواهد برگزید و ایشان را در زمینشان آرامی خواهد داد. و غربا با ایشان ملحق شده، با خاندان یعقوب ملصق خواهند گردید.^۲ و قوماها ایشان را برداشته، به مکان خودشان خواهند آورد. و خاندان اسرائیل

ایشان را در زمین خد/وند برای بندگی و کنیزی، مملوک خود خواهند ساخت. و اسیرکنندگان خود را اسیر کرده، بر ستمکاران خویش حکمرانی خواهند نمود.

^۳ و در روزی که خد/وند تو را از الم و اضطرابت و بندگی سخت که بر تو می‌نهادند خلاصی بخشد، واقع خواهد شد ^۴ که این مثل را بر پادشاه بابل زده، خواهی گفت: چگونه آن ستمکار تمام شد و آن جور پیشه چگونه فانی گردید! ^۵ خد/وند عصای شیران و چوگان حاکمان را شکست. ^۶ آنکه قومها را به خشم با صدمه متوالی می‌زد و بر امتها به غضب با جفای بیحد حکمرانی می‌نمود، ^۷ تمامی زمین آرام شده و ساکت گردیده‌اند و به آواز بلند ترنم می‌نمایند. ^۸ صنوبرها نیز و سروهای آزاد لبنان درباره تو شادمان شده، می‌گویند: «از زمانی که تو خوابیده‌ای قطع کننده‌ای بر ما برنیامده است.»

^۹ هاویه از زیر برای تو متحرک است تا چون بیایی تو را استقبال نماید، و مردگان یعنی جمیع بزرگان زمین را برای تو بیدار می‌سازد، و جمیع پادشاهان امتها را از کرسیهای ایشان برمی‌دارد. ^{۱۰} جمیع اینها تو را خطاب کرده، می‌گویند: «آیا تو نیز مثل ما ضعیف شده‌ای و مانند ما گردیده‌ای؟» ^{۱۱} جلال تو و صدای بربطهای تو به هاویه فرود شده است. کرمها زیر تو گسترانیده شده و مورها تو را می‌پوشانند.

^{۱۲} ای زهره دختر صبح چگونه از آسمان افتاده‌ای؟ ای که امتها را ذلیل می‌ساختی چگونه به زمین افکنده شده‌ای؟ ^{۱۳} و تو در دل خود می‌گفتی: «به آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت، و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود. ^{۱۴} بالای بلندیه‌ای ابرها صعود کرده، مثل حضرت اعلی خواهم شد.» ^{۱۵} لکن به هاویه به اسفلهای حفره فرود خواهی شد.

^{۱۶} آنانی که تو را بینند بر تو چشم دوخته و در تو تأمل نموده، خواهند گفت: «آیا این آن مرد است که جهان را متزلزل و ممالک را مرتعش می‌ساخت؟ ^{۱۷} که ربع مسکون را ویران می‌نمود و شهرهایش را منهدم می‌ساخت و اسیران خود را به خانه‌های ایشان رها نمی‌کرد؟»

^{۱۸} همه پادشاهان امتها جمیعا هر یک در خانه خود با جلال می‌خوابند. ^{۱۹} اما تو از قبر خود بیرون افکنده می‌شوی و مثل شاخه مکروه و مانند لباس کشتگانی که با شمشیر زده شده باشند، که به سنگهای حفره فرو می‌روند و مثل لاشه پایمال شده. ^{۲۰} با ایشان در دفن متحد نخواهی بود چونکه زمین خود را ویران کرده، قوم خویش را کشته‌ای. ذریت شیران تا به ابد مذکور نخواهند

شد.^{۲۱} برای پسرانش به سبب گناه پدران ایشان قتل را مهیا سازید، تا ایشان برنخیزند و در زمین تصرف نمایند و روی ربع مسکون را از شهرها پر نسازند.

^{۲۲} و یهوه صبایوت می‌گوید: «من به ضدایشان خواهم برخاست.» و خداوند می‌گوید: «اسم و بقیه را و نسل و ذریت را از بابل منقطع خواهم ساخت.^{۲۳} و آن را نصیب خاریشتها و خلابهای آب خواهم گردانید و آن را با جاروب هلاکت خواهم رفت.» یهوه صبایوت می‌گوید.
^{۲۴} یهوه صبایوت قسم خورده، می‌گوید: «یقیناً به طوری که قصد نموده‌ام همچنان واقع خواهد شد. و به نهجی که تقدیر کرده‌ام همچنان بجا آورده خواهد گشت.^{۲۵} و آشور را در زمین خودم خواهم شکست و او را بر کوههای خویش پایمال خواهم کرد. و یوغ او از ایشان رفع شده، بار وی از گردن ایشان برداشته خواهد شد.»^{۲۶} تقدیری که بر تمامی زمین مقدر گشته، این است. و دستی که بر جمیع امت‌ها دراز شده، همین است.^{۲۷} زیرا که یهوه صبایوت تقدیر نموده است، پس کیست که آن را باطل گرداند؟ و دست اوست که دراز شده است پس کیست که آن را برگرداند؟

^{۲۸} در سالی که آحاز پادشاه مرد این وحی نازل شد: ^{۲۹} ای جمیع فلسطین شادی مکن از اینکه عصایی که تو را می‌زد شکسته شده است. زیرا که از ریشه مار افعی بیرون می‌آید و نتیجه او ازدهای آتشین پرنده خواهد بود.^{۳۰} و نخست‌زادگان مسکینان خواهند چرید و فقیران در اطمینان خواهند خوابید. و ریشه تو را با قحطی خواهم کشت و باقی ماندگان تو مقتول خواهند شد.^{۳۱} ای دروازه ولوله نما! و ای شهر فریاد برآور! ای تمامی فلسطین تو گداخته خواهی شد. زیرا که از طرف شمال دود می‌آید و از صفوف وی کسی دور نخواهد افتاد.^{۳۲} پس به رسولان امت‌ها چه جواب داده شود: «اینکه خداوند صهیون را بنیاد نهاده است و مسکینان قوم وی در آن پناه خواهند برد.»

۱۵ وحی درباره موآب: زیرا که در شبی عار موآب خراب و هلاک شده است؛ زیرا در شبی قیر موآب خراب و هلاک شده است.^۱ به بتکده و دیون به مکان‌های بلند به جهت گریستن برآمده‌اند. موآب برای نبو و میدبا ولوله می‌کند. بر سر هر یکی از ایشان گری است و

ریشه‌های همه تراشیده شده است.^۳ در کوچه‌های خود کمر خود را به پلاس می‌بندند و بر پشت بامها و در چهارسوهای خود هر کس ولوله می‌نماید و اشکها می‌ریزد.^۴ و حشبون و اعاله فریاد برمی‌آورند. آواز ایشان تا یاهص مسموع می‌شود. بنابراین مسلحان موآب ناله می‌کنند و جان ایشان در ایشان می‌لرزد.

^۵ دل من به جهت موآب فریاد برمی‌آورد. فراریانش تا به صوغر و عجلت شلشیا نعره می‌زنند زیرا که ایشان به فراز لوحیت با گریه برمی‌آیند. زیرا که از راه حورونایم صدای هلاکت برمی‌آورند.^۶ زیرا که آبهای نمریم خراب شده، چونکه علف خشکیده و گیاه تلف شده و هیچ چیز سبز باقی نمانده است.^۷ بنابراین دولتی را که تحصیل نموده‌اند و اندوخته‌های خود را بر وادی بیدها می‌برند.^۸ زیرا که فریاد ایشان حدود موآب را احاطه نموده و ولوله ایشان تا اجلایم و ولوله ایشان تا بئر ایلیم رسیده است.^۹ چونکه آبهای دیمون از خون پر شده زانرو که بر دیمون (بلایای) زیاد خواهم آورد یعنی شیری را بر فراریان موآب و بر بقیه زمینش (خواهم گماشت).

۱۶ بره‌ها را که خراج حاکم زمین است از سالع بسوی بیابان به کوه دختر صهیون بفرستید.^۲ و دختران موآب مثل مرغان آواره و مانند آشیانه ترک شده نزد معبرهای ارنون خواهند شد.^۳ مشورت بدهید و انصاف را بجا آورید، و سایه خود را در وقت ظهر مثل شب بگردان. رانده شدگان را پنهان کن و فراریان را تسلیم منما.^۴ آی موآب بگذار که رانده شدگان من نزد تو مأوا گزینند. و برای ایشان از روی تاراج‌کننده پناه‌گاه باش. زیرا ظالم نابود می‌شود و تاراج‌کننده تمام می‌گردد و ستمکار از زمین تلف خواهد شد.^۵ و کرسی به رحمت استوار خواهد گشت و کسی به راستی بر آن در خیمه داود خواهد نشست که داوری کند و انصاف را بطلبد و به جهت عدالت تعجیل نماید.

غرور موآب و بسیاری تکبر و خیلاء و کبر و خشم او را شنیدیم و فخر او باطل است.^۶ بدین سبب موآب به جهت موآب ولوله می‌کند و تمامی ایشان ولوله می‌نمایند. به جهت بنیادهای قیر حارست ناله می‌کنید زیرا که بالکل مضروب می‌شود.^۷ زیرا که مزرعه‌های حشبون و موهای سبمه پژمرده شد و سروران امت‌ها تاکهایش را شکستند. آنها تا به یعزیر رسیده بود و در

بیابان پراکنده می‌شد و شاخه‌هایش منتشر شده، از دریا می‌گذشت.^۹ بنابراین برای مو سبمه به گریه‌عزیز خواهم گریست. ای حشبون و العاله شما را با اشکهای خود سیراب خواهم ساخت زیرا که بر میوه‌ها و انگوره‌های گلبانگ افتاده است.^{۱۰} شادی و ابتهاج از بستانها برداشته شد و در تاکستانها ترنم و آواز شادمانی نخواهد بود و کسی شراب را در چرخشته‌ها پایمال نمی‌کند. صدای شادمانی را خاموش گردانیدم.^{۱۱} لهذا احشای من مثل بریط به جهت موآب صدا می‌زند و بطن من برای قیر حارس.^{۱۲} و هنگامی که موآب در مکان بلند خود حاضر شده، خویشان را خسته کند و به مکان مقدس خود برای دعا بیاید کامیاب نخواهد شد.

^{۱۳} این است کلامی که *خد/وند* درباره موآب از زمان قدیم گفته است.^{۱۴} اما *الآن خد/وند* تکلم نموده، می‌گوید که بعد از سه سال مثل سالهای مزدور، جلال موآب با تمامی جماعت کثیر او محقر خواهد شد و بقیه آن بسیار کم و بی‌قوت خواهند گردید.

۱۷

و حی درباره دمشق: اینک دمشق از میان شهرها برداشته می‌شود و توده خراب خواهد گردید.^۱ شهرهای عروعر متروک می‌شود و به جهت خوابیدن گله‌ها خواهد بود و کسی آنها را نخواهد ترسانید.^۲ و حصار از افرایم تلف خواهد شد و سلطنت از دمشق و از بقیه ارام. و مثل جلال بنی‌اسرائیل خواهند بود زیرا که یهوه صباوت چنین می‌گوید.^۳ و در آن روز جلال یعقوب ضعیف می‌شود و فربهی جسدش به لاغری تبدیل می‌گردد.^۴ و چنان خواهد بود که دروگران زرع را جمع کنند و دستهای ایشان سنبله‌ها را درو کند. و خواهد بود مثل وقتی که در وادی رفایم سنبله‌ها را بچینند.^۵ و خوشه‌های چند در آن باقی ماند و مثل وقتی که زیتون را بتکانند که دو یا سه دانه بر سر شاخه بلند و چهار یا پنج دانه بر شاخچه‌های بارور آن باقی ماند. یهوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید.

^۶ در آن روز انسان بسوی آفریننده خود نظر خواهد کرد و چشمانش بسوی قدوس اسرائیل خواهد نگریست.^۷ و بسوی مذبح‌هایی که به دستهای خود ساخته است نظر خواهد کرد و به آنچه با انگشتهای خویش بنا نموده یعنی اشیریم و بتهای آفتاب نخواهد نگریست.

در آن روز شهرهای حصینش مثل خرابه‌هایی که در جنگل یا بر کوه بلند است خواهد شد که آنها را از حضور بنی‌اسرائیل واگذاشتند و ویران خواهد شد.^{۱۰} چونکه خدای نجات خود را فراموش کردی و صخره قوت خویش را به یاد نیاوردی، بنابراین نهالهای دلپذیر غرس خواهی نمود و قلمه‌های غریب را خواهی کاشت.^{۱۱} در روزی که غرس می‌نمایی، آن را نمو خواهی داد و در صبح مزروع خود را به شکوفه خواهی آورد، اما محصولش در روز آفت مهلک و حزن علاج‌ناپذیر بر باد خواهد رفت.

^{۱۲} وای بر شورش قوم‌های بسیار که مثل شورش دریا شورش می‌نمایند، و خروش طوایفی که مثل خروش آبهای زورآور خروش می‌کنند.^{۱۳} طوایف مثل خروش آبهای بسیار می‌خروشدند، اما ایشان را عتاب خواهد کرد و به جای دور خواهند گریخت و مثل کاه کوهها در برابر باد رانده خواهند شد و مثل غبار در برابر گردباد.^{۱۴} در وقت شام اینک خوف است و قبل از صبح نابود می‌شوند. نصیب تاراج‌کنندگان ما و حصه غارت‌نمایندگان ما همین است.

۱۸

وای بر زمینی که در آن آواز بالها است که به آن طرف نهرهای کوش می‌باشد.^۱ و ایلچیان به دریا و در کشتیهای بردی بر روی آبها می‌فرستد و می‌گوید: ای رسولان تیزرو بروید نزد امت بلند قد و براق، نزد قومی که از ابتدایش تا کنون مهیب بوده‌اند یعنی امت زورآور و پایمال‌کننده که نهرها زمین ایشان را تقسیم می‌کند.^۲ آئی تمامی ساکنان ربع مسکون و سکنه جهان، چون علمی بر کوهها بلند گردد بنگرید و چون کرنا نواخته شود بشنوید.^۳ زیرا خد/وند به من چنین گفته است که من خواهم آرامید و از مکان خود نظر خواهم نمود. مثل گرمای صاف بر نباتات و مثل ابر شبنم دار در حرارت حصاد.^۴ زیرا قبل از حصاد وقتی که شکوفه تمام شود و گل به انگور رسیده، مبدل گردد او شاخه‌ها را با اره‌ها خواهد برید و نهالها را بریده دور خواهد افکند.^۵ و همه برای مرغان شکاری کوهها و وحوش زمین واگذاشته خواهد شد. و مرغان شکاری تابستان را بر آنها بسر خواهند برد و جمیع وحوش زمین زمستان را بر آنها خواهند گذرانید.^۶ و در آن زمان هدیه‌ای برای یهوه صباپوت از قوم بلند قد و براق و از قومی که

از ابتدایش تا کنون مهیب است و از امتی زورآور و پایمال کننده که نهرها زمین ایشان را تقسیم می‌کند، به مکان اسم یهوه صبايوت یعنی به کوه صهیون آورده خواهد شد.

۱۹

وحی درباره مصر: اینک خداوند بر ابر تیزرو سوار شده، به مصر می‌آید و بتهای مصر از حضور وی خواهد لرزید و دل‌های مصریان در اندرون ایشان گداخته خواهد شد.^۲ و مصریان را بر مصریان خواهم برانگیخت. برادر با برادر خود و همسایه با همسایه خویش و شهر با شهر و کشور با کشور جنگ خواهند نمود.^۳ و روح مصر در اندرونش افسرده شده، مشورتش را باطل خواهم گردانید و ایشان از بتها و فالگیران و صاحبان اجنه و جادوگران سؤال خواهند نمود.^۴ و مصریان را به دست آقای ستم‌کیش تسلیم خواهم نمود و پادشاه زورآور بر ایشان حکمرانی خواهد کرد. خداوند یهوه صبايوت چنین می‌گوید.

^۵ و آب از دریا (نیل) کم شده، نهر خراب و خشک خواهد گردید.^۶ و نهرها متعفن شده، جویهای ماصور کم شده می‌خشکد و نی و بوریا پژمرده خواهد شد.^۷ و مرغزاری که بر کنار نیل و بر دهنه نیل است و همه مزرعه‌های نیل خشک و رانده شده و نابود خواهد گردید.^۸ و ماهی‌گیران ماتم می‌گیرند و همه آنانی که قلاب به نیل اندازند زاری می‌کنند و آنانی که دام بر روی آب گسترانند افسرده خواهند شد.^۹ و عاملان کتان شانه زده و بافندگان پارچه سفید خجل خواهند شد.^{۱۰} و ارکان او ساییده و جمیع مزدوران رنجیده دل خواهند شد.

^{۱۱} سروران صوعن بالکل احمق می‌شوند و مشورت مشیران دانشمند فرعون وحشی می‌گردد. پس چگونه به فرعون می‌گویید که من پسر حکما و پسر پادشاهان قدیم می‌باشم.^{۱۲} پس حکیمان تو کجایند تا ایشان تو را اطلاع دهند و بدانند که یهوه صبايوت درباره مصر چه تقدیر نموده است؟^{۱۳} سروران صوعن ابله شده و سروران نوف فریب خورده‌اند و آنانی که سنگ زاویه اسباط مصر هستند آن را گمراه کرده‌اند.^{۱۴} و خداوند روح خیرگی در وسط آن آمیخته است که ایشان مصریان را در همه کارهای ایشان گمراه کرده‌اند، مثل مستان که در قی خود افتان و خیزان راه می‌روند.^{۱۵} و مصریان را کاری نخواهد ماند که سر یا دم نخل یا بوریا بکند.

^{۱۶} در آن روز اهل مصر مثل زنان می‌باشند و از حرکت دست یهوه صباپوت که آن را بر مصر به حرکت می‌آورد لرزان و هراسان خواهند شد.^{۱۷} و زمین یهودا باعث خوف مصر خواهد شد که هر که ذکر آن را بشنود خواهد ترسید به سبب تقدیری که یهوه صباپوت بر آن مقدر نموده است.^{۱۸} در آن روز پنج شهر در زمین مصر به زبان کنعان متکلم شده، برای یهوه صباپوت قسم خواهند خورد و یکی شهر هلاکت نامیده خواهد شد.

^{۱۹} در آن روز مذبحی برای خداوند در میان زمین مصر و ستونی نزد حدودش برای خداوند خواهد بود.^{۲۰} و آن آیتی و شهادتی برای یهوه صباپوت در زمین مصر خواهد بود. زیرا که نزد خداوند به سبب جفاکنندگان خویش استغاثه خواهد نمود و او نجات دهنده و حمایت کننده‌ای برای ایشان خواهد فرستاد و ایشان را خواهد رهانید.^{۲۱} و خداوند بر مصریان معروف خواهد شد و در آن روز مصریان خداوند را خواهند شناخت و با ذبایح و هدایا او را عبادت خواهند کرد و برای خداوند نذر کرده، آن را وفا خواهند نمود.^{۲۲} و خداوند مصریان را خواهد زد و به زدن شفا خواهد داد زیرا چون بسوی خداوند بازگشت نمایند ایشان را اجابت نموده، شفا خواهد داد.

^{۲۳} در آن روز شاهراهی از مصر به آشور خواهد بود و آشوریان به مصر و مصریان به آشور خواهند رفت و مصریان با آشوریان عبادت خواهند نمود.^{۲۴} در آن روز اسرائیل سوم مصر و آشور خواهد شد و آنها در میان جهان برکت خواهند بود.^{۲۵} زیرا که یهوه صباپوت آنها را برکت داده خواهد گفت قوم من مصر و صنعت دست من آشور و میراث من اسرائیل مبارک باشند.

۲۰ در سالی که ترتان به اشدود آمد هنگامی که سرجون پادشاه آشور او را

فرستاد، پس با اشدود جنگ کرده، آن را گرفت.^۲ در آن وقت خداوند به واسطه اشعیا ابن آموص تکلم نموده، گفت: «برو و پلاس را از کمر خود بگشا و نعلین را از پای خود بیرون کن.» و او چنین کرده، عریان و پا برهنه راه می‌رفت.

^۳ و خداوند گفت: «چنانکه بنده من اشعیا سه سال عریان و پا برهنه راه رفته است تا آیتی و علامتی درباره مصر و کوش باشد،^۴ بهمان طور پادشاه آشور اسیران مصر و جلاء وطنان کوش

را از جوانان و پیران عریان و پابره‌نه و مکشوف سرین خواهد برد تا رسوایی مصر باشد.^۵ و ایشان به سبب کوش که ملجای ایشان است و مصر که فخر ایشان باشد مضطرب و خجل خواهند شد. و ساکنان این ساحل در آن روز خواهند گفت: اینک ملجای ما که برای اعانت به آن فرار کردیم تا از دست پادشاه آشور نجات یابیم چنین شده است، پس ما چگونه نجات خواهیم یافت؟»

۲۱

وحی درباره بیابان بحر: چنانکه گردباد در جنوب می‌آید، این نیز از بیابان از زمین هولناک می‌آید.^۲ رؤیای سخت برای من منکشف شده است، خیانت پیشه خیانت می‌کند و تاراج کننده تاراج می‌نماید. ای عیلام برآی و ای مدیان محاصره نما. تمام ناله آن را ساکت گردانیدم.

^۳ از این جهت کمر من از شدت درد پر شده است و درد زه مثل درد زنی که می‌زاید مرا در گرفته است. پیچ و تاب می‌خورم که نمی‌توانم بشنوم، مدهوش می‌شوم که نمی‌توانم ببینم.^۴ دل من می‌طپید و هیبت مرا ترسانید. او شب لذت مرا برایم به خوف مبدل ساخته است.^۵ سفره را مهیا ساخته و فرش را گسترانیده به اکل و شرب مشغول می‌باشند. ای سروران برخیزید و سپرها را روغن بمالید.

^۶ زیرا خداوند به من چنین گفته است: «برو و دیده‌بان را قرار بده تا آنچه را که بیند اعلام نماید.»^۷ و چون فوج سواران جفت جفت و فوج الاغان و فوج شتران را ببیند آنگاه به دقت تمام توجه بنماید.»

^۸ پس او مثل شیر صدا زد که «ای آقا من دائماً در روز بر محرس ایستاده‌ام و تمامی شب بر دیده‌بانگاه خود برقرار می‌باشم.»^۹ و اینک فوج مردان و سواران جفت جفت می‌آیند و او مزید کرده، گفت: بابل افتاد افتاده است و تمامی تمثال‌های تراشیده خدایانش را بر زمین شکسته‌اند.^{۱۰} ای کوفته شده من و ای محصول خرمن من آنچه از یهوه صباوت خدای اسرائیل شنیدم به شما اعلام می‌نمایم.

^{۱۱} وحی درباره دومه: کسی از سعیر به من ندا می‌کند که «ای دیده‌بان از شب چه خبر؟ ای دیده‌بان از شب چه خبر؟» ^{۱۲} دیده‌بان می‌گوید که «صبح می‌آید و شام نیز. اگر پرسیدن می‌خواهید برسید و بازگشت نموده، بیایید.»

^{۱۳} وحی درباره عرب: ای قافله‌های ددانیان در جنگل عرب منزل کنید. ^{۱۴} ای ساکنان زمین تیما تشنگان را به آب استقبال کنید و فراریان را به خوراک ایشان پذیره شوید. ^{۱۵} زیرا که ایشان از شمشیرها فرار می‌کنند، از شمشیر برهنه و کمان زده شده و از سختی جنگ.

^{۱۶} زانرو که خداوند به من گفته است بعد از یکسال موافق سالهای مزدوران، تمامی شوکت قیدار تلف خواهد شد. ^{۱۷} و بقیه شماره تیراندازان و جباران بنی قیدار قلیل خواهد شد چونکه یهوه خدای اسرائیل این را گفته است.

۲۲

وحی درباره وادی رؤیا: الآن تو را چه شد که کلیه بر بامها برآمدی؟ ^۱ ای که پر از شورشها هستی و ای شهر پرغوغا و ای قریه مفتخر! کشتگان کشته شمشیر نیستند و در جنگ هلاک نشده‌اند. ^۲ جمیع سرورانت با هم گریختند و بدون تیراندازان اسیر گشتند. همگانی که در تو یافت شدند با هم اسیر گردیدند و به جای دور فرار کردند. ^۳ بنابراین گفتم نظر خود را از من بگردانید زیرا که با تلخی گریه می‌کنم. برای تسلی من درباره خرابی دختر قومم الحاح مکنید.

^۴ زیرا خداوند یهوه صباوت روز آشفتگی و پایمالی و پریشانی‌ای در وادی رؤیا دارد. دیوارها را منهدم می‌سازند و صدای استغاثه تا به کوهها می‌رسد. ^۵ و عیلام با افواج مردان و سواران ترکش را برداشته است و قیر سپر را مکشوف نموده است، ^۶ و وادیهای بهترینت از ارابه‌ها پر شده، سواران پیش دروازه‌های صف‌آرایی می‌نمایند؛ ^۷ و پوشش یهودا برداشته می‌شود و در آن روز به اسلحه خانه جنگل نگاه خواهید کرد؛ ^۸ و رخنه‌های شهر داود را که بسیارند خواهید دید و آب برکه تحتانی را جمع خواهید نمود؛ ^۹ و خانه‌های اورشلیم را خواهید شمرد و خانه‌ها را به جهت حصاربندی دیوارها خراب خواهید نمود. ^{۱۰} و در میان دو دیوار حوضی برای آب برکه قدیم خواهید ساخت اما به صانع آن نخواهید نگرست و به آنکه آن را از ایام پیشین ساخته است

نگران نخواهید شد.^{۱۲} و در آن روز خداوند یهوه صبايوت (شما را) به گریستن و ماتم کردن و کندن مو و پوشیدن پلاس خواهد خواند.^{۱۳} و اینک شادمانی و خوشی و کشتن گاو و ذبح کردن گوسفندان و خوردن گوشت و نوشیدن شراب خواهد بود که بخوریم و بنوشیم زیرا که فردا می‌میریم.^{۱۴} و یهوه صبايوت در گوش من اعلام کرده است که این گناه شما تا بمیرید هرگز کفاره نخواهد شد. خداوند یهوه صبايوت این را گفته است.

^{۱۵} خداوند یهوه صبايوت چنین می‌گوید: «برو و نزد این خزانه‌دار یعنی شبنا که ناظر خانه است داخل شو و به او بگو: ^{۱۶} تو را در اینجا چه کار است و در اینجا که را داری که در اینجا قبری برای خود کنده‌ای؟ ای کسی که قبر خود را در مکان بلند می‌کنی و مسکنی برای خویشتن در صخره می‌تراشی.»

^{۱۷} اینک ای مرد، خداوند البته تو را دور خواهد انداخت و البته تو را خواهد پوشانید.^{۱۸} و البته تو را مثل گوی سخت خواهد پیچید و به زمین وسیع تو را خواهد افکند و در آنجا خواهی مرد و در آنجا اربابه‌های شوکت تو رسوایی خانه آقايت خواهد شد.^{۱۹} و تو را از منصبت خواهم راند و از مکانت به زیر افکنده خواهی شد.

^{۲۰} و در آن روز واقع خواهد شد که بنده خویش الیاقیم بن حلقیا را دعوت خواهم نمود.^{۲۱} و او را به جامه تو ملبس ساخته به کمر بندت محکم خواهم ساخت و اقتدار تو را به دست او خواهم داد و او ساکنان اورشلیم و خاندان یهودا را پدر خواهد بود.^{۲۲} و کلید خانه داود را بر دوش وی خواهم نهاد و چون بگشاید احدی نخواهد بست و چون ببندد، احدی نخواهد گشاد.^{۲۳} و او را در جای محکم مثل میخ خواهم دوخت و برای خاندان پدر خود کرسی جلال خواهد بود.^{۲۴} و تمامی جلال خاندان پدرش را از اولاد و احفاد و همه ظروف کوچک را از ظروف کاسه‌ها تا ظروف تنگها بر او خواهند آویخت.

^{۲۵} و یهوه صبايوت می‌گوید که در آن روز آن میخی که در مکان محکم دوخته شده، متحرک خواهد گردید و قطع شده، خواهد افتاد و باری که بر آن است، تلف خواهد شد زیرا خداوند این را گفته است.

وحی درباره صور ای کشتیهای ترشیش ولوله نمایید زیرا که بحدی خراب

شده است که نه خانه‌ای و نه مدخلی باقی مانده. از زمین کتیم خبر به ایشان رسیده است.^۲ ای ساکنان ساحل که تاجران صیدون که از دریا عبور می‌کنند تو را پر ساخته‌اند، آرام گیرید.^۳ و دخل او از محصول شیخور و حصاد نیل بر آبهای بسیار می‌بود، پس او تجارت گاه امت‌ها شده است.^۴ ای صیدون خجل شو زیرا که دریا یعنی قلعه دریا متکلم شده، می‌گوید درد زه نکشیده‌ام و نزیایده‌ام و جوانان را نپرورده‌ام و دوشیزگان را تربیت نکرده‌ام.^۵ چون این خبر به مصر برسد، از اخبار صور بسیار دردناک خواهند شد.

ای ساکنان ساحل دریا به ترشیش بگذرید و ولوله نمایید.^۶ آیا این شهر مفتخر شما است که قدیمی و از ایام سلف بوده است و پایه‌ایش او را به جای دور برده، تا در آنجا مأوا گزیند؟^۸ کیست که این قصد را درباره صور آن شهر تاج‌بخش که تجار وی سروران و بازرگانان او شرفای جهان بوده‌اند نموده است؟^۹ یهوه صباوت این قصد را نموده است تا تکبر تمامی جلال را خوار سازد و جمیع شرفای جهان را محقر نماید.

ای دختر ترشیش از زمین خود مثل نیل بگذر زیرا که دیگر هیچ بند برای تو نیست.^{۱۰} او دست خود را بر دریا دراز کرده، مملکتها را متحرک ساخته است. *خد/وند* درباره کنعان امر فرموده است تا قلعه‌هایش را خراب نمایند.^{۱۲} و گفته است: ای دوشیزه ستم رسیده و ای دختر صیدون دیگر مفتخر نخواهی شد. برخاسته، به کتیم بگذر؛ اما در آنجا نیز راحت برای تو نخواهد بود.^{۱۳} اینک زمین کلدانیان که قومی نبودند و آشور آن را به جهت صحرائشینان بنیاد نهاد. ایشان منجنیقهای خود را افراشته، قصرهای آن را منهدم و آن را به خرابی مبدل خواهند ساخت.^{۱۴} ای کشتیهای ترشیش ولوله نمایید زیرا که قلعه شما خراب شده است.

و در آن روز واقع خواهد شد که صور، هفتاد سال مثل ایام یک پادشاه، فراموش خواهد شد؛ و بعد از انقضای هفتاد سال برای صور مثل سرود زانیه خواهد بود.^{۱۶} ای زانیه فراموش شده بربط را گرفته، در شهر گردش نما. خوش بنواز و سرودهای بسیار بخوان تا به یاد آورده شوی.^{۱۷} و بعد از انقضای هفتاد سال واقع می‌شود که *خد/وند* از صور تفقد خواهد نمود و به اجرت خویش برگشته با جمیع ممالک جهان که بر روی زمین است زنا خواهد نمود.^{۱۸} و تجارت و

اجرت آن برای خداوند وقف شده ذخیره و اندوخته نخواهد شد بلکه تجارتش برای مقربان درگاه خداوند خواهد بود تا به سیری بخورند و لباس فاخر بپوشند.

۲۴

اینک خداوند زمین را خالی و ویران می‌کند، و آن را واژگون ساخته، ساکنانش را پراکنده می‌سازد.^۲ و مثل قوم، مثل کاهن و مثل بنده، مثل آقايش و مثل کنیز، مثل خاتونش و مثل مشتری، مثل فروشنده و مثل قرض دهنده، مثل قرض گیرنده و مثل سودخوار، مثل سود دهنده خواهد بود.^۳ و زمین بالکل خالی و بالکل غارت خواهد شد زیرا خداوند این سخن را گفته است.^۴ زمین ماتم می‌کند و پژمرده می‌شود. ربع مسکون کاهیده و پژمرده می‌گردد، شریفان اهل زمین کاهیده می‌شوند.^۵ زمین زیر ساکنانش ملوث می‌شود زیرا که از شرایع تجاوز نموده و فرایض را تبدیل کرده و عهد جاودانی را شکسته‌اند.^۶ بنابراین لعنت، جهان را فانی کرده است و ساکنانش سزا یافته‌اند. لهذا ساکنان زمین سوخته شده‌اند و مردمان، بسیار کم باقی مانده‌اند.^۷ شیره انگور ماتم می‌گیرد و مو کاهیده می‌گردد و تمامی شاددلان آه می‌کشند.^۸ شادمانی دفاها تلف شده، آواز عشرت‌کنندگان باطل و شادمانی بربطها ساکت خواهد شد.^۹ شراب را با سرودها نخواهند آشامید و مسکرات برای نوشندگان تلخ خواهد شد.^{۱۰} قریه خرابه منهدم می‌شود و هر خانه بسته می‌گردد که کسی داخل آن نتواند شد.^{۱۱} غوغایی برای شراب در کوچه‌ها است. هرگونه شادمانی تاریک گردیده و سرور زمین رفع شده است.^{۱۲} ویرانی در شهر باقی است و دروازه‌هایش به هلاکت خرد شده است.^{۱۳} زیرا که در وسط زمین در میان قوم‌هایش چنین خواهد شد مثل تکانیدن زیتون و مانند خوشه‌هایی که بعد از چیدن انگور باقی می‌ماند.^{۱۴} اینان آواز خود را بلند کرده، ترنم خواهند نمود و درباره کبریایی خداوند از دریا صدا خواهند زد.^{۱۵} از این جهت خداوند را در بلاد مشرق و نام یهوه خدای اسرائیل را در جزیره‌های دریا تمجید نمایند.^{۱۶} از کرانهای زمین سرودها را شنیدیم که عادلان را جلال باد. اما گفتیم: وا حسرتا، وا حسرتا، وای بر من! خیانت‌کاران خیانت ورزیده، خیانت‌کاران به شدت خیانت ورزیده‌اند.^{۱۷} ای ساکن زمین ترس و حفره و دام بر تو است.^{۱۸} و واقع خواهد شد که هر که از آواز ترس بگریزد به حفره خواهد افتاد و هر که از میان حفره برآید گرفتار دام خواهد شد زیرا که

روزنه‌های علیین باز شده و اساسهای زمین متزلزل می‌باشد.^{۱۹} زمین بالکل منکسر شده. زمین تماما از هم پاشیده و زمین به شدت متحرک گشته است.^{۲۰} زمین مثل مستان افتان و خیزان است و مثل سایه‌بان به چپ و راست متحرک و گناهِش بر آن سنگین است. پس افتاده است که بار دیگر نخواهد برخاست.

^{۲۱} و در آن روز واقع خواهد شد که *خداوند* گروه شریفان را بر مکان بلند ایشان و پادشاهان زمین را بر زمین سزا خواهد داد.^{۲۲} و ایشان مثل اسیران در چاه جمع خواهند شد و در زندان بسته خواهند گردید و بعد از روزهای بسیار، ایشان طلبیده خواهند شد.^{۲۳} و ماه خجل و آفتاب رسوا خواهد گشت زیرا که یهوه صباوت در کوه صهیون و در اورشلیم و به حضور مشایخ خویش، با جلال سلطنت خواهد نمود.

۲۵

ای یهوه، تو خدای من هستی؛ پس تو را تسبیح می‌خوانم و نام تو را حمد می‌گویم، زیرا کارهای عجیب کرده‌ای و تقدیرهای قدیم تو امانت و راستی است.^۲ چونکه شهری را توده و قریه حصین را خرابه گردانیده‌ای و قصر غریبان را که شهر نباشد و هرگز بنا نگردد.^۳ بنابراین قوم عظیم، تو را تمجید می‌نمایند و قریه امت‌های ستم پیشه از تو خواهند ترسید.^۴ چونکه برای فقیران قلعه و به جهت مسکینان در حین تنگی ایشان قلعه بودی و ملجا از طوفان و سایه از گرمی، هنگامی که نفخه ستمکاران مثل طوفان بر دیوار می‌بود.^۵ و غوغای غریبان را مثل گرمی در جای خشک فرود خواهی آورد و سرود ستمکاران مثل گرمی از سایه ابر پست خواهد شد.

و یهوه صباوت در این کوه برای همه قوم‌ها ضیافتی از لذایذ برپا خواهد نمود، یعنی ضیافتی از شرابهای کهنه از لذایذ پر مغز و از شرابهای کهنه مصفا.^۷ و در این کوه روپوشی را که بر تمامی قوم‌ها گسترده است و ستیری را که جمیع امت‌ها را می‌پوشاند تلف خواهد کرد.^۸ و موت را تا ابدالآباد نابود خواهد ساخت و خداوند یهوه اشکها را از هر چهره پاک خواهد نمود و عار قوم خویش را از روی تمامی زمین رفع خواهد کرد، زیرا *خداوند* گفته است.

^۹ و در آن روز خواهند گفت: «اینک این خدای ما است که منتظر او بوده‌ایم و ما را نجات خواهد داد. این خد/وند است که منتظر او بوده‌ایم پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد.»
^{۱۰} زیرا که دست خد/وند بر این کوه قرار خواهد گرفت و موآب در مکان خود پایمال خواهد شد چنانکه گاه در آب مزبله پایمال می‌شود.^{۱۱} و او دستهای خود را در میان آن خواهد گشاد مثل شناوری که به جهت شنا کردن دستهای خود را می‌گشاید و غرور او را با حیل‌های دستهایش پست خواهد گردانید.^{۱۲} و قلعه بلند حصارهایت را خم کرده، بزیر خواهد افکند و بر زمین با غبار یکسان خواهد ساخت.

۲۶

در آن روز، این سرود در زمین یهودا سراییده خواهد شد؛ ما را شهری قوی است که دیوارها و حصار آن نجات است.^۲ دروازه‌ها را بگشاید تا امت عادل که امانت را نگاه می‌دارند داخل شوند.^۳ دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد.
^۴ بر خد/وند تا به ابد توکل نمایی، چونکه در یاه یهوه صخره جاودانی است.^۵ زیرا آنانی را که بر بلندیها ساکنند، فرود می‌آورد؛ و شهر رفیع را به زیر می‌اندازد. آن را به زمین انداخته، با خاک یکسان می‌سازد.^۶ پایها آن را پایمال خواهد کرد، یعنی پایهای فقیران و قدمهای مسکینان.
^۷ طریق عادلان استقامت است. ای تو که مستقیم هستی، طریق عادلان را هموار خواهی ساخت.^۸ پس ای خد/وند در طریق داوریهی تو انتظار تو را کشیده‌ایم. و جان ما به اسم تو و ذکر تو مشتاق است.^۹ شبانگاه به جان خود مشتاق تو هستم، و بامدادان به روح خود در اندرونم تو را می‌طلبم، زیرا هنگامی که داوریهی تو بر زمین آید، سکنه ربع مسکون عدالت را خواهند آموخت.
^{۱۰} هرچند بر شریر ترحم شود عدالت را نخواهد آموخت. در زمین راستان شرارت می‌ورزد و جلال خد/وند را مشاهده نمی‌نماید.^{۱۱} ای خد/وند دست تو برافراشته شده است اما نمی‌بینند. لیکن چون غیرت تو را برای قوم ملاحظه کنند، خجل خواهند شد. و آتش نیز دشمنانت را فرو خواهد برد.

^{۱۲} ای خد/وند سلامتی را برای ما تعیین خواهی نمود. زیرا که تمام کارهای ما را نیز برای ما به عمل آورده‌ای.^{۱۳} ای یهوه خدای ما آقایان غیر از تو بر ما استیلا داشتند. اما به تو فقط اسم

تو را ذکر خواهیم کرد.^۴ ایشان مردند و زنده نخواهند شد. خیالها گردیدند و نخواهند برخاست. بنابراین ایشان را سزا داده، هلاک ساختی و تمام ذکر ایشان را محو نمودی.^۵ قوم را افزودی ای خد/وند، قوم را مزید ساخته، خویشتن را جلال دادی. و تمامی حدود زمین را وسیع گردانیدی.^۶ ای خد/وند ایشان در حین تنگی، تو را خواهند طلبید. و چون ایشان را تأدیب نمایی دعا‌های خفیه خواهند ریخت.^۷ مثل زن حامله‌ای که نزدیک زاییدن باشد و درد او را گرفته، از آلام خود فریاد بکند، همچنین ما نیز ای خد/وند در حضور تو هستیم.^۸ حامله شده، درد زه ما را گرفت و باد را زاییدیم. و در زمین هیچ نجات به ظهور نیاوردیم و ساکنان ربع مسکون نیفتادند.^۹ مردگان تو زنده خواهند شد و جسدهای من خواهند برخاست. ای شما که در خاک ساکنید بیدار شده، ترنم نمایید! زیرا که شب‌نم تو شب‌نم نباتات است. و زمین مردگان خود را بیرون خواهد افکند.^{۱۰} ای قوم من بیایید به حجره‌های خویش داخل شوید و درهای خود را در عقب خویش ببندید. خویشتن را اندک لحظه‌ای پنهان کنید تا غضب بگذرد.^{۱۱} زیرا اینک خد/وند از مکان خود بیرون می‌آید تا سزای گناهان ساکنان زمین را به ایشان برساند. پس زمین خونهای خود را مکشوف خواهد ساخت و کشتگان خویش را دیگر پنهان نخواهد نمود.

۲۷

در آن روز خد/وند به شمشیر سخت عظیم محکم خود آن مار تیز رو لویاتان را و آن مار پیچیده لویاتان را سزا خواهد داد و آن اژدها را که در دریا است خواهد کشت.^۲ در آن روز برای آن تاکستان شراب بسرایید.^۳ من که یهوه هستم آن را نگاه می‌دارم و هر دقیقه آن را آبیاری می‌نمایم. شب و روز آن را نگاهبانی می‌نمایم که مبادا احدی به آن ضرر برساند.^۴ خشم ندارم. کاش که خس و خار با من به جنگ می‌آمدند تا بر آنها هجوم آورده، آنها را با هم می‌سوزانیدم.^۵ یا به قوت من متمسک می‌شد تا با من صلح بکند و با من صلح می‌نمود.^۶ در ایام آینده، یعقوب ریشه خواهد زد و اسرائیل غنچه و شکوفه خواهد آورد. و ایشان روی ربع مسکون را از میوه پر خواهند ساخت.

آیا او را زد بطوری که دیگران او را زدند؟ یا کشته شد بطوری که مقتولان وی کشته شدند؟ چون او را دور ساختی به اندازه با وی معارضه نمودی. با باد سخت خویش او را در روز باد

شرقی زایل ساختی.^۹ بنابراین گناه یعقوب از این کفاره شده و رفع گناه او تمامی نتیجه آن است. چون تمامی سنگهای مذبح را مثل سنگهای آهک نرم شده می‌گرداند، آنگاه اشیریم و بتهای آفتاب دیگر برپا نخواهد شد.^{۱۰} زیرا که آن شهر حصین منفرد خواهد شد و آن مسکن، مهجور و مثل بیابان واگذاشته خواهد شد. در آنجا گوساله‌ها خواهند چرید و در آن خوابیده، شاخه‌هایش را تلف خواهند کرد.^{۱۱} چون شاخه‌هایش خشک شود شکسته خواهد شد. پس زنان آمده، آنها را خواهند سوزانید، زیرا که ایشان قوم بیفهم هستند. لهذا آفریننده ایشان بر ایشان ترحم نخواهد نمود و خالق ایشان بر ایشان شفقت نخواهد کرد.

^{۱۲} و در آن روز واقع خواهد شد که خد/وند از مسیل نهر (فرات) تا وادی مصر غله را خواهد کوبید. و شما ای بنی‌اسرائیل یکی یکی جمع کرده خواهید شد.^{۱۳} و در آن روز واقع خواهد شد که کرنای بزرگ نواخته خواهد شد و گم‌شدگان زمین آشور و رانده شدگان زمین مصر خواهند آمد. و خد/وند را در کوه مقدس یعنی در اورشلیم عبادت خواهند نمود.

۲۸

وای بر تاج تکبر میگساران افرایم و برگل پژمرده زیبایی جلال وی، که بر سر وادی بارور مغلوبان شراب است. آینهک خداوند کسی زورآور و توانا دارد که مثل تگرگ شدید و طوفان مهلک و مانند سیل آبهای زورآور سرشار، آن را به زور بر زمین خواهد انداخت.^۱ و تاج تکبر میگساران افرایم زیر پایها پامال خواهد شد.^۲ و گل پژمرده زیبایی جلال وی که بر سر وادی بارور است، مثل نوبر انجیرها قبل از تابستان خواهد بود که چون بیننده آن را بیند وقتی که هنوز در دستش باشد، آن را فرو می‌برد.

^۳ و در آن روز یهوه صباوت به جهت بقیه قوم خویش تاج جلال و افسر جمال خواهد بود. و روح انصاف برای آنانی که به داوری می‌نشینند و قوت برای آنانی که جنگ را به دروازه‌ها برمی‌گردانند (خواهد بود).

^۴ و لکن اینان نیز از شراب گمراه شده‌اند و از مسکرات سرگشته گردیده‌اند. هم کاهن و هم نبی از مسکرات گمراه شده‌اند و از شراب بلعیده گردیده‌اند. از مسکرات سرگشته شده‌اند و در

رؤیا گمراه گردیده‌اند و در داوری مبهوت گشته‌اند.^۸ زیرا که همه سفره‌ها از قی و نجاست پر گردیده و جایی نمانده است.

کدام را معرفت خواهد آموخت و اخبار را به که خواهد فهمانید؟ آیا نه آنانی را که از شیر باز داشته و از پستانها گرفته شده‌اند؟^۹ زیرا که حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون اینجا اندکی و آنجا اندکی خواهد بود.

^{۱۱} زیرا که با لبهای الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهد نمود.^{۱۲} که به ایشان گفت: «راحت همین است. پس خسته شدگان را مستریح سازید و آرامی همین است.» اما نخواستند که بشنوند.^{۱۳} و کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون، اینجا اندکی و آنجا اندکی خواهد بود تا بروند و به پشت افتاده، منکسر گردند و به دام افتاده، گرفتار شوند.^{۱۴} بنابراین، ای مردان استهزا کننده و ای حاکمان این قوم که در اورشلیم‌اند کلام خداوند را بشنوید.^{۱۵} از آنجا که گفته‌اید با موت عهد بسته‌ایم و با هاویه همداستان شده‌ایم، پس چون تازیانه مهلک بگذرد به ما نخواهد رسید زیرا که دروغها را ملجای خود نمودیم و خویشتن را زیر مکر مستور ساختیم.

^{۱۶} بنابراین خداوند یهوه چنین می‌گوید: «اینک در صهیون سنگ بنیادی نهادم یعنی سنگ آزموده و سنگ زاویه‌ای گرانبها و اساس محکم پس هر که ایمان آورد تعجیل نخواهد نمود.^{۱۷} و انصاف را ریسمان می‌گردانم و عدالت را ترازو و تگرگ ملجای دروغ را خواهد رفت و آبها ستر را خواهد برد.^{۱۸} و عهد شما با موت باطل خواهد شد و میثاق شما با هاویه ثابت نخواهد ماند و چون تازیانه شدید بگذرد شما از آن پایمال خواهید شد.^{۱۹} هر وقت که بگذرد شما را گرفتار خواهد ساخت زیرا که هر بامداد هم در روز و هم در شب خواهد گذشت و فهمیدن اخبار باعث هیبت محض خواهد شد.»^{۲۰} زیرا که بستر کوتاه‌تر است از آنکه کسی بر آن دراز شود و لحاف تنگ‌تر است از آنکه کسی خویشتن را بپوشاند.^{۲۱} زیرا خداوند چنانکه در کوه فراصیم (کرد) خواهد برخاست و چنانکه در وادی جبعون (نمود) خشمناک خواهد شد، تا کار خود یعنی کار عجیب خود را بجا آورد و عمل خویش یعنی عمل غریب خویش را به انجام رساند.^{۲۲} پس الآن استهزا نمایید مبادا بندهای شما محکم گردد، زیرا هلاکت و تقدیری را که از جانب خداوند یهوه صبایوت بر تمامی زمین می‌آید شنیده‌ام.

^{۲۳} گوش گیرید و آواز مرا بشنوید و متوجه شده، کلام مرا استماع نمایید. ^{۲۴} آیا برزگر، همه روز به جهت تخم پاشیدن شیار می‌کند و آیا همه وقت زمین خود را می‌شکافد و هموار می‌نماید؟ ^{۲۵} آیا بعد از آنکه رویش را هموار کرد، گشنیز را نمی‌پاشد و زیره را نمی‌افشانند و گندم را در شیارها و جو را در جای معین و ذرت را در حدودش نمی‌گذارد؟ ^{۲۶} زیرا که خدایش او را به راستی می‌آموزد و او را تعلیم می‌دهد. ^{۲۷} چونکه گشنیز با گردون تیز کوبیده نمی‌شود و چرخ ارابه بر زیره گردانیده نمی‌گردد، بلکه گشنیز به عصا و زیره به چوب تکانیده می‌شود. ^{۲۸} گندم آرد می‌شود زیرا که آن را همیشه خرمن‌کوبی نمی‌کند و هرچند چرخ ارابه و اسبان خود را بر آن بگرداند، آن را خرد نمی‌کند. ^{۲۹} این نیز از جانب یهوه صبايوت که عجیب‌الرای و عظیم‌الحکمت است، صادر می‌گردد.

۲۹

وای بر اریئیل! وای بر اریئیل! شهری که داود در آن خیمه زد. سال بر سال مزید کنید و عیدها دور زنند. ^۲ و من اریئیل را به تنگی خواهم انداخت و ماتم و نوحه‌گری خواهد بود و آن برای من مثل اریئیل خواهد بود. ^۳ و بر تو به هر طرف اردو زده، تو را به باره‌ها محاصره خواهم نمود و منجنیقها بر تو خواهم افراشت. ^۴ و به زیر افکنده شده، از زمین تکلم خواهی نمود و کلام تو از میان غبار پست خواهد گردید و آواز تو از زمین مثل آواز جن خواهد بود و زبان تو از میان غبار زمزم خواهد کرد. ^۵ اما گروه دشمنانت مثل گرد نرم خواهند شد و گروه ستم‌کیشان مانند کاه که می‌گذرد. و این بغته در لحظه‌ای واقع خواهد شد. ^۶ و از جانب یهوه صبايوت با رعد و زلزله و صوت عظیم و گردباد و طوفان و شعله آتش سوزنده از تو پرسش خواهد شد. ^۷ و جمعیت تمام امت‌هایی که با اریئیل جنگ می‌کنند، یعنی تمامی آنانی که بر او و بر قلعه وی مقاتله می‌نمایند و او را بتنگ می‌آورند مثل خواب و رؤیای شب خواهند شد. ^۸ و مثل شخص گرسنه که خواب می‌بیند که می‌خورد و چون بیدار شود شکم او تهی است. یا شخص تشنه که خواب می‌بیند که آب می‌نوشد و چون بیدار شود اینک ضعف دارد و جانش مشتهد می‌باشد. همچنین تمامی جماعت امت‌هایی که با کوه صهیون جنگ می‌کنند، خواهند شد.

^۹ درنگ کنید و متحیر باشید و تمتع برید و کور باشید. ایشان مست می‌شوند، لیکن نه از شراب و نوان می‌گردند، اما نه از مسکرات. ^{۱۰} زیرا خداوند بر شما روح خواب سنگین را عارض گردانیده، چشمان شما را بسته است. و انبیا و رؤسای شما یعنی راثیان را محجوب کرده است. ^{۱۱} و تمامی رؤیا برای شما مثل کلام تومار مختوم گردیده است که آن را به کسی که خواندن می‌داند داده، می‌گویند: این را بخوان و او می‌گوید: نمی‌توانم چونکه مختوم است. ^{۱۲} و آن طومار را به کسی که خواندن نداند داده، می‌گویند این را بخوان و او می‌گوید خواندن نمی‌دانم.

^{۱۳} و خداوند می‌گوید: «چونکه این قوم از دهان خود به من تقرب می‌جویند و به لبهای خویش مرا تمجید می‌نمایند، اما دل خود را از من دور کرده‌اند و ترس ایشان از من وصیتی است که از انسان آموخته‌اند؛ ^{۱۴} بنابراین اینک من بار دیگر با این قوم عمل عجیب و غریب بجا خواهم آورد و حکمت حکیمان ایشان باطل و فهم فهیمان ایشان مستور خواهد شد.»

^{۱۵} وای بر آنانی که مشورت خود را از خداوند بسیار عمیق پنهان می‌کنند و اعمال ایشان در تاریکی می‌باشد و می‌گویند: «کیست که ما را ببیند و کیست که ما را بشناسد؟» ^{۱۶} ای زیر و زبر کنندگان هرچیز! آیا کوزه‌گر مثل گل محسوب شود یا مصنوع درباره صانع خود گوید مرا نساخته است و یا تصویر درباره مصورش گوید که فهم ندارد؟ ^{۱۷} آیا در اندک زمانی واقع نخواهد شد که لبنان به بوستان مبدل گردد و بوستان به جنگل محسوب شود؟ ^{۱۸} و در آن روز کران کلام کتاب را خواهند شنید و چشمان کوران از میان ظلمت و تاریکی خواهد دید. ^{۱۹} و حلیمان شادمانی خود را در خداوند مزید خواهند کرد و مسکینان مردمان در قدوس اسرائیل وجد خواهند نمود. ^{۲۰} زیرا که ستمگران نابود و استهزاکنندگان معدوم خواهند شد و پیروان شرارت منقطع خواهند گردید. ^{۲۱} که انسان را به سخنی مجرم می‌سازند و برای کسی که در محکمه حکم می‌کند دام می‌گسترانند و عادل را به بطالت منحرف می‌سازند. ^{۲۲} بنابراین خداوند که ابراهیم را فدیه داده است درباره خاندان یعقوب چنین می‌گوید که از این به بعد یعقوب خجل نخواهد شد و رنگ چهره‌اش دیگر نخواهد پرید. ^{۲۳} بلکه چون فرزندان خود را که عمل دست من می‌باشند، در میان خویش ببیند، آنگاه ایشان اسم مرا تقدیس خواهند نمود و قدوس یعقوب را تقدیس خواهند کرد و از خدای اسرائیل خواهند ترسید. ^{۲۴} و آنانی که روح گمراهی دارند فهیم خواهند شد و متمردان تعلیم را خواهند آموخت.

خد/وند می گوید که وای بر پسران فتنه‌انگیز که مشورت می‌کنند لیکن نه از من، و عهد می‌بندند لیکن نه از روح من، تا گناه را بر گناه مزید نمایند.^۲ که برای فرود شدن به مصر عزیمت می‌کنند اما از دهان من سؤال نمی‌نمایند و به قوت فرعون پناه می‌گیرند و به سایه مصر اعتماد دارند.^۳ لَهذا قوت فرعون خجالت و اعتماد به سایه مصر رسوایی شما خواهد بود. زیرا که سروران او در صوعن هستند و ایلچیان وی به حانیس رسیده‌اند.^۵ همگی ایشان از قومی که برای ایشان فایده ندارند، خجل خواهند شد که نه معاونت و نه منفعتی بلکه خجالت و رسوایی نیز برای ایشان خواهند بود.

وُحی درباره بهیموت جنوبی: از میان زمین تنگ و ضیق که از آنجا شیر ماده و اسد وافی و مار آتشین پرنده می‌آید، توانگری خویش را بر پشت الاغان و گنجهای خود را بر کوهان شتران نزد قومی که منفعت ندارند می‌برند.^۷ چونکه اعانت مصریان عبث و بی‌فایده است از این جهت ایشان را رهبالجوس نامیدم.^۸ الآن بیا و این را در نزد ایشان بر لوحی بنویس و بر طوماری مرقوم ساز تا برای ایام آینده تا ابدالآباد بماند.^۹ زیرا که این قوم فتنه‌انگیز و پسران دروغگو می‌باشند. پسرانی که نمی‌خواهند شریعت خد/وند را استماع نمایند.^{۱۰} که به راثیان می‌گویند: رؤیت مکنید و به انبیا که برای ما به راستی نبوت ننمایید بلکه سخنان شیرین به ما گویند و به مکاید نبوت کنید.^{۱۱} از راه منحرف شوید و از طریق تجاوز نمایید و قدوس اسرائیل را از نظر ما دور سازید.

^{۱۲} بنابراین قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: «چونکه شما این کلام را ترک کردید و بر ظلم و فساد اعتماد کرده، بر آن تکیه نمودید،^{۱۳} از این جهت این گناه برای شما مثل شکاف نزدیک به افتادن که در دیوار بلند پیش آمده باشد و خرابی آن در لحظه‌ای بگتهدید آید خواهد بود.^{۱۴} و شکستگی آن مثل شکستگی کوزه کوزه‌گر خواهد بود که بی‌محابا خرد می‌شود، بطوری که از پاره‌هایش پاره‌ای به جهت گرفتن آتش از آتشدان یا برداشتن آب از حوض یافت نخواهد شد.»^{۱۵} زیرا خداوند یهوه قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: «به انابت و آرامی نجات می‌یافتید و قوت شما از راحت و اعتماد می‌بود؛ اما نخواستید.^{۱۶} و گفتید: نی بلکه بر اسبان فرار می‌کنیم، لَهذا فرار خواهید کرد و بر اسبان تیز رو سوار می‌شویم؛ لَهذا تعاقب کنندگان شما تیز رو خواهند شد.^{۱۷} هزار نفر از نهیب یک نفر فرار خواهند کرد و شما از نهیب پنج نفر خواهید گریخت تا مثل

بیدق بر قله کوه و علم بر تلی باقی مانید.»^{۱۸} و از این سبب *خداوند* انتظار می‌کشد تا بر شما رأفت نماید و از این سبب برمی‌خیزد تا بر شما ترحم فرماید چونکه یهوه خدای انصاف است. خوشبحال همگانی که منتظر وی باشند.

^{۱۹} زیرا که قوم در صهیون در اورشلیم ساکن خواهند بود و هرگز گریه نخواهی کرد و به آواز فریادت بر تو ترحم خواهد کرد، و چون بشنود تو را اجابت خواهد نمود.^{۲۰} و هرچند *خداوند* شما را نان ضیق و آب مصیبت بدهد، اما معلمانت بار دیگر مخفی نخواهند شد بلکه چشمانت معلمان تو را خواهد دید.^{۲۱} و گوشهایت سخنی را از عقب تو خواهد شنید که می‌گوید: راه این است، در آن سلوک بنما هنگامی که به طرف راست یا چپ می‌گردی.^{۲۲} و پوشش بت‌های ریخته نقره خویش را و ستر اصنام تراشیده طلای خود را نجس خواهید ساخت و آنها را مثل چیز نجس دور انداخته، به آن خواهی گفت: دور شو.

^{۲۳} و باران تخمت را که زمین خویش را به آن زرع می‌کنی و نان محصول زمینت را خواهد داد و آن پر مغز و فراوان خواهد شد و در آن زمان مواشی تو در مرتع وسیع خواهند چرید.^{۲۴} و گاوان و الاغانت که زمین را شیار می‌نمایند، آذوقه نمک‌دار را که با غربال و اوچوم پاک شده است خواهند خورد.^{۲۵} و در روز کشتار عظیم که برجها در آن خواهد افتاد، نهرها و جویهای آب بر هر کوه بلند و به هر تل مرتفع جاری خواهد شد.^{۲۶} و در روزی که *خداوند* شکستگی قوم خود را ببندد و ضرب جراحت ایشان را شفا دهد، روشنایی ماه مثل روشنایی آفتاب و روشنایی آفتاب هفت چندان مثل روشنایی هفت روز خواهد بود.

^{۲۷} اینک اسم *خداوند* از جای دور می‌آید، در غضب خود سوزنده و در ستون غلیظ و لبه‌ایش پر از خشم و زبانش مثل آتش سوزان است.^{۲۸} و نفخه او مثل نهر سرشار تا به گردن می‌رسد تا آنکه امت‌ها را به غربال مصیبت ببیزد و دهنه ضلالت را بر چانه قوم‌ها بگذارد.^{۲۹} و شما را سرودی خواهد بود مثل شب تقدیس نمودن عید و شادمانی دل مثل آنانی که روانه می‌شوند تا به آواز نی به کوه *خداوند* نزد صخره اسرائیل بیایند.^{۳۰} و *خداوند* جلال آواز خود را خواهد شنواید و فرود آوردن بازوی خود را با شدت غضب و شعله آتش سوزنده و طوفان و سیل و سنگهای تگرگ ظاهر خواهد ساخت.^{۳۱} زیرا که آشور به آواز *خداوند* شکسته خواهد شد و او را با عصا خواهد زد.^{۳۲} و هر ضرب عصای قضا که *خداوند* به وی خواهد آورد با دف و بربط خواهد بود و با جنگهای پر شورش با آن مقاتله خواهد نمود.^{۳۳} زیرا که توفت از قبل مهیا شده و

برای پادشاه آماده گردیده است. آن را عمیق و وسیع ساخته است که توده‌اش آتش و هیزم بسیار است و نفخه خد/وند مثل نهر کبریت آن را مشتعل خواهد ساخت.

۳۱

وای بر آنانی که به جهت اعانت به مصر فرود آیند و بر اسبان تکیه نمایند و بر ارابه‌ها، زانرو که کثیرند و بر سواران زانرو که بسیار قوی‌اند، توکل کنند؛ اما بسوی قدوس اسرائیل نظر نکنند و خد/وند را طلب نمایند. ^۲ او نیز حکیم است و بلا را می‌آورد و کلام خود را برنخواهد گردانید و به ضد خاندان شریران و اعانت بدکاران خواهد برخاست. ^۳ اما مصریان انسانند و نه خدا و اسبان ایشان جسدند و نه روح و خد/وند دست خود را دراز می‌کند و اعانت کننده را لغزان و اعانت کرده شده را افتان گردانیده، هر دو ایشان هلاک خواهند شد.

^۴ زیرا خد/وند به من چنین گفته است: چنانکه شیر و شیر ژیان بر شکار خود غرش می‌نماید، هنگامی که گروه شبانان بروی جمع شوند و از صدای ایشان نترسیده از غوغای ایشان سر فرو نمی‌آورد، همچنان یهوه صبايوت نزول می‌فرماید تا برای کوه صهیون و تل آن مقاتله نماید. ^۵ مثل مرغان که در طیران باشند، همچنان یهوه صبايوت اورشلیم را حمایت خواهد نمود و حمایت کرده، آن را رستگار خواهد ساخت و از آن در گذشته، خلاصی خواهد داد.

^۶ ای بنی‌اسرائیل، بسوی آن کس که بر وی بینهایت عصیان ورزیده‌اید بازگشت نمایید. زیرا که در آن روز هر کدام از ایشان بتهای نقره و بتهای طلای خود را که دستهای شما آنها را به جهت گناه خویش ساخته است، ترک خواهند نمود. ^۸ آنگاه آشور به شمشیری که از انسان نباشد خواهد افتاد و تیغی که از انسان نباشد او را هلاک خواهد ساخت و او از شمشیر خواهد گریخت و جوانانش خراج گذار خواهند شد. ^۹ و صخره او از ترس زایل خواهد شد و سرورانش از علم مبهوت خواهند گردید. یهوه که آتش او در صهیون و کوره وی در اورشلیم است این را می‌گوید.

اینک پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد نمود و سروران به انصاف حکمرانی خواهند کرد.^۲ و مردی مثل پناه‌گاهی از باد و پوششی از طوفان خواهد بود. و مانند جویهای آب در جای خشک و سایه صخره عظیم در زمین تعب آورنده خواهد بود.^۳ و چشمان بینندگان تار نخواهد شد و گوشهای شنوندگان اصغا خواهد کرد.^۴ و دل شتابندگان معرفت را خواهد فهمید و زبان الکنان کلام فصیح را به ارتجال خواهد گفت.^۵ و مرد لئیم بار دیگر کریم خوانده نخواهد شد و مرد خسیس نجیب گفته نخواهد گردید.^۶ زیرا مرد لئیم به لامت متکلم خواهد شد و دلش شرارت را بعمل خواهد آورد تا نفاق را بجا آورده، به ضد خداوند به ضلالت سخن گوید و جان گرسنگان را تهی کند و آب تشنگان را دور نماید.^۷ آلات مرد لئیم نیز زشت است و تدابیر قبیح می‌نماید تا مسکینان را به سخنان دروغ هلاک نماید، هنگامی که مسکینان به انصاف سخن می‌گویند.^۸ اما مرد کریم تدبیرهای کریمانه می‌نماید و به کرم پایدار خواهد شد.

ای زنان مطمئن برخاسته، آواز مرا بشنوید و ای دختران ایمن سخن مرا گوش گیرید.^۹ ای دختران ایمن بعد از یک سال و چند روزی مضطرب خواهید شد زانرو که چیدن انگور قطع می‌شود و جمع کردن میوه‌ها نخواهد بود.^{۱۱} ای زنان مطمئن بلرزید و ای دختران ایمن مضطرب شوید. لباس را کنده، برهنه شوید و پلاس بر میان خود ببندید.^{۱۲} برای مزرعه‌های دلپسند و موهای بارور سینه خواهند زد.^{۱۳} بر زمین قوم من خار و خس خواهد رویید بلکه بر همه خانه‌های شادمانی در شهر مفتخر.^{۱۴} زیرا که قصر منهدم و شهر معمور متروک خواهد شد و عوفل و دیده‌بانگاه به بیشه‌ای سباع و محل تفرج خران وحشی و مرتع گله‌ها تا به ابد مبدل خواهد شد.

^{۱۵} تا زمانی که روح از اعلی‌علیین بر ما ریخته شود و بیابان به بوستان مبدل گردد و بوستان به جنگل محسوب شود.^{۱۶} آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید.^{۱۷} و عمل عدالت سلامتی و نتیجه عدالت آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابدالآباد.^{۱۸} و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد.^{۱۹} و حین فرود آمدن جنگل تگرگ خواهد بارید و شهر به درکه اسفل خواهد افتاد.^{۲۰} خوشبحال شما که بر همه آبها تخم می‌کارید و پایهای گاو و الاغ را رها می‌سازید.

وای بر تو ای غارتگر که غارت نشدی و ای خیانت کاری که با تو خیانت

نورزیدند. هنگامی که غارت را به اتمام رسانیدی، غارت خواهی شد و زمانی که از خیانت نمودن دست برداشتی، به تو خیانت خواهند ورزید.

^۲ ای خد/وند بر ما ترحم فرما زیرا که منتظر تو می‌باشیم و هر بامداد بازوی ایشان باش و در زمان تنگی نیز نجات ما بشو.

^۳ از آواز غوغا، قوم‌ها گریختند و چون خویشان را برافرازی امت‌ها پراکنده خواهند شد. ^۴ و غارت شما را جمع خواهند کرد بطوری که موران جمع می‌نمایند و بر آن خواهند جهید بطوری که ملخها می‌جهند.

^۵ خد/وند متعال می‌باشد زانرو که در اعلی‌علیین ساکن است و صهیون را از انصاف و عدالت مملو خواهد ساخت. ^۶ و فراوانی نجات و حکمت و معرفت استقامت اوقات تو خواهد شد. و ترس خد/وند خزینه او خواهد بود. ^۷ اینک شجاعان ایشان در بیرون فریاد می‌کنند و رسولان سلامتی زار زار گریه می‌نمایند. ^۸ شاهراهها ویران می‌شود و راه‌گذریان تلف می‌گردند. عهد را شکسته است و شهرها را خوار نموده، به مردمان اعتنا نکرده است. ^۹ زمین ماتم‌کنان کاهیده شده است و لبنان خجل گشته، تلف گردیده است و شارون مثل بیابان شده و باشان و کرمل برگهای خود را ریخته‌اند.

^{۱۰} خد/وند می‌گوید که الآن برمی‌خیزم و حال خود را برمی‌افرازم و اکنون متعال خواهم گردید. ^{۱۱} و شما از کاه حامله شده، خس خواهید زایید. و نفس شما آتشی است که شما را خواهد سوزانید. ^{۱۲} و قوم‌ها مثل آهک سوخته و مانند خارهای قطع شده که از آتش مشتعل گردد خواهند شد.

^{۱۳} ای شما که دور هستید، آنچه را که کرده‌ام بشنوید و ای شما که نزدیک می‌باشید، جبروت مرا بدانید. ^{۱۴} گناه‌کارانی که در صهیون‌اند می‌ترسند و لرزه منافقان را فرو گرفته است، (و می‌گویند): کیست از ما که در آتش سوزنده ساکن خواهد شد و کیست از ما که در نارهای جاودانی ساکن خواهد گردید؟ ^{۱۵} اما آنکه به صداقت سالک باشد و به استقامت تکلم نماید و سود ظلم را خوار شمارد و دست خویش را از گرفتن رشوه بیفشاند و گوش خود را از اصغای خون

ریزی ببندد و چشمان خود را از دیدن بدیها بر هم کند؛^۶ او در مکان‌های بلند ساکن خواهد شد و ملجای او ملاذ صخره‌ها خواهد بود. نان او داده خواهد شد و آب او ایمن خواهد بود.

^{۱۷}چشمانت پادشاه را در زیبایش خواهد دید و زمین بی‌پایان را خواهد نگریست.^{۱۸} دل تو متذکر آن خوف خواهد شد (وخواهی گفت): کجا است نویسنده و کجا است وزن کننده (خراج) و کجا است شمارنده برجها؟^{۱۹} قوم ستم پیشه و قوم دشوار لغت را که نمی‌توانی شنید و الکن زبان را که نمی‌توانی فهمید بار دیگر نخواهی دید.^{۲۰} صهیون شهر جشن مقدس ما را ملاحظه نما. و چشمانت اورشلیم مسکن سلامتی را خواهد دید یعنی خیمه‌ای را که منتقل نشود و میخهایش کنده نگردد و هیچکدام از طنابهایش گسیخته نشود.^{۲۱} بلکه در آنجا خد/وند ذوالجلال برای ما مکان جویهای آب و نهرهای وسیع خواهد بود که در آن هیچ کشتی با پاروها داخل نخواهد شد و سفینه بزرگ از آن عبور نخواهد کرد.^{۲۲} زیرا خد/وند داور ما است. خد/وند شریعت دهنده ما است. خد/وند پادشاه ما است پس ما را نجات خواهد داد.^{۲۳} ریسمانهای تو سست بود که پایه دکل خود را نتوانست محکم نگاه دارد و بادبان را نتوانست بگشاید، آنگاه غارت بسیار تقسیم شد و لنگان غنیمت را بردند.^{۲۴} لیکن ساکن آن نخواهد گفت که بیمار هستم و گناه قومی که در آن ساکن باشند آمرزیده خواهد شد.

۳۴

ای امت‌ها نزدیک آید تا بشنوید! و ای قوم‌ها اصغا نمایید! جهان و پری آن بشنوند. ربع مسکون و هرچه از آن صادر باشد.^۲ زیرا که غضب خد/وند بر تمامی امت‌ها و خشم وی بر جمیع لشکرهای ایشان است. پس ایشان را به هلاکت سپرده، بقتل تسلیم نموده است.^۳ و کشتگان ایشان دور افکنده می‌شوند و عفونت لاشهای ایشان برمی‌آید. و از خون ایشان کوهها گداخته می‌گردد.^۴ و تمامی لشکر آسمان از هم خواهند پاشید و آسمان مثل طومار پیچیده خواهد شد. و تمامی لشکر آن پژمرده خواهند گشت، بطوریکه برگ از مو بریزد و مثل میوه نارس از درخت انجیر.^۵ زیرا که شمشیر من در آسمان سیراب شده است. و اینک بر ادوم و بر قوم مغضوب من برای داوری نازل می‌شود.^۶ شمشیر خد/وند پر خون شده و از پیه فربه گردیده است یعنی از خون بره‌ها و بزها و از پیه گرده قوچها. زیرا خد/وند را در بصره قربانی است و ذبح

عظیمی در زمین ادم. ^۷ و گاوان وحشی با آنها خواهند افتاد و گوساله‌ها با گاوان نر، و زمین ایشان از خون سیراب شده، خاک ایشان از پیه فربه خواهد شد.

^۸ زیرا خداوند را روز انتقام و سال عقوبت به جهت دعوی صهیون خواهد بود. ^۹ و نهرهای آن به قیر و غبار آن به کبریت مبدل خواهد شد و زمینش قیر سوزنده خواهد گشت. ^{۱۰} شب و روز خاموش نشده، دودش تا به ابد خواهد برآمد. نسلا بعد نسل خراب خواهد ماند که کسی تا ابدالآباد در آن گذر نکند. ^{۱۱} بلکه مرغ سقا و خاریشت آن را تصرف خواهند کرد و بوم و غراب در آن ساکن خواهند شد و ریسمان خرابی و شاقول ویرانی را بر آن خواهد کشید. ^{۱۲} و از اشراف آن کسی در آنجا نخواهد بود که او را به پادشاهی بخوانند و جمیع رؤسایش نیست خواهند شد. ^{۱۳} و در قصرهایش خارها خواهد رویید و در قلعه‌هایش خشک و شتر خار و مسکن گرگ و خانه شترمرغ خواهد شد. ^{۱۴} و وحوش بیابان با شغال خواهند برخورد و گول به رفیق خود ندا خواهد داد و عفریت نیز در آنجا مأوا گزیده، برای خود آرامگاهی خواهد یافت. ^{۱۵} در آنجا تیرمار آشیانه ساخته، تخم خواهد نهاد و بر آن نشسته، بچه‌های خود را زیر سایه خود جمع خواهد کرد و در آنجا کرکسها با یکدیگر جمع خواهند شد. ^{۱۶} از کتاب خداوند تفتیش نموده، مطالعه کنید. یکی از اینها گم نخواهد شد و یکی جفت خود را مفقود نخواهد یافت زیرا که دهان او این را امر فرموده و روح او اینها را جمع کرده است. ^{۱۷} و او برای آنها قرعه انداخته و دست او آن را به جهت آنها با ریسمان تقسیم نموده است. و تا ابدالآباد متصرف آن خواهند شد و نسلا بعد نسل در آن سکونت خواهند داشت.

۳۵

بیابان و زمین خشک شادمان خواهد شد و صحرا به وجد آمده، مثل گل سرخ خواهد شکفت. ^۱ شکوفه بسیار نموده، با شادمانی و ترنم شادی خواهد کرد. شوکت لبنان و زیبایی کرمل و شارون به آن عطا خواهد شد. جلال یهوه و زیبایی خدای ما را مشاهده خواهند نمود. ^۲ دستهای سست را قوی سازید و زانوهای لرزنده را محکم گردانید. ^۳ به دل‌های خائف بگویند: قوی شوید و مترسید اینک خدای شما با انتقام می‌آید. او با عقوبت الهی می‌آید و شما را نجات خواهد داد.

آنگاه چشمان کوران باز خواهد شد و گوشهای کران مفتوح خواهد گردید. ^۵ آنگاه لنگان مثل غزال جست و خیز خواهند نمود و زبان گنگ خواهد سرایید. زیرا که آبها در بیابان و نهرها در صحرا خواهد جوشید. ^۶ و سراب به برکه و مکانهای خشک به چشمه‌های آب مبدل خواهد گردید. در مسکنی که شغالها می‌خوابند علف و بوریا و نی خواهد بود. ^۷ و در آنجا شاهراهی و طریقی خواهد بود و به طریق مقدس نامیده خواهد شد و نجسان از آن عبور نخواهند کرد بلکه آن به جهت ایشان خواهد بود. و هر که در آن راه سالک شود اگرچه هم جاهل باشد گمراه نخواهد گردید. ^۸ شیری در آن نخواهد بود و حیوان درنده‌ای بر آن برنخواهد آمد و در آنجا یافت نخواهد شد بلکه ناجیان بر آن سالک خواهند گشت. ^۹ و فدیة شدگان خداوند بازگشت نموده، با ترنم به صهیون خواهند آمد و خوشی جاودانی بر سر ایشان خواهد بود. و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد.

۳۶

و در سال چهاردهم حزقیاء پادشاه واقع شد که سنحاریب پادشاه آشور بر تمامی شهرهای حصاردار یهودا برآمده، آنها را تسخیر نمود. ^۱ و پادشاه آشور ربشاقی را از لاکیش به اورشلیم نزد حزقیاء پادشاه با موکب عظیم فرستاد و او نزد قنات برکه فوقانی به راه مزرعه گازر ایستاد. ^۲ و الیاقیم بن حلقیا که ناظر خانه بود و شبناى کاتب و یوآخ بن آساف وقایع‌نگار نزد وی بیرون آمدند. ^۳ و ربشاقی به ایشان گفت: «به حزقیاء بگویند سلطان عظیم پادشاه آشور چنین می‌گوید: این اعتماد شما که بر آن توکل می‌نمایید چیست؟ ^۴ می‌گویم که مشورت و قوت جنگ سخنان باطل است. الآن کیست که بر او توکل نموده‌ای که به من عاصی شده‌ای؟ ^۵ هان بر عصای این نی خرد شده یعنی بر مصر توکل می‌نمایی که اگر کسی بر آن تکیه کند به دستش فرو رفته، آن را مجروح می‌سازد. همچنان است فرعون پادشاه مصر برای همگانی که بر وی توکل نمایند. ^۶ و اگر مرا گویی که بر یهوه خدای خود توکل داریم آیا او آن نیست که حزقیاء مکان‌های بلند و مذبح‌های او را برداشته است و به یهودا و اورشلیم گفته که پیش این مذبح سجده نمایید؟ ^۷ پس حال با آقائیم پادشاه آشور شرط ببند و من دو هزار اسب به تو می‌دهم اگر از جانب خود سواران بر آنها توانی گذاشت. ^۸ پس چگونه روی یک والی از کوچکترین بندگان آقائیم را خواهی برگردانید

و بر مصر به جهت اربابه‌ها و سواران توکل داری؟^{۱۰} و آیا من الآن بی اذن یهوه بر این زمین به جهت خرابی آن برآمده‌ام؟ یهوه مرا گفته است بر این زمین برآی و آن را خراب کن.»

^{۱۱} آنگاه الیقیم و شبنا و یوآخ به ربشاقی گفتند: «تمنا اینکه با بندگانت به زبان آرامی گفتگو نمایی زیرا آن را می‌فهمیم و با ما به زبان یهود در گوش مردمی که بر حصارند گفتگو نمایی.»^{۱۲} ربشاقی گفت: «آیا آقیم مرا نزد آقایت و تو فرستاده است تا این سخنان را بگویم؟ مگر مرا نزد مردانی که بر حصار نشسته‌اند نفرستاده، تا ایشان با شما نجاست خود را بخورند و بول خود را بنوشند؟»^{۱۳} پس ربشاقی بایستاد و به آواز بلند به زبان یهود صدا زده، گفت: «سخنان سلطان عظیم پادشاه آشور را بشنوید.^{۱۴} پادشاه چنین می‌گوید: حزقیای شما را فریب ندهد زیرا که شما را نمی‌تواند رهانید.^{۱۵} و حزقیای شما را بر یهوه مطمئن نسازد و نگوید که یهوه البته ما را خواهد رهانید و این شهر به دست پادشاه آشور تسلیم نخواهد شد.^{۱۶} به حزقیای گوش دهید زیرا که پادشاه آشور چنین می‌گوید: با من صلح کنید و نزد من بیرون آید تا هر کس از مو خود و هر کس از انجیر خود بخورد و هر کس از آب چشمه خود بنوشد.^{۱۷} تا بیایم و شما را به زمین مانند زمین خودتان بیاورم یعنی به زمین غله و شیره و زمین نان و تاکستانها.^{۱۸} مبادا حزقیای شما را فریب دهد و گوید یهوه ما را خواهد رهانید. آیا هیچکدام از خدایان امت‌ها زمین خود را از دست پادشاه آشور رهانیده است؟^{۱۹} خدایان حمات و ارفاد کجایند و خدایان سفروایم کجا و آیا سامره را از دست من رهانیده‌اند؟^{۲۰} از جمیع خدایان این زمینها کدامند که زمین خویش را از دست من نجات داده‌اند تا یهوه اورشلیم را از دست من نجات دهد؟»^{۲۱} اما ایشان سکوت نموده، به او هیچ جواب ندادند زیرا که پادشاه امر فرموده و گفته بود که او را جواب ندهید.^{۲۲} پس الیقیم بن حلقیا که ناظر خانه بود و شبنا ی کاتب و یوآخ بن آساف وقایع‌نگار با جامه دریده نزد حزقیای آمدند و سخنان ربشاقی را به او باز گفتند.

۳۷

و واقع شد که چون حزقیای پادشاه این را شنید لباس خود را چاک زده و پلاس پوشیده، به خانه خداوند داخل شد.^۲ و الیقیم ناظر خانه و شبنا ی کاتب و مشایخ کهنه را ملبس به پلاس نزد اشعیا ابن آموص نبی فرستاد،^۳ و به وی گفتند: «حزقیای چنین می‌گوید که

امروز روز تنگی و تأدیب و اهانت است زیرا که پسران بقم رسیده‌اند و قوت زاییدن نیست. ^۴ شاید یهوه خدایت سخنان ربشاقی را که آقایش پادشاه آشور او را برای اهانت نمودن خدای حی فرستاده است بشنود و سخنانی را که یهوه خدایت شنیده است توبیخ نماید. پس برای بقیه‌ای که یافت می‌شوند تضرع نما.»

^۵ و بندگان حزقیا پادشاه نزد اشعیا آمدند. ^۶ و اشعیا به ایشان گفت: «به آقای خود چنین گویند که یهوه چنین می‌فرماید: از سخنانی که شنیدی که بندگان پادشاه آشور مرا بدانها کفر گفته‌اند، مترس. ^۷ همانا روحی بر او می‌فرستم که خبری شنیده، به ولایت خود خواهد برگشت و او را در ولایت خودش به شمشیر هلاک خواهم ساخت.» ^۸ پس ربشاقی مراجعت کرده، پادشاه آشور را یافت که با لبنه جنگ می‌کرد زیرا شنیده بود که از لاکیش کوچ کرده است. ^۹ و او درباره ترهاقه پادشاه کوش خبری شنید که به جهت مقاتله با تو بیرون آمده است. پس چون این را شنید (باز) ایلچیان نزد حزقیا فرستاده، گفت: ^{۱۰} «به حزقیا پادشاه یهودا چنین گویند: خدای تو که به او توکل می‌نمایی تو را فریب ندهد و نگوید که اورشلیم به دست پادشاه آشور تسلیم نخواهد شد. ^{۱۱} اینک تو شنیده‌ای که پادشاهان آشور با همه ولایتها چه کرده و چگونه آنها را بالکل هلاک ساخته‌اند و آیا تو رهایی خواهی یافت؟ ^{۱۲} و آیا خدایان امت‌هایی که پدران من آنها را هلاک ساختند مثل جوزان و حاران و رصف و بنی عدن که در تلسار می‌باشند ایشان را نجات دادند. ^{۱۳} پادشاه حمات کجا است و پادشاه ارفاد و پادشاه شهر سفر وایم و هینع و عوا؟»

^{۱۴} و حزقیا مکتوب را از دست ایلچیان گرفته، آن را خواند و حزقیا به خانه خداوند درآمده، آن را به حضور خداوند پهن کرد. ^{۱۵} و حزقیا نزد خداوند دعا کرده، گفت: ^{۱۶} «ای یهوه صبیوت خدای اسرائیل که بر کروبیان جلوس می‌نمایی! تویی که به تنهایی بر تمامی ممالک جهان خدا هستی و تو آسمان و زمین را آفریده‌ای. ^{۱۷} ای خداوند گوش خود را فرا گرفته، بشنو و ای خداوند چشمان خود را گشوده، ببین و همه سخنان سنحاریب را که به جهت اهانت نمودن خدای حی فرستاده است استماع نما! ^{۱۸} ای خداوند راست است که پادشاهان آشور همه ممالک و زمین ایشان را خراب کرده. ^{۱۹} و خدایان ایشان را به آتش انداخته‌اند زیرا که خدا نبودند بلکه ساخته دست انسان از چوب و سنگ. پس به این سبب آنها را تباه ساختند. ^{۲۰} پس حال ای یهوه خدای ما ما را از دست او رهایی ده تا جمیع ممالک جهان بدانند که تو تنها یهوه هستی.»

^{۲۱} پس اشعیا ابن آموص نزد حزقیا فرستاده، گفت: «یهوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید: چونکه درباره سنحاریب پادشاه آشور نزد من دعا نمودی، ^{۲۲} کلامی که خداوند در باره‌اش گفته این است: آن باکره دختر صهیون تو را حقیر شمرده، استهزا نموده است و دختر اورشلیم سر خود را به تو جنبانیده است. ^{۲۳} کیست که او را اهانت کرده، کفر گفته‌ای و کیست که بر وی آواز بلند کرده، چشمان خود را به علیین افراشته‌ای؟ مگر قدوس اسرائیل نیست؟ ^{۲۴} به واسطه بندگانت خداوند را اهانت کرده، گفته‌ای به کثرت ارابه‌های خود بر بلندی کوهها و به اطراف لبنان برآمده‌ام و بلندترین سروهای آزادش و بهترین صنوبرهایش را قطع نموده، به بلندی اقصایش و به درختستان بوستانش داخل شده‌ام. ^{۲۵} و من حفره زده، آب نوشیدم و به کف پای خود تمامی نهرهای مصر را خشک خواهم کرد.

^{۲۶} «آیا نشنیده‌ای که من این را از زمان سلف کرده‌ام و از ایام قدیم صورت داده‌ام و الآن آن را به وقوع آورده‌ام تا تو به ظهور آمده، و شهرهای حصار دار را خراب نموده، به توده‌های ویران مبدل سازی. ^{۲۷} از این جهت ساکنان آنها کم قوت بوده، ترسان و خجل شدند. مثل علف صحرا و گیاه سبز و علف پشت بام و مثل مزرعه قبل از نمو کردنش گردیدند. ^{۲۸} اما من نشستن تو را و خروج و دخولت و خشمی را که بر من داری می‌دانم. ^{۲۹} چونکه خشمی که به من داری و غرور تو به گوش من برآمده است. بنابراین مهار خود را به بینی تو و لگام خود را به لبهایت گذاشته، تو را به راهی که آمده‌ای برخوادم گردانید. ^{۳۰} و علامت برای تو این خواهد بود که امسال غله خودرو خواهید خورد و سال دوم آنچه از آن بروید و در سال سوم بکارید و بدروید و تاکستانها غرس نموده، میوه آنها را بخورید. ^{۳۱} و بقیه‌ای که از خاندان یهودا رستگار شوند بار دیگر به پایین ریشه خواهند زد و به بالا میوه خواهند آورد. ^{۳۲} زیرا که بقیه‌ای از اورشلیم و رستگاران از کوه صهیون بیرون خواهند آمد. غیرت یهوه صبایوت این را بجا خواهد آورد. ^{۳۳} بنابراین خداوند در باره پادشاه آشور چنین می‌گوید که به این شهر داخل نخواهد شد و به اینجا تیر نخواهد انداخت و در مقابلش با سپر نخواهد آمد و منجنیق در پیش او برنخواهد افراشت. ^{۳۴} به راهی که آمده است به همان برخوادم گشت و به این شهر داخل نخواهد شد. خداوند این را می‌گوید. ^{۳۵} زیرا که این شهر را حمایت کرده، به خاطر خود و به خاطر بنده خویش داود آن را نجات خواهم داد.»

۳۶ پس فرشته خداوند بیرون آمده، صد و هشتاد و پنجهزار نفر از اردوی آشور را زد و بامدادان چون برخاستند اینک جمیع آنها لاشهای مرده بودند. ۳۷ و سنحاریب پادشاه آشور کوچ کرده، روانه گردید و برگشته در نینوی ساکن شد. ۳۸ و واقع شد که چون او در خانه خدای خویش نسروک عبادت می‌کرد، پسرانش ادرملک و شرآصر او را به شمشیر زدند و ایشان به زمین اراراط فرار کردند و پسرش آسرحدون به جایش سلطنت نمود.

۳۸

در آن ایام حزقیا بیمار و مشرف به موت شد و اشعیا ابن آموص نبی نزد وی آمده، او را گفت: «خداوند چنین می‌گوید: تدارک خانه خود را ببین زیرا که می‌میری و زنده نخواهی ماند.» ۱ آنگاه حزقیا روی خود را بسوی دیوار برگردانیده، نزد خداوند دعا نمود، ۳ و گفت: «ای خداوند مستدعی اینکه بیاد آوری که چگونه به حضور تو به امانت و به دل کامل سلوک نموده‌ام و آنچه در نظر تو پسند بوده است بجا آورده‌ام.» پس حزقیا زار زار بگریست. ۴ و کلام خداوند بر اشعیا نازل شده، گفت: ۵ «برو و به حزقیا بگو یهوه خدای پدرت داود چنین می‌گوید: دعای تو را شنیدم و اشکهایت را دیدم. اینک من بر روزهای تو پانزده سال افزودم. ۶ و تو را و این شهر را از دست پادشاه آشور خواهم رهانید و این شهر را حمایت خواهم نمود. ۷ و علامت از جانب خداوند که خداوند این کلام را که گفته است بجا خواهد آورد این است: ۸ اینک سایه درجاتی که از آفتاب بر ساعت آفتابی آحاز پایین رفته است ده درجه به عقب برمی‌گردانم.» پس آفتاب از درجاتی که بر ساعت آفتابی پایین رفته بود، ده درجه برگشت.

۹ مکتوب حزقیا پادشاه یهودا وقتی که بیمار شد و از بیماریش شفا یافت: ۱۰ من گفتم: «اینک در فیروزی ایام خود به درهای هاویه می‌روم و از بقیه سالهای خود محروم می‌شوم. ۱۱ گفتم: خداوند را مشاهده نمی‌نمایم. خداوند را در زمین زندگان نخواهم دید. من با ساکنان عالم فنا انسان را دیگر نخواهم دید. ۱۲ خانه من کنده گردید و مثل خیمه شبان از من برده شد. مثل نساج عمر خود را پیچیدم. او مرا از نورد خواهد برید. روز و شب مرا تمام خواهی کرد. ۱۳ تا صبح انتظار کشیدم. مثل شیر همچنین تمامی استخوانهایم را می‌شکنند. روز و شب مرا تمام خواهی کرد.»

^{۱۴} مثل پرستوک که جیک جیک می کند صدا می نمایم. و مانند فاخته ناله می کنم و چشمانم از نگرستن به بالا ضعیف می شود. ای خداوند در تنگی هستم. کفیل من باش.

^{۱۵} «چه بگویم چونکه او به من گفته است و خود او کرده است. تمامی سالهای خود را به سبب تلخی جانم آهسته خواهم رفت. ^{۱۶} ای خداوند به این چیزها مردمان زیست می کنند و به اینها و بس حیات روح من می باشد. پس مرا شفا بده و مرا زنده نگاه دار. ^{۱۷} اینک تلخی سخت من باعث سلامتی من شد. از راه لطف جانم را از چاه هلاکت برآوردی زیرا که تمامی گناهانم را به پشت سر خود انداختی. ^{۱۸} زیرا که هاویه تو را حمد نمی گوید و موت تو را تسبیح نمی خواند و آنانی که به حفره فرو می روند به امانت تو امیدوار نمی باشند. ^{۱۹} زندگانند، زندگانند که تو را حمد می گویند، چنانکه من امروز می گویم. پدران به پسران راستی تو را تعلیم خواهند داد. ^{۲۰} خداوند به جهت نجات من حاضر است، پس سرودهایم را در تمامی روزهای عمر خود در خانه خداوند خواهیم سرایید.»

^{۲۱} و اشعیا گفته بود که «قرصی از انجیر بگیرید و آن را بر دمل بنهید که شفا خواهد یافت.» ^{۲۲} و حزقیا گفته بود: «علامتی که به خانه خداوند برخواهم آمد چیست؟»

۳۹

در آن زمان مرودک بلدان بن بلدان پادشاه بابل مکتوبی و هدیه ای نزد حزقیا فرستاد زیرا شنیده بود که بیمار شده و صحت یافته است. ^۱ و حزقیا از ایشان مسرور شده، خانه خزاین خود را از نقره و طلا و عطریات و روغن معطر و تمام خانه اسلحه خویش و هرچه را که در خزاین او یافت می شد به ایشان نشان داد و در خانه اش و در تمامی مملکتش چیزی نبود که حزقیا آن را به ایشان نشان نداد. ^۲ پس اشعیا نبی نزد حزقیا پادشاه آمده، وی را گفت: «این مردمان چه گفتند و نزد تو از کجا آمدند؟» حزقیا گفت: «از جای دور یعنی از بابل نزد من آمدند.» ^۳ او گفت: «در خانه تو چه دیدند؟» حزقیا گفت: «هرچه در خانه من است دیدند و چیزی در خزاین من نیست که به ایشان نشان ندادم.»

^۴ پس اشعیا به حزقیا گفت: «کلام یهوه صباوت را بشنو: اینک روزها می آید که هرچه در خانه تو است و آنچه پدرانت تا امروز ذخیره کرده اند به بابل برده خواهد شد. و خداوند

می‌گوید که چیزی از آنها باقی نخواهد ماند.^۷ و بعضی از پسرانت را که از تو پدید آیند و ایشان را تولید نمایی خواهند گرفت و در قصر پادشاه بابل خواجه‌سرا خواهند شد.»^۸ حزقیا به اشعیا گفت: «کلام خداوند که گفتی نیکو است و دیگر گفت: هرآینه در ایام من سلامتی و امان خواهد بود.»

۴۰ تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید! خدای شما می‌گوید: ^۲سخنان دلاویز به اورشلیم گویند و او را ندا کنید که اجتهاد او تمام شده و گناه وی آمرزیده گردیده، و از دست خداوند برای تمامی گناهانش دو چندان یافته است.^۳ صدای ندا کننده‌ای در بیابان، راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید.^۴ هر دره‌ای برافراشته و هر کوه و تلی پست خواهد شد؛ و کجیها راست و ناهمواریها هموار خواهد گردید.^۵ و جلال خداوند مکشوف گشته، تمامی بشر آن را با هم خواهند دید زیرا که دهان خداوند این را گفته است.^۶ هاتقی می‌گوید: «ندا کن.» وی گفت: «چه چیز را ندا کنم؟ تمامی بشر گیاه است و همگی زیبایی‌اش مثل گل صحرا.^۷ گیاه خشک و گلش پژمرده می‌شود زیرا نفخه خداوند بر آن دمیده می‌شود. البته مردمان گیاه هستند.^۸ گیاه خشک شد و گل پژمرده گردید، لیکن کلام خدای ما تا ابدالآباد استوار خواهد ماند.»^۹ ای صهیون که بشارت می‌دهی به کوه بلند برآی! و ای اورشلیم که بشارت می‌دهی آوازت را با قوت بلند کن! آن را بلند کن و مترس و به شهرهای یهودا بگو که «هان خدای شما است!»^{۱۰} اینک خداوند یهوه با قوت می‌آید و بازوی وی برایش حکمرانی می‌نماید. اینک اجرت او با وی است و عقوبت وی پیش روی او می‌آید.^{۱۱} او مثل شبان گله خود را خواهد چرانید و به بازوی خود بره‌ها را جمع کرده، به آغوش خویش خواهد گرفت و شیر دهندگان را به ملایمت رهبری خواهد کرد.^{۱۲} کیست که آنها را به کف دست خود پیموده و افلاک را با وجب اندازه کرده و غبار زمین را در کیل گنجانیده و کوهها را به قپان و تلها را به ترازو وزن نموده است؟

^{۱۳} کیست که روح خداوند را قانون داده یا مشیر او بوده او را تعلیم داده باشد.^{۱۴} او از که مشورت خواست تا به او فهم بخشد و طریق راستی را به او بیاموزد؟ و کیست که او را معرفت آموخت و

راه فطانت را به او تعلیم داد؟^{۱۵} اینک امت‌ها مثل قطره دلو و مانند غبار میزان شمرده می‌شوند. اینک جزیره‌ها را مثل گرد برمی‌دارد.^{۱۶} و لبنان به جهت هیزم کافی نیست و حیواناتش برای قربانی سوختنی کفایت نمی‌کند.^{۱۷} تمامی امت‌ها بنظر وی هیچ‌اند و از عدم و بطالت نزد وی کمتر می‌نمایند.^{۱۸} پس خدا را به که تشبیه می‌کنید و کدام شبه را با او برابر می‌توانید کرد؟^{۱۹} صنعتگر بت را می‌ریزد و زرگر آن را به طلا می‌پوشاند، و زنجیرهای نقره برایش می‌ریزد.^{۲۰} کسی که استطاعت چنین هدایا نداشته باشد، درختی را که نمی‌پوسد اختیار می‌کند و صنعتگر ماهر را می‌طلبد تا بتی را که متحرک نشود برای او بسازد.

^{۲۱} آیا ندانسته و نشنیده‌اید و از ابتدا به شما خبر داده نشده است و از بنیاد زمین نفهمیده‌اید؟^{۲۲} او است که بر کره زمین نشسته است و ساکنانش مثل ملخ می‌باشند. اوست که آسمانها را مثل پرده می‌گستراند و آنها را مثل خیمه به جهت سکونت پهن می‌کند.^{۲۳} که امیران را لاشی می‌گرداند و داوران جهان را مانند بطالت می‌سازد.^{۲۴} هنوز غرس نشده و کاشته نگردیده‌اند و تنه آنها هنوز در زمین ریشه نزده است، که فقط بر آنها می‌دمد و پژمرده می‌شوند و گرد باد آنها را مثل کاه می‌رباید.

^{۲۵} پس مرا به که تشبیه می‌کنید تا با وی مساوی باشم؟ قدوس می‌گوید: ^{۲۶} چشمان خود را به علین برافراشته ببینید. کیست که اینها را آفرید و کیست که لشکر اینها را بشماره بیرون آورده، جمیع آنها را بنام می‌خواند؟ از کثرت قوت و از عظمت توانایی وی یکی از آنها گم نخواهد شد.^{۲۷} ای یعقوب چرا فکر می‌کنی و ای اسرائیل چرا می‌گویی: «راه من از خداوند مخفی است و خدای من انصاف مرا از دست داده است.»^{۲۸} آیا ندانسته و نشنیده‌ای که خدای سرمدی یهوه آفریننده اقصای زمین درمانده و خسته نمی‌شود و فهم او را تفحص نتوان کرد؟^{۲۹} ضعیفان را قوت می‌بخشد و ناتوانان را قدرت زیاده عطا می‌نماید.^{۳۰} حتی جوانان هم درمانده و خسته می‌گردند و شجاعان بکلی می‌افتند.^{۳۱} اما آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. خواهند دوید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید.

ای جزیره‌ها به حضور من خاموش شوید! و قبیله‌ها قوت تازه بهم رسانند! نزدیک بیایند، آنگاه تکلم نمایند. با هم به محاکمه نزدیک بیاییم.^۲ کیست که کسی را از مشرق برانگیخت که عدالت او را نزد پایهای وی می‌خواند؟ امت‌ها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند. و ایشان را مثل غبار به شمشیر وی و مثل گاه که پراکنده می‌گردد به کمان وی تسلیم خواهد نمود.^۳ ایشان را تعاقب نموده، به راهی که با پایهای خود نرفته بود، سلامتی خواهد گذشت.^۴ کیست که این را عمل نموده و بجا آورده، و طبقات را از ابتدا دعوت نموده است؟ من که یهوه و اول و با آخرین می‌باشم من هستم.^۵ جزیره‌ها دیدند و ترسیدند و اقصای زمین بلرزیدند و تقرب جستند، آمدند. هر کس همسایه خود را اعانت کرد و به برادر خود گفت: قوی دل باش.^۶ نجار زرگر را و آنکه با چکش صیقل می‌کند سندان زننده را تقویت می‌نماید و در باره لحیم می‌گوید: که خوب است و آن را به میخها محکم می‌سازد تا متحرک نشود.

اما تو ای اسرائیل بنده من و ای یعقوب که تو را برگزیده‌ام و ای ذریت دوست من ابراهیم،^۸ که تو را از اقصای زمین گرفته، تو را از کرانه‌هایش خوانده‌ام و به تو گفته‌ام تو بنده من هستی، تو را برگزیدم و ترک ننمودم،^۹ مترس زیرا که من با تو هستم و مشوش مشو زیرا من خدای تو هستم! تو را تقویت خواهم نمود و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد.^{۱۱} اینک همه آنانی که بر تو خشم دارند، خجل و رسوا خواهند شد و آنانی که با تو معارضه نمایند ناچیز شده، هلاک خواهند گردید.^{۱۲} آنانی را که با تو مجادله نمایند جستجو کرده، نخواهی یافت و آنانی که با تو جنگ کنند نیست و نابود خواهند شد.^{۱۳} زیرا من که یهوه خدای تو هستم دست راست تو را گرفته، به تو می‌گویم: مترس زیرا من تو را نصرت خواهم داد.^{۱۴} ای کرم یعقوب و شرذمه اسرائیل مترس زیرا خداوند و قدوس اسرائیل که ولی تو می‌باشد می‌گوید: من تو را نصرت خواهم داد.^{۱۵} اینک تو را گردون تیز نو دنداندار خواهم ساخت و کوهها را پایمال کرده، خرد خواهی نمود و تلها را مثل گاه خواهی ساخت.^{۱۶} آنها را خواهی افشاند و باد آنها را برداشته، گردباد آنها را پراکنده خواهد ساخت. لیکن تو از خداوند شادمان خواهی شد و به قدوس اسرائیل فخر خواهی نمود.

^{۱۷} فقیران و مسکینان آب را می‌جویند و نمی‌یابند و زبان ایشان از تشنگی خشک می‌شود. من که یهوه هستم ایشان را اجابت خواهم نمود. خدای اسرائیل هستم ایشان را ترک نخواهم کرد.^{۱۸} بر تلهای خشک نهرها و در میان وادیها چشمه‌ها جاری خواهم نمود. و بیابان را به برکه آب و زمین خشک را به چشمه‌های آب مبدل خواهم ساخت.^{۱۹} در بیابان سرو آزاد و شطیم و آس و درخت زیتون را خواهم گذاشت و در صحرا صنوبر و کاج و چنار را با هم غرس خواهم نمود.^{۲۰} تا ببینند و بدانند و تفکر نموده، با هم تأمل نمایند که دست *خد/وند* این را کرده و قدوس اسرائیل این را ایجاد نموده است.^{۲۱} *خد/وند* می‌گوید: دعوی خود را پیش آورید و پادشاه یعقوب می‌گوید: براهین قوی خویش را عرضه دارید.^{۲۲} آنچه را که واقع خواهد شد نزدیک آورده، برای ما اعلام نمایند. چیزهای پیشین را و کیفیت آنها را بیان کنید تا تفکر نموده، آخر آنها را بدانیم یا چیزهای آینده را به ما بشنوانید.^{۲۳} و چیزها را که بعد از این واقع خواهد شد بیان کنید تا بدانیم که شما خدایانید. باری، نیکویی یا بدی را بجا آورید تا ملتفت شده، با هم ملاحظه نماییم.^{۲۴} اینک شما ناچیز هستید و عمل شما هیچ است و هر که شما را اختیار کند رجس است.^{۲۵} کسی را از شمال برانگیختم و او خواهد آمد و کسی را از مشرق آفتاب که اسم مرا خواهد خواند و او بر سروران مثل برگل خواهد آمد و مانند کوزه‌گری که گل را پایمال می‌کند.^{۲۶} کیست که از ابتدا خبر داد تا بدانیم، و از قبل تا بگوییم که او راست است؟ البته خبر دهنده‌ای نیست و اعلام کننده‌ای نی و کسی هم نیست که سخنان شما را بشنود.^{۲۷} اول به صهیون گفتم که اینک هان این چیزها (خواهد رسید) و به اورشلیم بشارت دهنده‌ای بخشیدم.^{۲۸} و نگرستم و کسی یافت نشد و در میان ایشان نیز مشورت دهنده‌ای نبود که چون از ایشان سؤال نمایم جواب تواند داد.^{۲۹} اینک جمیع ایشان باطلند و اعمال ایشان هیچ است و بت‌های ریخته شده ایشان باد و بطالت است.

۴۲ اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است، من روح خود را بر او می‌نهم تا انصاف را برای امت‌ها صادر سازد.^۱ او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن را در کوچه‌ها نخواهد شنواید.^۲ نئی خرد شده را نخواهد

شکست و فتیله ضعیف را خاموش نخواهد ساخت تا عدالت را به راستی صادر گرداند. ^۴ او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره‌ها منتظر شریعت او باشند. ^۵ خدا یهوه که آسمانها را آفرید و آنها را پهن کرد و زمین و نتایج آن را گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشند و روح را بر آنانی که در آن سالکند می‌دهد، چنین می‌گوید: ^۶ «من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده‌ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت‌ها خواهم گردانید. ^۷ تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری. ^۸ من یهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد. ^۹ اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای نو اعلام می‌کنم و قبل از آنکه بوجود آید شما را از آنها خبر می‌دهم.»

^{۱۰} ای شما که به دریا فرود می‌روید، و ای آنچه در آن است! ای جزیره‌ها و ساکنان آنها سرود نو را به *خداوند* و ستایش وی را از اقصای زمین بسرایید! ^{۱۱} صحرا و شهرهایش و قریه‌هایی که اهل قیدار در آنها ساکن باشند آواز خود را بلند نمایند و ساکنان سالع ترنم نموده، از قله کوهها نعره زنند! ^{۱۲} برای *خداوند* جلال را توصیف نمایند و تسبیح او را در جزیره‌ها بخوانند! ^{۱۳} *خداوند* مثل جبار بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی‌انگیزاند. فریاد کرده، نعره خواهد زد و بر دشمنان خویش غلبه خواهد نمود. ^{۱۴} از زمان قدیم خاموش و ساکت مانده، خودداری نمودم. الآن مثل زنی که می‌زاید، نعره خواهد زد و دم زده، آه خواهم کشید. ^{۱۵} کوهها و تلها را خراب کرده، تمامی گیاه آنها را خشک خواهم ساخت و نهرها را جزایر خواهم گردانید و برکه‌ها را خشک خواهم ساخت. ^{۱۶} و کوران را به راهی که ندانسته‌اند رهبری نموده، ایشان را به طریق‌هایی که عارف نیستند هدایت خواهم نمود. ظلمت را پیش ایشان به نور و کجی را به راستی مبدل خواهم ساخت. این کارها را بجا آورده، ایشان را رها نخواهم نمود. ^{۱۷} آنانی که بر بتهای تراشیده اعتماد دارند و به اصنام ریخته شده می‌گویند که خدایان ما شماستید، به عقب برگردانیده، بسیار خجل خواهند شد.

^{۱۸} ای کران بشنوید و ای کوران نظر کنید تا ببینید. ^{۱۹} کیست که مثل بنده من کور باشد و کیست که کر باشد مثل رسول من که می‌فرستم؟ کیست که کور باشد، مثل مسلم من و کور مانند بنده *خداوند*؟ ^{۲۰} چیزهای بسیار می‌بینی اما نگاه نمی‌داری. گوشها را می‌گشاید لیکن خود نمی‌شنود. ^{۲۱} *خداوند* را به خاطر عدل خود پسند آمد که شریعت خویش را تعظیم و تکریم نماید.

^{۲۲} لیکن اینان قوم غارت و تاراج شده‌اند و جمیع ایشان در حفره‌ها صید شده و در زندانها مخفی گردیده‌اند. ایشان غارت شده و رهاننده‌ای نیست. تاراج گشته و کسی نمی‌گوید که باز ده. ^{۲۳} کیست در میان شما که به این گوش دهد و توجه نموده، برای زمان آینده بشنود؟ ^{۲۴} کیست که یعقوب را به تاراج و اسرئیل را به غارت تسلیم نمود؟ آیا خداوند نبود که به او گناه ورزیدیم چونکه ایشان به راههای او نخواستند سلوک نمایند و شریعت او را اطاعت نمودند؟ ^{۲۵} بنابراین حدت غضب خود و شدت جنگ را بر ایشان ریخت و آن ایشان را از هر طرف مشتعل ساخت و ندانستند و ایشان را سوزانید اما تفکر نمودند.

۴۳

و الآن خداوند که آفریننده تو ای یعقوب، و صانع تو ای اسرئیل است چنین می‌گوید: «مترس زیرا که من تو را فدیة دادم و تو را به اسمت خواندم پس تو از آن من هستی. ^۲ چون از آبها بگذری من با تو خواهم بود و چون از نهرها (عبورنمایی) تو را فرونخواهند گرفت. و چون از میان آتش روی، سوخته نخواهی شد و شعله‌اش تو را نخواهد سوزانید. ^۳ زیرا من یهوه خدای تو و قدوس اسرئیل نجات دهنده تو هستم. مصر را فدیة تو ساختم و حبش و سبا را به عوض تو دادم. ^۴ چونکه در نظر من گرانبها و مکرم بودی و من تو را دوست می‌داشتم پس مردمان را به عوض تو و طوایف را در عوض جان تو تسلیم خواهم نمود. ^۵ مترس زیرا که من با تو هستم و ذریت تو را از مشرق خواهم آورد و تو را از مغرب جمع خواهم نمود. ^۶ به شمال خواهم گفت که "بده" و به جنوب که "ممانعت مکن". پسران مرا از جای دور و دخترانم را از کرانه‌های زمین بیاور. ^۷ یعنی هر که را به اسم من نامیده شود و او را به جهت جلال خویش آفریده و او را مصور نموده و ساخته باشم.»

^۸ قومی را که چشم دارند اما کور هستند و گوش دارند اما کر می‌باشند بیرون آور. ^۹ جمیع امت‌ها با هم جمع شوند و قبیله‌ها فراهم آیند. پس در میان آنها کیست که از این خبر دهد و امور اولین را به ما اعلام نماید؟ شهود خود را بیاورند تا تصدیق شوند یا استماع نموده، اقرار بکنند که این راست است. ^{۱۰} یهوه می‌گوید که «شما و بنده من که او را برگزیده‌ام شهود من می‌باشید. تا دانسته، به من ایمان آورید و بفهمید که من او هستم و پیش از من خدایی مصور

نشده و بعد از من هم نخواهد شد.^{۱۱} من، من یهوه هستم و غیر از من نجات‌دهنده‌ای نیست.
^{۱۲} من اخبار نموده و نجات داده‌ام و اعلام نموده و در میان شما خدای غیر نبوده است. *خد/وند*
می‌گوید که شما شهود من هستید و من خدا هستم.^{۱۳} و از امروز نیز من او می‌باشم و کسی که از
دست من تواند رهانید نیست. من عمل خواهم نمود و کیست که آن را رد نماید؟»
^{۱۴} *خد/وند* که ولی شما و قدوس اسرائیل است چنین می‌گوید: «بخاطر شما به بابل
فرستادم و همه ایشان را مثل فراریان فرود خواهم آورد و کلدانیان را نیز در کشتیهای وجد
ایشان.^{۱۵} من *خد/وند* قدوس شما هستم. آفریننده اسرائیل و پادشاه شما.»
^{۱۶} *خد/وند* که راهی در دریا و طریقی در آبهای عظیم می‌سازد چنین می‌گوید،^{۱۷} آنکه
ارابه‌ها و اسبها و لشکر و قوت آن را بیرون می‌آورد: «ایشان با هم خواهند خوابید و نخواهند
برخاست و منطفی شده، مثل فتیله خاموش خواهند شد.^{۱۸} چیزهای اولین را بیاد نیاورید و در امور
قدیم تفکر ننمایید.^{۱۹} اینک من چیز نویی بوجود می‌آورم و آن الآن بظهور می‌آید. آیا آن را
نخواهید دانست؟ بدرستی که راهی در بیابان و نهرها در هامون قرار خواهم داد.^{۲۰} حیوانات
صحرا گرگان و شترمرغها مرا تمجید خواهند نمود چونکه آب در بیابان و نهرها در صحرا بوجود
می‌آورم تا قوم خود و برگزیدگان خویش را سیراب نمایم.^{۲۱} این قوم را برای خود ایجاد کردم تا
تسبیح مرا بخوانند.^{۲۲} اما تو ای یعقوب مرا نخواندی و تو ای اسرائیل از من به تنگ آمدی!
^{۲۳} گوسفندان قربانی‌های سوختنی خود را برای من نیاوردی و به ذبایح خود مرا تکریم نمودی! به
هدایا بندگی بر تو نهادم و به بخور تو را به تنگ نیاوردم.^{۲۴} نی معطر را به جهت من به نقره
نخریدی و به پیه ذبایح خویش مرا سیر نساختی. بلکه به گناهان خود بر من بندگی نهادی و به
خطایای خویش مرا به تنگ آوردی.^{۲۵} من هستم من که بخاطر خود خطایای تو را محو ساختم و
گناهان تو را بیاد نخواهم آورد.^{۲۶} مرا یاد بده تا با هم محاکمه نمایم. حجت خود را بیاور تا
تصدیق شوی.^{۲۷} اجداد اولین تو گناه ورزیدند و واسطه‌های تو به من عاصی شدند.^{۲۸} بنابراین من
سروران قدس را بی‌احترام خواهم ساخت و یعقوب را به لعنت و اسرائیل را به دشنام تسلیم
خواهم نمود.

اما الآن ای بنده من یعقوب بشنو و ای اسرائیل که تو را برگزیده‌ام!

خد/وند که تو را آفریده و تو را از رحم بسرشت و معاون تو می‌باشد چنین می‌گوید: ای بنده من یعقوب مترس! و ای یشرون که تو را برگزیده‌ام! ^۳ اینک بر (زمین) تشنه آب خواهم ریخت و نهرها برخشک. روح خود را بر ذریت تو خواهم ریخت و برکت خویش را بر اولاد تو. ^۴ و ایشان در میان سبزه‌ها، مثل درختان بید بر جویهای آب خواهند روید. ^۵ یکی خواهد گفت که من از آن خد/وند هستم و دیگری خویشان را به نام یعقوب خواهد خواند و دیگری بدست خود برای خد/وند خواهد نوشت و خویشان را به نام اسرائیل ملقب خواهد ساخت.

خد/وند پادشاه اسرائیل و یهوه صبايوت که ولی ایشان است چنین می‌گوید: من اول هستم و من آخر هستم و غیر از من خدایی نیست. ^۷ و مثل من کیست که آن را اعلان کند و بیان نماید و آن را ترتیب دهد، از زمانی که قوم قدیم را برقرار نمودم. پس چیزهای آینده و آنچه را که واقع خواهد شد اعلان بنمایند. ^۸ ترسان و هراسان باشید. آیا از زمان قدیم تو را اخبار و اعلام ننمودم و آیا شما شهود من نیستید؟ آیا غیر از من خدایی هست؟ البته صخره‌ای نیست و احدی را نمی‌شناسم. ^۹ آنانی که بتهای تراشیده می‌سازند، جمیعا باطلند و چیزهایی که ایشان می‌پسندند، فایده‌ای ندارد و شهود ایشان نمی‌بینند و نمی‌دانند تا خجالت بکشند. ^{۱۰} کیست که خدایی ساخته یا بتی ریخته باشد که نفعی ندارد؟ ^{۱۱} اینک جمیع یاران او خجل خواهند شد و صنعتگران از انسان می‌باشند. پس جمیع ایشان جمع شده، بایستند تا با هم ترسان و خجل گردند. ^{۱۲} آهن را با تیشه می‌تراشد و آن را در زغال کار می‌کند و با چکش صورت می‌دهد و با قوت بازوی خویش آن را می‌سازد و نیز گرسنه شده، بی‌قوت می‌گردد و آب ننوشیده، ضعف بهم می‌رساند. ^{۱۳} چوب را می‌تراشد و ریسمان را کشیده، با قلم آن را نشان می‌کند و با رنده آن را صاف می‌سازد و با پرگار نشان می‌کند پس آن را به شبیه انسان و به جمال آدمی می‌سازد تا در خانه ساکن شود. ^{۱۴} سروهای آزاد برای خود قطع می‌کند و سندیان و بلوط را گرفته، آنها را از درختان جنگل برای خود اختیار می‌کند و شمشاد را غرس نموده، باران آن را نمو می‌دهد. ^{۱۵} پس برای شخص به جهت سوخت بکار می‌آید و از آن گرفته، خود را گرم می‌کند و آن را افروخته نان می‌پزد و خدایی ساخته، آن را می‌پرستد و از آن بتی ساخته، پیش آن سجده می‌کند. ^{۱۶} بعضی از آن را در آتش می‌سوزاند و بر بعضی گوشت پخته می‌خورد و کباب را برشته کرده، سیر

می‌شود و گرم شده، می‌گوید: وه گرم شده، آتش را دیدم.^{۱۷} و از بقیه آن خدایی یعنی بت خویش را می‌سازد و پیش آن سجده کرده، عبادت می‌کند و نزد آن دعا نموده، می‌گوید: مرا نجات بده چونکه تو خدای من هستی.^{۱۸} ایشان نمی‌دانند و نمی‌فهمند زیرا که چشمان ایشان را بسته است تا نبینند و دل ایشان را تا تعقل ننمایند.^{۱۹} و تفکر ننموده، معرفت و فطانتی ندارند تا بگویند نصف آن را در آتش سوختیم و بر زغالش نیز نان پختیم و گوشت را کباب کرده، خوردیم. پس آیا از بقیه آن بتی بسازیم و به تنه درخت سجده نماییم؟^{۲۰} خاکستر را خوراک خود می‌سازد و دل فریب خورده او را گمراه می‌کند که جان خود را نتواند رها کند و فکر نمی‌نماید که آیا در دست راست من دروغ نیست.

^{۲۱} ای یعقوب و ای اسرائیل اینها را بیادآور چونکه تو بنده من هستی. تو را سرشتم ای اسرائیل تو بنده من هستی از من فراموش نخواهی شد.^{۲۲} تقصیرهای تو را مثل ابر غلیظ و گناهانت را مانند ابر محو ساختم. پس نزد من بازگشت نما زیرا تو را فدیة کرده‌ام.^{۲۳} ای آسمانها ترنم نمایند زیرا که *خد/وند* این را کرده است! و ای اسفلهای زمین! فریاد برآورید و ای کوهها و جنگلها و هر درختی که در آنها باشد بسرایید! زیرا *خد/وند* یعقوب را فدیة کرده است و خویشتن را در اسرائیل تمجید خواهد نمود.

^{۲۴} *خد/وند* که ولی تو است و تو را از رحم سرشته است چنین می‌گوید: من یهوه هستم و همه چیز را ساختم. آسمانها را به تنهایی گسترانیدم و زمین را پهن کردم؛ و با من که بود؟^{۲۵} آنکه آیات کاذبان را باطل می‌سازد و جادوگران را احمق می‌گرداند. و حکیمان را بعقب برمی‌گرداند و علم ایشان را به جهالت تبدیل می‌کند.^{۲۶} که سخنان بندگان خود را برقرار می‌دارد و مشورت رسولان خویش را به انجام می‌رساند، که درباره اورشلیم می‌گوید معمور خواهد شد و درباره شهرهای یهودا که بنا خواهد شد و خرابی‌های آن را برپا خواهم داشت.^{۲۷} آنکه به لجه می‌گوید که خشک شو و نهرهایت را خشک خواهم ساخت.^{۲۸} و درباره کورش می‌گوید که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید و درباره اورشلیم می‌گوید بنا خواهد شد و درباره هیکل که بنیاد تو نهاده خواهد گشت.

خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که: دست راست او را گرفتم تا به

حضور وی امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود چنین می‌گوید^۲ که من پیش روی تو خواهم خرامید و جایهای ناهموار را هموار خواهم ساخت. و درهای برنجین را شکسته، پشت بندهای آهنین را خواهم برید. و گنجهای ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانی که من یهوه که تو را به اسمت خوانده‌ام خدای اسرائیل می‌باشم. ^۴ به خاطر بنده خود یعقوب و برگزیده خویش اسرائیل، هنگامی که مرا نشناختی تو را به اسمت خواندم و ملقب ساختم. ^۵ من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نی. من کمر تو را بستم هنگامی که مرا نشناختی. ^۶ تا از مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند که سوای من احدی نیست. من یهوه هستم و دیگری نی. ^۷ پدید آورنده نور و آفریننده ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده بدی. من یهوه صانع همه این چیزها هستم. ^۸ ای آسمانها از بالا بیارنید تا افلاک عدالت را فرو ریزد و زمین بشکافد تا نجات و عدالت نمو کنند و آنها را با هم برویاند زیرا که من یهوه این را آفریده‌ام. ^۹ وای بر کسی که با صانع خود چون سفالی با سفالهای زمین مخاصمه نماید. آیا کوزه به کوزه‌گر بگوید چه چیز را ساختی؟ یا مصنوع تو درباره تو بگوید که او دست ندارد؟ ^{۱۰} وای بر کسی که به پدر خود گوید: چه چیز را تولید نمودی و به زن که چه زایدی. ^{۱۱} خداوند که قدوس اسرائیل و صانع آن می‌باشد چنین می‌گوید: درباره امور آینده از من سؤال نمایید و پسران مرا و اعمال دستهای مرا به من تفویض نمایید. ^{۱۲} من زمین را ساختم و انسان را بر آن آفریدم. دستهای من آسمانها را گسترانید و من تمامی لشکرهای آنها را امر فرمودم. ^{۱۳} من او را به عدالت برانگیختم و تمامی راههایش را راست خواهم ساخت. شهر مرا بنا کرده، اسیرانم را آزاد خواهد نمود، اما نه برای قیمت و نه برای هدیه. یهوه صباوت این را می‌گوید.

^{۱۴} خداوند چنین می‌گوید: حاصل مصر و تجارت حبش و اهل سبا که مردان بلند قد می‌باشند نزد تو عبور نموده، از آن تو خواهند بود. و تابع تو شده در زنجیرها خواهند آمد و پیش تو خم شده و نزد تو التماس نموده، خواهند گفت: البته خدا در تو است و دیگری نیست و خدایی نی.

ای خدای اسرائیل و نجات دهنده یقیناً خدایی هستی که خود را پنهان می‌کنی.^{۱۶} جمیع ایشان خجل و رسوا خواهند شد و آنانی که بتها می‌سازند با هم به رسوایی خواهند رفت.^{۱۷} اما اسرائیل به نجات جاودانی از خداوند ناجی خواهند شد و تا ابدالآباد خجل و رسوا نخواهند گردید.^{۱۸} زیرا یهوه آفریننده آسمان که خدا است که زمین را سرشت و ساخت و آن را استوار نمود و آن را عبث نیافرید بلکه به جهت سکونت مصور نمود چنین می‌گوید: من یهوه هستم و دیگری نیست.^{۱۹} در خفا و در جایی از زمین تاریک تکلم ننمودم. و به ذریه یعقوب نگفتم که مرا عبث بطلبید. من یهوه به عدالت سخن می‌گویم و چیزهای راست را اعلان می‌نمایم.^{۲۰} ای رهاشدگان از امت‌ها جمع شده، بیایید و با هم نزدیک شوید. آنانی که چوب بتهای خود را برمی‌دارند و نزد خدایی که نتواند رهناید دعا می‌نمایند معرفت ندارند.^{۲۱} پس اعلان نموده، ایشان را نزدیک آورید تا با یکدیگر مشورت نمایند. کیست که این را از ایام قدیم اعلان نموده و از زمان سلف اخبار کرده است؟ آیا نه من که یهوه هستم و غیر از من خدایی دیگر نیست؟ خدای عادل و نجات‌دهنده و سوای من نیست.^{۲۲} ای جمیع کرانه‌های زمین به من توجه نمایید و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگری نیست.^{۲۳} به ذات خود قسم خوردم و این کلام به عدالت از دهانم صادر گشته برنخواهد گشت که هر زانو پیش من خم خواهد شد و هر زبان به من قسم خواهد خورد.^{۲۴} و مرا خواهند گفت عدالت و قوت فقط در خداوند می‌باشد. و بسوی او خواهند آمد و همگانی که به او دشمنانکند خجل خواهند گردید. و تمامی ذریت اسرائیل در خداوند عادل شمرده شده، فخر خواهند کرد.

۴۶

بیل خم شده و نبو منحنی گردیده بتهای آنها بر حیوانات و بهایم نهاده شد. آنهایی که شما برمی‌داشتید حمل گشته و بار حیوانات ضعیف شده است.^۲ آنها جمیعا منحنی و خم شده، آن بار را نمی‌توانند رهناید بلکه خود آنها به اسیری می‌روند.^۳ ای خاندان یعقوب و تمامی بقیه خاندان اسرائیل که از بطن بر من حمل شده و از رحم برداشته من بوده‌اید!^۴ و تا به پیری شما من همان هستم و تا به شیخوخیت من شما را خواهم برداشت. من آفریدم و من برخواهم داشت و من حمل کرده، خواهم رهناید.^۵ مرا با که شبیه و مساوی می‌سازید و مرا با که

مقابل می‌نمایید تا مشابه شویم؟^۶ آنانی که طلا را از کیسه می‌ریزند و نقره را به میزان می‌سنجند، زرگری را اجیر می‌کنند تا خدایی از آن بسازد پس سجده کرده، عبادت نیز می‌نمایند.^۷ آن را بر دوش برداشته، می‌برند و به جایش می‌گذارند و او می‌ایستد و از جای خود حرکت نمی‌تواند کرد. نزد او استغاثه هم می‌نمایند اما جواب نمی‌دهد و ایشان را از تنگی ایشان نتواند رها کند.

^۸ این را بیاد آورید و مردانه بکشید. و ای عاصیان آن را در دل خود تفکر نمایید! چیزهای اول را از زمان قدیم به یاد آورید. زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست. خدا هستم و نظیر من نی.^{۱۰} آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان می‌کنم و می‌گویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را بجا خواهم آورد.^{۱۱} مرغ شکاری را از مشرق و هم مشورت خویش را از جای دور می‌خوانم. من گفتم و البته بجا خواهم آورد و تقدیر نمودم و البته به وقوع خواهم رسانید.^{۱۲} ای سختدلان که از عدالت دور هستید مرا بشنوید.^{۱۳} عدالت خود را نزدیک آوردم و دور نمی‌باشد و نجات من تأخیر نخواهد نمود و نجات را به جهت اسرائیل که جلال من است در صهیون خواهم گذاشت.

۴۷

ای باکره دختر بابل فرود شده، بر خاک بنشین و ای دختر کلدانیان بر زمین بی‌کرسی بنشین زیرا تو را دیگر نازنین و لطیف نخواهند خواهند.^۱ دستاس را گرفته، آرد را خرد کن. نقاب را برداشته، دامن را بر کش و ساقها را برهنه کرده، از نهرها عبور کن.^۳ عورت تو کشف شده، رسوایی تو ظاهر خواهد شد. من انتقام کشیده، بر احدی شفقت نخواهم نمود.^۴ و اما نجات دهنده ما اسم او یهوه صباوت و قدوس اسرائیل می‌باشد.^۵ ای دختر کلدانیان خاموش بنشین و به ظلمت داخل شو زیرا که دیگر تو را ملکه ممالک نخواهند خواند.^۶ بر قوم خود خشم نموده و میراث خویش را بی‌حرمت کرده، ایشان را به دست تو تسلیم نمودم. بر ایشان رحمت نکرده، یوغ خود را بر پیران بسیار سنگین ساختی.^۷ و گفتم تا به ابد ملکه خواهم بود. و این چیزها را در دل خود جا ندادی و عاقبت آنها را به یاد نیاوردی.

^۸ پس الآن ای که در عشرت بسر می‌بری و در اطمینان ساکن هستی این را بشنو. ای که در دل خود می‌گویی من هستم و غیر از من دیگری نیست و بیوه نخواهم شد و بی‌اولادی را

نخواهم دانست.^۹ پس این دو چیز یعنی بی‌اولادی و بیوگی بغته در یکروز به تو عارض خواهد شد و با وجود کثرت سحر تو و افراط افسونگری زیاد تو آنها بشدت بر تو استیلا خواهد یافت.^{۱۰} زیرا که بر شرارت خود اعتماد نموده، گفتم کسی نیست که مرا ببندد. و حکمت و علم تو، تو را گمراه ساخت و در دل خود گفتم: من هستم و غیر از من دیگری نیست.^{۱۱} پس بلایی که افسون آن را نخواهی دانست بر تو عارض خواهد شد و مصیبتی که به دفع آن قادر نخواهی شد، تو را فرو خواهد گرفت و هلاکتی که ندانسته‌ای، ناگهان بر تو استیلا خواهد یافت.^{۱۲} پس در افسونگری خود و کثرت سحر خویش که در آنها از طفولیت مشقت کشیده‌ای قائم باش شاید که منفعت توانی برد و شاید که غالب توانی شد.^{۱۳} از فراوانی مشورتهایت خسته شده‌ای؛ پس تقسیم‌کنندگان افلاک و رصد بندگان کواکب و آنانی که در غره ماهها اخبار می‌دهند بایستند و تو را از آنچه بر تو واقع شدنی است نجات دهند.^{۱۴} اینک مثل کاهبن شده، آتش ایشان را خواهد سوزانید که خویشان را از سورت زبانه آن نخواهند رهانید و آن اخگری که خود را نزد آن گرم سازند و آتشی که در برابرش بنشینند نخواهد بود.^{۱۵} آنانی که از ایشان مشقت کشیدی برای تو چنین خواهند شد و آنانی که از طفولیت با تو تجارت می‌کردند هر کس بجای خود آواره خواهد گردید و کسی که تو را رهایی دهد نخواهد بود.

۴۸

ای خاندان یعقوب که به نام اسرائیل مسمی هستید و از آب یهودا صادر شده‌اید، و به اسم یهوه قسم می‌خورید و خدای اسرائیل را ذکر می‌نمایید، اما نه به صداقت و راستی، این را بشنوید.^۱ زیرا که خویشان را از شهر مقدس می‌خوانند و بر خدای اسرائیل که اسمش یهوه صباوت است اعتماد می‌دارند.^۲ چیزهای اول را از قدیم اخبار کردم و از دهان من صادر شده، آنها را اعلام نمودم بغته به عمل آوردم و واقع شد.^۳ چونکه دانستم که تو سخت دل هستی و گردنت بند آهنین و پیشانی تو برنجین است.^۴ بنابراین تو را از قدیم مخبر ساختم و قبل از وقوع تو را اعلام نمودم. مبدا بگویی که بت من آنها را بجا آورده و بت تراشیده و صنم ریخته شده من آنها را امر فرموده است.^۵ چونکه همه این چیزها را شنیدی، آنها را ملاحظه نما. پس آیا شما اعتراف نخواهید کرد، و از این زمان چیزهای تازه را به شما اعلام نمودم و چیزهای مخفی را

که ندانسته بودید؟^۷ در این زمان و نه در ایام قدیم آنها آفریده شد و قبل از امروز آنها را نشنیده بودی، مبادا بگویی اینک این چیزها را می‌دانستم.^۸ البته نشنیده و هر آینه ندانسته و البته گوش تو قبل از این باز نشده بود. زیرا می‌دانستم که بسیار خیانتکار هستی و از رحم (مادرت) عاصی خوانده شدی.^۹ به خاطر اسم خود غضب خویش را به تأخیر خواهیم انداخت و به خاطر جلال خویش بر تو شفقت خواهیم کرد تا تو را منقطع نسازم.^{۱۰} اینک تو را قال گذاشتم اما نه مثل نقره و تو را در کوره مصیبت آزمودم.^{۱۱} به خاطر ذات خود، به خاطر ذات خود این را می‌کنم زیرا که اسم من چرا باید بی‌حرمت شود و جلال خویش را به دیگری نخواهم داد.

^{۱۲} ای یعقوب و ای دعوت شده من اسرائیل بشنو! من او هستم! من اول هستم و آخر هستم!^{۱۳} به تحقیق دست من بنیاد زمین را نهاد و دست راست من آسمانها را گسترانید. وقتی که آنها را می‌خوانم با هم برقرار می‌باشند.^{۱۴} پس همگی شما جمع شده، بشنوید کیست از ایشان که اینها را اخبار کرده باشد. *خداوند* او را دوست می‌دارد، پس مسرت خود را بر بابل بجا خواهد آورد و بازوی او بر کلدانیان فرود خواهد آمد.^{۱۵} من تکلم نمودم و من او را خواندم و او را آوردم تا راه خود را کامران سازد.^{۱۶} به من نزدیک شده، این را بشنوید. از ابتدا در خفا تکلم ننمودم و از زمانی که این واقع شد من در آنجا هستم و الآن خداوند یهوه مرا و روح خود را فرستاده است.^{۱۷} *خداوند* که ولی تو و قدوس اسرائیل است چنین می‌گوید: من یهوه خدای تو هستم و تو را تعلیم می‌دهم تا سود ببری و تو را به راهی که باید بروی هدایت می‌نمایم.^{۱۸} کاش که به اوامر من گوش می‌دادی، آنگاه سلامتی تو مثل نهر و عدالت تو مانند امواج دریا می‌بود.^{۱۹} آنگاه ذریت تو مثل ریگ و ثمره صلب تو مانند ذرات آن می‌بود و نام او از حضور من منقطع و هلاک نمی‌گردید.

^{۲۰} از بابل بیرون شده، از میان کلدانیان بگریزید و این را به آواز ترنم اخبار و اعلام نمایید و آن را تا اقصای زمین شایع ساخته، بگویید که *خداوند* بنده خود یعقوب را فدیة داده است.^{۲۱} و تشنه نخواهند شد اگر چه ایشان را در ویرانه‌ها رهبری نماید، زیرا که آب از صخره برای ایشان جاری خواهد ساخت و صخره را خواهد شکافت تا آنها بجوشد.^{۲۲} و *خداوند* می‌گوید که برای شریران سلامتی نخواهد بود.

ای جزیره‌ها از من بشنوید! و ای طوایف از جای دور گوش دهید! *خداوند*

مرا از رحم دعوت کرده واز احشای مادرم اسم مرا ذکر نموده است.^۲ و دهان مرا مثل شمشیر تیز ساخته، مرا زیر سایه دست خود پنهان کرده است. و مرا تیر صیقلی ساخته در ترکش خود مخفی نموده است.^۳ و مرا گفت: ای اسرائیل تو بنده من هستی که از تو خویشتن را تمجید نموده‌ام! اما من گفتم که عبث زحمت کشیدم و قوت خود را بی‌فایده و باطل صرف کردم؛ لیکن حق من با *خداوند* و اجرت من با خدای من می‌باشد.^۴ و الآن *خداوند* که مرا از رحم برای بندگی خویش سرشت تا یعقوب را نزد او بازآورم و تا اسرائیل نزد وی جمع شوند می‌گوید (و در نظر *خداوند* محترم هستم و خدای من قوت من است)؛ پس می‌گوید: این چیز قلیلی است که بنده من بشوی تا اسباط یعقوب را برپا کنی و ناجیان اسرائیل را باز آوری. بلکه تو را نور امت‌ها خواهم گردانید و تا اقصای زمین نجات من خواهی بود.^۵ *خداوند* که ولی و قدوس اسرائیل می‌باشد، به او که نزد مردم محقر و نزد امت‌ها مکروه و بنده حاکمان است چنین می‌گوید: پادشاهان دیده برپا خواهند شد و سروران سجده خواهند نمود، به سبب *خداوند* که امین است و قدوس اسرائیل که تو را برگزیده است.

^۶*خداوند* چنین می‌گوید: در زمان رضامندی تو را اجابت نمودم و در روز نجات تو را اعانت کردم. و تو را حفظ نموده عهد قوم خواهم ساخت تا زمین را معمور سازی و نصیب‌های خراب شده را (به ایشان) تقسیم نمایی.^۷ و به اسیران بگویی: بیرون روید و به آنانی که در ظلمتند خویشتن را ظاهر سازید. و ایشان در راهها خواهند چرید و مرتعهای ایشان بر همه صحراهای کوهی خواهد بود.^۸ گرسنه و تشنه نخواهند بود و حرارت و آفتاب به ایشان ضرر نخواهد رسانید زیرا آنکه بر ایشان ترحم دارد ایشان را هدایت خواهد کرد و نزد چشمه‌های آب ایشان را رهبری خواهد نمود.^۹ و تمامی کوههای خود را طریق‌ها خواهم ساخت و راههای من بلند خواهد شد.^{۱۰} اینک بعضی از جای دور خواهند آمد و بعضی از شمال و از مغرب و بعضی از دیار سینیم.^{۱۱} ای آسمانها ترنم کنید! و ای زمین وجد نما! و ای کوهها آواز شادمانی دهید! زیرا *خداوند* قوم خود را تسلی می‌دهد و بر مظلومان خود ترحم می‌فرماید.

^{۱۲}اما صهیون می‌گوید: «یهوه مرا ترک نموده و خداوند مرا فراموش کرده است.»^{۱۳} آیا زن بچه شیر خواره خود را فراموش کرده بر پسر رحم خویش ترحم ننماید؟ اینان فراموش

می‌کنند اما من تو را فراموش نخواهم نمود.^{۱۶} اینک تو را بر کف دستهای خود نقش نمودم و حصارهایت دائما در نظر من است.^{۱۷} پسرانت به تعجیل خواهند آمد و آنانی که تو را خراب و ویران کردند از تو بیرون خواهند رفت.^{۱۸} چشمان خود را به هر طرف بلند کرده، ببین جمیع اینها جمع شده، نزد تو می‌آیند. خداوند می‌گوید به حیات خودم قسم که خود را به جمیع اینها مثل زیور ملبس خواهی ساخت و مثل عروس خویشان را به آنها خواهی آراست.^{۱۹} زیرا خرابه‌ها و ویرانه‌های تو و زمین تو که تباه شده بود، اما الآن تو از کثرت ساکنان تنگ خواهی شد و هلاک کنندگانت دور خواهند گردید.^{۲۰} پسران تو که بی‌اولاد می‌بودی، در سمع تو (به یکدیگر) خواهند گفت: این مکان برای من تنگ است، مرا جایی بده تا ساکن شوم.^{۲۱} و تو دردل خود خواهی گفت: کیست که اینها را برای من زاییده است و حال آنکه من بی‌اولاد و نازاد و جلای وطن و متروک می‌بودم. پس کیست که اینها را پرورش داد. اینک من به تنهایی ترک شده بودم پس اینها کجا بودند؟

^{۲۲} خداوند یهوه چنین می‌گوید: اینک من دست خود را بسوی امت‌ها دراز خواهم کرد و علم خویش را بسوی قوم‌ها خواهم برافراشت. و ایشان پسرانت را در آغوش خود خواهند آورد و دخترانت بر دوش ایشان برداشته خواهند شد.^{۲۳} و پادشاهان لالاهای تو و ملکه‌های ایشان دایه‌های تو خواهند بود و نزد تو رو به زمین افتاده، خاک پای تو را خواهند لیسید و تو خواهی دانست که من یهوه هستم و آنانی که منتظر من باشند، خجل خواهند گردید.

^{۲۴} آیا غنیمت از جبار گرفته شود یا اسیران از مرد قاهر رهانیده گردند.^{۲۵} زیرا خداوند چنین می‌گوید: اسیران نیز از جبار گرفته خواهند شد و غنیمت از دست ستم پیشه رهانیده خواهد گردید. زیرا که من با دشمنان تو مقاومت خواهم نمود و من پسران تو را نجات خواهم داد.^{۲۶} و به آنانی که بر تو ظلم نمایند گوشت خودشان را خواهم خورانید و به خون خود مثل شراب مست خواهند شد و تمامی بشر خواهند دانست که من یهوه نجات‌دهنده تو و ولی تو و قدیر یعقوب هستم.

۵۰ خداوند چنین می‌گوید: طلاق نامه مادر شما که او را طلاق دادم کجا است؟

یا کیست از طلبکاران من که شما را به او فروختم؟ اینک شما به سبب گناهان خود فروخته شدید و مادر شما به جهت تقصیرهای شما طلاق داده شد. ^۲ چون آمدم چرا کسی نبود؟ و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟ آیا دست من به هیچ وجه کوتاه شده که نتواند نجات دهد یا در من قدرتی نیست که رهایی دهم؟ اینک به عتاب خود دریا را خشک می‌کنم و نهرها را بیابان می‌سازم که ماهی آنها از بی‌آبی متعفن شود و از تشنگی بمیرد. ^۳ آسمان را به ظلمت ملبس می‌سازم و پلاس را پوشش آن می‌گردانم.»

^۴ خداوند یهوه زبان تلامیذ را به من داده است تا بدانم که چگونه خستگان را به کلام تقویت دهم. هر بامداد بیدار می‌کند. گوش مرا بیدار می‌کند تا مثل تلامیذ بشنوم. ^۵ خداوند یهوه گوش مرا گشود و مخالفت نکردم و به عقب برنگشتم. ^۶ پشت خود را به زندگان و رخسار خود را به موکنان دادم و روی خود را از رسوایی و آب دهان پنهان نکردم. ^۷ چونکه خداوند یهوه مرا اعانت می‌کند، پس رسوا نخواهم شد، از این جهت روی خود را مثل سنگ خارا ساختم و می‌دانم که خجل نخواهم گردید. ^۸ آنکه مرا تصدیق می‌کند نزدیک است. پس کیست که با من مخاصمه نماید تا با هم بایستیم و کیست که بر من دعوی نماید پس او نزدیک من بیاید؟ ^۹ اینک خداوند یهوه مرا اعانت می‌کند؛ پس کیست مرا ملزم سازد؟ همانا همگی ایشان مثل رخت مندرس شده، بید ایشان را خواهد خورد.

^{۱۰} کیست از شما که از خداوند می‌ترسد و آواز بنده او را می‌شنود؟ هر که در ظلمت سالک باشد و روشنایی ندارد، او به اسم یهوه توکل نماید و به خدای خویش اعتماد بکند. ^{۱۱} هان جمیع شما که آتش می‌افروزید و کمر خود را به مشعلها می‌بندید، در روشنایی آتش خویش و در مشعلهایی که خود افروخته‌اید سالک باشید، اما این از دست من به شما خواهد رسید که در اندوه خواهید خوابید.

ای پیروان عدالت و طالبان خداوند مرا بشنوید! به صخره‌ای که از آن قطع

گشته و به حفره چاهی که از آن کنده شده‌اید، نظر کنید.^۲ به پدر خود ابراهیم و به ساره که شما را زایید نظر نمایید زیرا او یک نفر بود چینی که او را دعوت نمودم و او را برکت داده، کثیر گردانیدم.^۳ به تحقیق خداوند صهیون را تسلی داده، تمامی خرابه‌هایش را تسلی بخشیده است و بیابان او را مثل عدن و هامون او را مانند جنت خداوند ساخته است. خوشی و شادی در آن یافت می‌شود و تسبیح و آواز ترنم.

آی قوم من به من توجه نمایید و ای طایفه من به من گوش دهید. زیرا که شریعت از نزد من صادر می‌شود و داوری خود را برقرار می‌کنم تا قوم‌ها را روشنایی بشود.^۴ عدالت من نزدیک است و نجات من ظاهر شده، بازوی من قوم‌ها را داوری خواهد نمود و جزیره‌ها منتظر من شده، به بازوی من اعتماد خواهند کرد.^۵ چشمان خود را بسوی آسمان برافرازید و پایین بسوی زمین نظر کنید زیرا که آسمان مثل دود از هم خواهد پاشید و زمین مثل جامه مندرس خواهد گردید و ساکنانش همچنین خواهند مرد. اما نجات من تا به ابد خواهد ماند و عدالت من زایل نخواهد گردید.

آی شما که عدالت را می‌شناسید! و ای قومی که شریعت من در دل شما است! مرا بشنوید. از مذمت مردمان مترسید و از دشنام ایشان هراسان مشوید.^۶ زیرا که بید ایشان را مثل جامه خواهد زد و کرم ایشان را مثل پشم خواهد خورد اما عدالت من تا ابدالآباد و نجات من نسلا بعد نسل باقی خواهد ماند.^۷ بیدار شو ای بازوی خداوند، بیدار شو و خویشتن را با قوت ملبس ساز. مثل ایام قدیم و دوره‌های سلف بیدار شو. آیا تو آن نیستی که رهب را قطع نموده، ازدها را مجروح ساختی.^۸ آیا تو آن نیستی که دریا و آبهای لجه عظیم را خشک کردی و عمق‌های دریا را راه ساختی تا فدیة شدگان عبور نمایند؟^۹ و فدیة شدگان خداوند بازگشت نموده، با ترنم به صهیون خواهند آمد و خوشی جاودانی بر سر ایشان خواهد بود و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد.

^{۱۰} من هستم، من که شما را تسلی می‌دهم. پس تو کیستی که از انسانی که می‌میرد می‌ترسی و از پسر آدم که مثل گیاه خواهد گردید؟^{۱۱} و خداوند را که آفریننده تو است که آسمانها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد فراموش کرده‌ای و دائما تمامی روز از خشم ستمکار

وقتی که به جهت هلاک کردن مهیا می‌شود می‌ترسی؟ و خشم ستمکار کجا است؟^{۱۴} اسیران ذلیل بزودی رها خواهند شد و در حفره نخواهند مرد و نان ایشان کم نخواهد شد.^{۱۵} زیرا من یهوه خدای تو هستم که دریا را به تلاطم می‌آورم تا امواجش نعره زنند، یهوه صباوت اسم من است.^{۱۶} و من کلام خود را در دهان تو گذاشتم و تو را زیر سایه دست خویش پنهان کردم تا آسمانها غرس نمایم و بنیاد زمینی نهم و صهیون را گویم که تو قوم من هستی.

^{۱۷}خویشتن را برانگیز ای اورشلیم! خویشتن را برانگیخته، برخیز! ای که از دست خداوند کاسه غضب او را نوشیدی و درد کاسه سرگیجی را نوشیده، آن را تا ته آشامیدی.^{۱۸} از جمیع پسرانی که زاییده است یکی نیست که او را رهبری کند و از تمامی پسرانی که تربیت نموده، کسی نیست که او را دستگیری نماید.^{۱۹} این دو بلا بر تو عارض خواهد شد؛ کیست که برای تو ماتم کند؟ یعنی خرابی و هلاکت و قحط و شمشیر، پس چگونه تو را تسلی دهم.^{۲۰} پسران تو را ضعف گرفته، به سر همه کوچه‌ها مثل آهو در دام خوابیده‌اند. و ایشان از غضب خداوند و از عتاب خدای تو مملو شده‌اند.^{۲۱} پس ای زحمت کشیده این را بشنو! و ای مست شده اما نه از شراب!^{۲۲} خداوند تو یهوه و خدای تو که در دعوی قوم خود ایستادگی می‌کند چنین می‌گوید: اینک کاسه سرگیجی را و درد کاسه غضب خویش را از تو خواهم گرفت و آن را بار دیگر نخواهی آشامید.^{۲۳} و آن را به دست آنانی که بر تو ستم می‌نمایند می‌گذارم که به جان تو می‌گویند: خم شو تا از تو بگذریم و تو پشت خود را مثل زمین و مثل کوچه به جهت راه گذریان گذاشته‌ای.

۵۲ بیدار شو ای صهیون! بیدار شو و قوت خود را بیوش ای شهر مقدس اورشلیم! لباس زیبایی خویش را در بر کن زیرا که نامختون و ناپاک بار دیگر داخل تو نخواهد شد. ای اورشلیم خود را از گرد بیفشان و برخاسته، بنشین! و ای دختر صهیون که اسیر شده‌ای بندهای گردن خود را بگشا!^۱ زیرا خداوند چنین می‌گوید: مفت فروخته کشتید و بی‌نقره فدیة داده خواهید شد.^۲ چونکه خداوند یهوه چنین می‌گوید: که در ایام سابق قوم من به مصر فرود شدند تا در آنجا ساکن شوند و بعد از آن آشور بر ایشان بی‌سبب ظلم نمودند.^۳ اما الآن خداوند می‌گوید:

در اینجا مرا چه کار است که قوم من مجانا گرفتار شده‌اند. و خداوند می‌گوید: آنانی که بر ایشان تسلط دارند صیحه می‌زنند و نام من دائما هر روز اهانت می‌شود. بنابراین قوم من اسم مرا خواهند شناخت. و در آن روز خواهند فهمید که تکلم کننده من هستم، هان من هستم.

^۷چه زیبا است بر کوهها پایهای مبشر که سلامتی را ندا می‌کند و به خیرات بشارت می‌دهد و نجات را ندا می‌کند و به صهیون می‌گوید که خدای تو سلطنت می‌نماید. ^۸آواز دیده‌بانان تو است که آواز خود را بلند کرده، با هم ترنم می‌نمایند، زیرا وقتی که خداوند به صهیون رجعت می‌کند ایشان معاینه خواهند دید. ^۹ای خرابه‌های اورشلیم به آواز بلند با هم ترنم نمایید، زیرا خداوند قوم خود را تسلی داده، و اورشلیم را فدیة نموده است. ^{۱۰}خداوند ساعد قدوس خود را در نظر تمامی امت‌ها بالا زده است و جمیع کرانه‌های زمین نجات خدای ما را دیده‌اند. ^{۱۱}ای شما که ظروف خداوند را برمی‌دارید، به یک سو شوید، به یک سو شوید و از اینجا بیرون روید و چیز ناپاک را لمس ننمایید و از میان آن بیرون رفته، خویشتن را طاهر سازید. ^{۱۲}زیرا که به تعجیل بیرون نخواهید رفت و گریزان روانه نخواهید شد، چونکه یهوه پیش روی شما خواهد خرامید و خدای اسرائیل ساقه شما خواهد بود.

^{۱۳}اینک بنده من با عقل رفتار خواهد کرد و عالی و رفیع و بسیار بلند خواهد شد. ^{۱۴}چنانکه بسیاری از تو در عجب بودند (از آن جهت که منظر او از مردمان و صورت او از بنی‌آدم بیشتر تباه گردیده بود). ^{۱۵}همچنان بر امت‌های بسیار خواهد پاشید و به سبب او پادشاهان دهان خود را خواهند بست زیرا چیزهایی را که برای ایشان بیان نشده بود خواهند دید و آنچه را که نشنیده بودند خواهند فهمید.

۵۳ کیست که خبر ما را تصدیق نموده و کیست که ساعد خداوند بر او منکشف شده باشد؟ ^۱زیرا به حضور وی مثل نهال و مانند ریشه در زمین خشک خواهد روید. او را نه صورتی و نه جمالی می‌باشد. و چون او را می‌نگریم منظری ندارد که مشتاق او باشیم. ^۲خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غمها و رنج دیده و مثل کسی که رویها را از او بیوشانند و خوار شده که او را به حساب نیاوردیم.

لکن او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم. ^۵ و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم. ^۶ جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بروی نهاد.

^۷ او مظلوم شد اما تواضع نموده، دهان خود را ننگشود. مثل بره‌ای که برای ذبح می‌برند و مانند گوسفندی که نزد پشم برنده‌اش بی‌زبان است همچنان دهان خود را ننگشود. ^۸ از ظلم و از داوری گرفته شد. و از طبقه او که تفکر نمود که او از زمین زندگان منقطع شد و به جهت گناه قوم من مضروب گردید؟ ^۹ و قبر او را با شیرین تعیین نمودند و بعد از مردنش با دولتمندان. هرچند هیچ ظلم نکرد و در دهان وی حيله‌ای نبود.

^{۱۰} اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت، آنگاه ذریت خود را خواهد دید و عمر او دراز خواهد شد و مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود. ^{۱۱} ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. و بنده عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید زیرا که او گناهان ایشان را بر خویشتن حمل خواهد نمود. ^{۱۲} بنابراین او را در میان بزرگان نصیب خواهیم داد و غنیمت را با زورآوران تقسیم خواهد نمود، به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود.

۵۴ ای عاقره‌ای که نزاییده‌ای بسرا! ای که درد زه نکشیده‌ای به آواز بلند ترنم نما و فریاد برآور! زیرا خداوند می‌گوید پسران زن بی‌کس از پسران زن منکوحه زیاده‌اند. ^۲ مکان خیمه خود را وسیع گردان و پرده‌های مسکن‌های تو پهن بشود دریغ مدار و طنابهای خود را دراز کرده، میخ‌هایت را محکم بساز. ^۳ زیرا که بطرف راست و چپ منتشر خواهی شد و ذریت تو امت‌ها را تصرف خواهند نمود و شهرهای ویران را مسکون خواهند ساخت. ^۴ مترس زیرا که خجل نخواهی شد و مشوش مشو زیرا که رسوا نخواهی گردید. چونکه خجالت جوانی خویش را فراموش

خواهی کرد و عار بیوگی خود را دیگر به یاد نخواهی آورد.^۵ زیرا که آفریننده تو که اسمش یهوه صباوت است شوهر تو است، و قدوس اسرائیل که به خدای تمام جهان مسمی^۱ است ولی تو می‌باشد. زیرا خداوند تو را مثل زن مهجور و رنجیده دل خوانده است و مانند زوجه جوانی که ترک شده باشد. خدای تو این را می‌گوید.^۶ زیرا تو را به اندک لحظه‌ای ترک کردم اما به رحمت‌های عظیم تو را جمع خواهم نمود.^۷ و خداوند ولی تو می‌گوید: به جوشش غضبی خود را از تو برای لحظه‌ای پوشانیدم اما به احسان جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود.^۸ زیرا که این برای من مثل آبهای نوح می‌باشد. چنانکه قسم خوردم که آبهای نوح بار دیگر بر زمین جاری نخواهد شد، همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکنم و تو را عتاب ننمایم.^۹ هرآینه کوهها زایل خواهد شد و تلها متحرک خواهد گردید، لیکن احسان من از تو زایل نخواهد شد و عهد سلامتی من متحرک نخواهد گردید. خداوند که بر تو رحمت می‌کند این را می‌گوید.

^{۱۱} ای رنجانیده و مضطرب شده که تسلی نیافته‌ای، اینک من سنگهای تو را در سنگ سرمه نصب خواهم کرد و بنیاد تو را در یاقوت زرد خواهم نهاد.^{۱۲} و مناره‌های تو را از لعل و دروازه‌های تو را از سنگهای بهرمان و تمامی حدود تو را از سنگهای گران قیمت خواهم ساخت.^{۱۳} و جمیع پسرانت از خداوند تعلیم خواهند یافت و پسرانت را سلامتی عظیم خواهد بود.^{۱۴} در عدالت ثابت شده و از ظلم دور مانده، نخواهی ترسید و هم از آسفتگی دور خواهی ماند و به تو نزدیکی نخواهد نمود.^{۱۵} همانا جمع خواهند شد اما نه به اذن من. آنانی که به ضد تو جمع شوند به سبب تو خواهند افتاد.^{۱۶} اینک من آهنگری را که زغال را به آتش دمیده، آلتی برای کار خود بیرون می‌آورد، آفریدم. و من نیز هلاک کننده را برای خراب نمودن آفریدم.^{۱۷} هر آلتی که به ضد تو ساخته شود، پیش نخواهد برد و هر زبانی را که برای محاکمه به ضد تو برخیزد، تکذیب خواهی نمود. این است نصیب بندگان خداوند و عدالت ایشان از جانب من. خداوند می‌گوید.

۵۵ ای جمیع تشنگان نزد آبها بیایید، و همه شما که نقره ندارید بیایید بخرید و بخورید. بیایید و شراب و شیر را بی‌نقره و بی‌قیمت بخرید.^۱ چرا نقره را برای آنچه نان نیست و مشقت خویش را برای آنچه سیر نمی‌کند صرف می‌کنید. گوش داده، از من بشنوید و چیزهای

نیکو را بخورید تا جان شما از فربهی متلذذ شود.^۳ گوش خود را فرا داشته، نزد من بیایید و تا جان شما زنده گردد بشنوید و من با شما عهد جاودانی یعنی رحمت‌های امین داود را خواهم بست. ^۴ اینک من او را برای طوایف شاهد گردانیدم. رئیس و حاکم طوایف. ^۵ هان امتی را که نشناخته بودی دعوت خواهی نمود، و امتی که تو را نشناخته بودند، نزد تو خواهند دوید. به خاطر یهوه که خدای تو است و قدوس اسرائیل که تو را تمجید نموده است.

^۶ خد/وند را مادامی که یافت می‌شود بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید. ^۷ شیر راه خود را و گناه کار افکار خویش را ترک نماید و بسوی خد/وند بازگشت کند و بر وی رحمت خواهد نمود و بسوی خدای ما که مغفرت عظیم خواهد کرد. ^۸ زیرا خد/وند می‌گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق‌های شما طریق‌های من نی. ^۹ زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق‌های من از طریق‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می‌باشد. ^{۱۰} و چنانکه باران و برف از آسمان می‌بارد و به آنجا بر نمی‌گردد بلکه زمین را سیراب کرده، آن را بارور و برومند می‌سازد و برزگر را تخم و خورنده را نان می‌بخشد، ^{۱۱} همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بی‌ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهد گردید. ^{۱۲} زیرا که شما با شادمانی بیرون خواهید رفت و با سلامتی هدایت خواهید شد. کوهها و تلهها در حضور شما به شادی ترنم خواهند نمود و جمیع درختان صحرا دستک خواهند زد. ^{۱۳} به جای درخت خار صنوبر و به جای خس آس خواهد روید و برای خد/وند اسم و آیت جاودانی که منقطع نشود خواهد بود.

۵۶ و خد/وند چنین می‌گوید: انصاف را نگاه داشته، عدالت را جاری نمایید، زیرا که آمدن نجات من و منکشف شدن عدالت من نزدیک است. ^۲ خوشابحال انسانی که این را بجا آورد و بنی‌آدمی که به این متمسک گردد، که سبت را نگاه داشته، آن را بی‌حرمت نکند و دست خویش را از هر عمل بد باز دارد. ^۳ پس غریبی که با خد/وند مقترن شده باشد، تکلم نکند و نگوید که خد/وند مرا از قوم خود جدا نموده است و خصی هم نگوید که اینک من درخت خشک هستم. ^۴ زیرا خد/وند درباره خصیهایی که سبت‌های مرا نگاه دارند و آنچه را که من خوش دارم

اختیار نمایند و به عهد من متمسک گردند، چنین می‌گوید^ه که به ایشان در خانه خود و در اندرون دیوارهای خویش یادگاری و اسمی بهتر از پسران و دختران خواهم داد. اسمی جاودانی که منقطع نخواهد شد به ایشان خواهم بخشید. ^و غریبانی که با *خد/وند* مقترن شده، او را خدمت نمایند و اسم *خد/وند* را دوست داشته، بنده او بشوند. یعنی همه کسانی که سبت را نگاه داشته، آن را بی‌حرمت نسازند و به عهد من متمسک شوند. ^یایشان را به کوه قدس خود خواهم آورد و ایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهم ساخت و قربانی‌های سوختنی و ذبایح ایشان بر مذبح من قبول خواهد شد، زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمامی قوم‌ها مسمی^ا خواهد شد. ^و خداوند یهوه که جمع‌کننده رانده‌شدگان اسرائیل است می‌گوید که بعد از این دیگران را با ایشان جمع خواهم کرد علاوه بر آنانی که از ایشان جمع شده‌اند.

^اای تمام حیوانات صحرا و ای جمیع حیوانات جنگل بیایید و بخورید! ^ادیده‌بانان او کورند، جمیع ایشان معرفت ندارند و همگی ایشان سگان گنگ‌اند که نمی‌توانند بانگ کنند. خواب می‌بینند و دراز شده، خفتن را دوست می‌دارند. ^او این سگان حریصند که نمی‌توانند سیر بشوند و ایشان شبانند که نمی‌توانند بفهمند. جمیع ایشان به راه خود میل کرده، هر یکی بطرف خود طالب سود خویش می‌باشد. ^ا(و می‌گویند) بیایید شراب بیاوریم و از مسکرات مست شویم و فردا مثل امروز روز عظیم بلکه بسیار زیاده خواهد بود.

۵۷ مرد عادل تلف شد و کسی نیست که این را در دل خود بگذراند و مردان رؤف برداشته شدند و کسی فکر نمی‌کند که عادلان از معرض بلا برداشته می‌شوند. ^اآنانی که به استقامت سالک می‌باشند، به سلامتی داخل شده، بر بسترهای خویش آرامی خواهند یافت. ^او اما شما ای پسران ساحره و اولاد فاسق و زانیه به اینجا نزدیک آید! ^ابر که تمسخر می‌کنید و بر که دهان خود را باز می‌کنید و زبان را دراز می‌نمایید؟ آیا شما اولاد عصیان و ذریت کذب نیستید ^هکه در میان بلوطها و زیر هر درخت سبز خویشتن را به حرارت می‌آورید و اطفال را در وادیها زیر شکاف صخره‌ها ذبح می‌نمایید؟

در میان سنگهای ملسای وادی نصیب تو است همینها قسمت تو می‌باشد. برای آنها نیز هدیه ریختنی ریختی و هدیه آردی گذرانیدی آیا من از اینها تسلی خواهم یافت؟^۷ بر کوه بلند و رفیع بستر خود را گستردی و به آنجا نیز برآمده، قربانی گذرانیدی.^۸ و پشت درها و باهوها یادگار خود را واگذاشتی زیرا که خود را به کسی دیگر غیر از من مکشوف ساختی و برآمده، بستر خود را پهن کردی و درمیان خود و ایشان عهد بسته، بستر ایشان را دوست داشتی جایی که آن را دیدی.^۹ و با روغن در حضور پادشاه رفته، عطریات خود را بسیار کردی و رسولان خود را بجای دور فرستاده، خویشان را تا به هاویه پست گردانیدی.^{۱۰} از طولانی بودن راه درمانده شدی اما نگفتی که امید نیست. تازگی قوت خود را یافتی پس از این جهت ضعف بهم نرسانیدی.^{۱۱} از که ترسان و هراسان شدی که خیانت ورزیدی و مرا بیاد نیاورده، این را در دل خود جا ندادی؟ آیا من از زمان قدیم نیز ساکت نماندم پس از این جهت از من نترسیدی؟^{۱۲} من عدالت و اعمال تو را بیان خواهم نمود که تو را منفعت نخواهد داد.^{۱۳} چون فریاد برمی‌آوری اندوخته‌های خودت تو را خلاصی بدهد و لکن باد جمیع آنها را خواهد برداشت و نفس آنها را خواهد برد. اما هر که بر من توکل دارد مالک زمین خواهد بود و وارث جبل قدس من خواهد گردید.^{۱۴} و گفته خواهد شد برافرازید! راه را برافرازید و مهیا سازید! و سنگ مصادم را از طریق قوم من بردارید!^{۱۵} زیرا او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می‌باشد و اسم او قدوس است چنین می‌گوید: من در مکان عالی و مقدس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد، تا روح متواضعان را احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم.^{۱۶} زیرا که تا به ابد مخاصمه نخواهم نمود و همیشه خشم نخواهم کرد مبادا روحها و جانهایی که من آفریدم به حضور من ضعف به هم رسانند.^{۱۷} به سبب گناه طمع وی غضبناک شده، او را زدم و خود را مخفی ساخته، خشم نمودم و او به راه دل خود رو گردانیده، برفت.^{۱۸} طریق‌های او را دیدم و او را شفا خواهم داد و او را هدایت نموده، به او و به آنانی که با وی ماتم گیرند تسلی بسیار خواهم داد.^{۱۹} خداوند که آفریننده ثمره لبها است می‌گوید: بر آنانی که دورند سلامتی باد و بر آنانی که نزدیکند سلامتی باد و من ایشان را شفا خواهم بخشید.^{۲۰} اما شیران مثل دریای متلاطم که نمی‌تواند آرام گیرد و آبهای گل و لجن برمی‌اندازد می‌باشند.^{۲۱} خدای من می‌گوید که شیران را سلامتی نیست.

آواز خود را بلند کن و دریغ مدار و آواز خود را مثل کرنا بلند کرده، به

قوم من تقصیر ایشان را و به خاندان یعقوب گناهان ایشان را اعلام نما. ^۲ و ایشان هر روز مرا می‌طلبند و از دانستن طریق‌های من مسرور می‌باشند. مثل امتی که عدالت را بجا آورده، حکم خدای خود را ترک ننمودند. احکام عدالت را از من سؤال نموده، از تقرب جستن به خدا مسرور می‌شوند ^۳ (و می‌گویند): چرا روزه داشتیم و ندیدی و جانهای خویش را رنجانیدیم و ندانستی. اینک شما در روز روزه خویش خوشی خود را می‌یابید و بر عمل‌های خود ظلم می‌نمایید. ^۴ اینک به جهت نزاع و مخاصمه روزه می‌گیرید و به لطمه شرارت می‌زنید. امروز روزه نمی‌گیرید که آواز خود را در اعلیٰ علیین بشنوانید. ^۵ آیا روزه‌ای که من می‌پسندم مثل این است، روزی که آدمی جان خود را برنجاند و سر خود را مثل نی خم ساخته، پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند؟ آیا این را روزه و روز مقبول *خد/وند* می‌خوانی؟

^۶ مگر روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشایید و گره‌های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید؟ ^۷ مگر این نیست که نان خود را به گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چون برهنه را ببینی او را بپوشانی و خود را از آنانی که از گوشت تو می‌باشند مخفی نسازی؟ ^۸ آنگاه نور تو مثل فجر طالع خواهد شد و صحت تو بزودی خواهد رویید و عدالت تو پیش تو خواهد خرامید و جلال *خد/وند* ساقه تو خواهد بود. ^۹ آنگاه دعا خواهی کرد و *خد/وند* تو را اجابت خواهد فرمود و استغاثه خواهی نمود و او خواهد گفت که اینک حاضر هستم. اگر یوغ و اشاره کردن به انگشت و گفتن ناحق را از میان خود دور کنی، ^{۱۰} و آرزوی جان خود را به گرسنگان ببخشی و جان ذلیلان را سیر کنی، آنگاه نور تو در تاریکی خواهد درخشید و تاریکی غلیظ تو مثل ظهر خواهد بود. ^{۱۱} و *خد/وند* تو را همیشه هدایت نموده، جان تو را در مکان‌های خشک سیر خواهد کرد و استخوانهایت را قوی خواهد ساخت و تو مثل باغ سیرآب و مانند چشمه آب که آبش کم نشود خواهی بود. ^{۱۲} و کسان تو خرابه‌های قدیم را بنا خواهند نمود و تو اساسهای دوره‌های بسیار را برپا خواهی داشت و تو را عمارت کننده رخنه‌ها و مرمت کننده کوجه‌ها برای سکونت خواهند خواند.

^{۱۳} اگر پای خود را از سبت نگاه داری و خوشی خود را در روز مقدس من بجا نیاوری و سبت را خوشی و مقدس *خد/وند* و محترم بخوانی و آن را محترم داشته، به راههای خود رفتار

نمایی و خوشی خود را نجویی و سخنان خود را نگویی،^۴ آنگاه در خداوند متلذذ خواهی شد و تو را بر مکان‌های بلند زمین سوار خواهم کرد. و نصیب پدرت یعقوب را به تو خواهم خورانید، زیرا که دهان خداوند این را گفته است.

۵۹

دهان دست خداوند کوتاه نیست تا نرھاند و گوش او سنگین نی تا نشنود. لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود. زیرا که دستهای شما به خون و انگشتهای شما به شرارت آلوده شده است. لبهای شما به دروغ تکلم می‌نماید و زبانهای شما به شرارت تنطق می‌کند. احدی به عدالت دعوی نمی‌کند و هیچکس به راستی داوری نمی‌نماید. به بطالت توکل دارند و به دروغ تکلم می‌نمایند. به ظلم حامله شده، شرارت را می‌زایند. از تخمهای افعی بچه برمی‌آورند و پرده عنکبوت می‌بافند. هر که از تخمهای ایشان بخورد می‌میرد و آن چون شکسته گردد افعی بیرون می‌آید. پُرده‌های ایشان لباس نخواهد شد و خویشان را از اعمال خود نخواهند پوشانید زیرا که اعمال ایشان اعمال شرارت است و عمل ظلم در دستهای ایشان است. پایهای ایشان برای بدی دوان و به جهت ریختن خون بی‌گناهان شتابان است. افکار ایشان افکار شرارت است و در راههای ایشان ویرانی و خرابی است. طریق سلامتی را نمی‌دانند و در راههای ایشان انصاف نیست. جاده‌های کج برای خود ساخته‌اند و هر که در آنها سالک باشد سلامتی را نخواهد دانست.

^۹ بنابراین انصاف از ما دور شده است و عدالت به ما نمی‌رسد. انتظار نور می‌کشیم و اینک ظلمت است و منتظر روشنایی هستیم، اما در تاریکی غلیظ سالک می‌باشیم. ^{۱۰} و مثل کوران برای دیوار تلمس می‌نماییم و مانند بی‌چشمان کورانه راه می‌رویم. در وقت ظهر مثل شام لغزش می‌خوریم و در میان تندرستان مانند مردگانیم. ^{۱۱} جمیع ما مثل خرسها صدا می‌کنیم و مانند فاخته‌ها ناله می‌نماییم، برای انصاف انتظار می‌کشیم و نیست و برای نجات و از ما دور می‌شود.

^{۱۲} زیرا که خطایای ما به حضور تو بسیار شده و گناهان ما به ضد ما شهادت می‌دهد چونکه خطایای ما با ما است و گناهان خود را می‌دانیم. ^{۱۳} مرتد شده، خداوند را انکار نمودیم. از پیروی خدای خود انحراف ورزیدیم به ظلم و فتنه تکلم کردیم و به سخنان کذب حامله شده، از

دل آنها را تنطق نمودیم.^{۱۴} و انصاف به عقب رانده شده و عدالت از ما دور ایستاده است زیرا که راستی در کوچه‌ها افتاده است و استقامت نمی‌تواند داخل شود.^{۱۵} و راستی مفقود شده است و هر که از بدی اجتناب نماید خود را به یغما می‌سپارد. و چون *خد/وند* این را دید در نظر او بد آمد که انصاف وجود نداشت.^{۱۶} و او دید که کسی نبود و تعجب نمود که شفاعت کننده‌ای وجود نداشت؛ از این جهت بازوی وی برای او نجات آورد و عدالت او وی را دستگیری نمود.^{۱۷} پس عدالت را مثل زره پوشید و خود نجات را بر سر خویش نهاد. و جامه انتقام را به جای لباس در بر کرد و غیرت را مثل ردا پوشید.^{۱۸} بر وفق اعمال ایشان، ایشان را جزا خواهد داد. به خصمان خود حدت خشم را و به دشمنان خویش مکافات و به جزایر پاداش را خواهد رسانید.^{۱۹} و از طرف مغرب از نام یهوه و از طلوع آفتاب از جلال وی خواهند ترسید زیرا که او مثل نهر سرشاری که باد *خد/وند* آن را براند خواهد آمد.^{۲۰} و *خد/وند* می‌گوید که نجات دهنده‌ای برای صهیون و برای آنانی که در یعقوب از معصیت بازگشت نمایند خواهد آمد.^{۲۱} و *خد/وند* می‌گوید: اما عهد من با ایشان این است که روح من که بر تو است و کلام من که در دهان تو گذاشته‌ام از دهان تو و از دهان ذریت تو و از دهان ذریت تو دور نخواهد شد. *خد/وند* می‌گوید: از الآن و تا ابدالآباد.

۶۰ برخیز و درخشان شو زیرا نور تو آمده و جلال *خد/وند* بر تو طالع گردیده است.^۲ زیرا اینک تاریکی جهان را و ظلمت غلیظ طوایف را خواهد پوشانید اما *خد/وند* بر تو طلوع خواهد نمود و جلال وی بر تو ظاهر خواهد شد.^۳ و امت‌ها بسوی نور تو و پادشاهان بسوی درخشندگی طلوع تو خواهند آمد.^۴ چشمان خود را به اطراف خویش برافراز و ببین که جمیع آنها جمع شده، نزد تو می‌آیند. پسرانت از دور خواهند آمد و دخترانت را در آغوش خواهند آورد.^۵ آنگاه خواهی دید و خواهی درخشید و دل تو لرزان شده، وسیع خواهد گردید، زیرا که توانگری دریا بسوی تو گردانیده خواهد شد و دولت امت‌ها نزد تو خواهد آمد.^۶ کثرت شتران و جمازگان مدیان و عیفه تو را خواهند پوشانید. جمیع اهل شیع خواهند آمد و طلا و بخور آورده، به تسبیح *خد/وند* بشارت خواهند داد.^۷ جمیع گله‌های قیدار نزد تو جمع خواهند شد و قوچهای نبیوت تو را

خدمت خواهند نمود. به مذبح من با پذیرایی برخوانند آمد و خانه جلال خود را زینت خواهم داد.

^۸ اینها کیستند که مثل ابر پرواز می‌کنند و مانند کبوتران بر وزنه‌های خود؟^۹ به درستی که جزیره‌ها و کشتیهای ترشیش اول انتظار مرا خواهند کشید تا پسران تو را از دور و نقره و طلای ایشان را با ایشان بیاورند، به جهت اسم یهوه خدای تو و به جهت قدوس اسرائیل زیرا که تو را زینت داده است.^{۱۰} و غریبان، حصارهای تو را بنا خواهند نمود و پادشاهان ایشان تو را خدمت خواهند کرد زیرا که در غضب خود تو را زدم لیکن به لطف خویش تو را ترحم خواهم نمود.^{۱۱} دروازه‌های تو نیز دائماً باز خواهد بود و شب و روز بسته نخواهد گردید تا دولت امت‌ها را نزد تو بیاورند و پادشاهان ایشان همراه آورده شوند.^{۱۲} زیرا هر امتی و مملکتی که تو را خدمت نکند تلف خواهد شد و آن امت‌ها تماماً هلاک خواهند گردید.

^{۱۳} جلال لبنان با درختان صنوبر و کاج و چنار با هم برای تو آورده خواهند شد تا مکان مقدس مرا زینت دهند و جای پایهای خود را تمجید خواهم نمود.^{۱۴} و پسران آنانی که تو را ستم می‌رسانند خم شده، نزد تو خواهند آمد و جمیع آنانی که تو را اهانت می‌نمایند نزد کف پایهای تو سجده خواهند نمود و تو را شهر یهوه و صهیون قدوس اسرائیل خواهند نامید.^{۱۵} به عوض آنکه تو متروک و مبعوض بودی و کسی از میان تو گذر نمی‌کرد. من تو را فخر جاودانی و سرور دهرهای بسیار خواهم گردانید.^{۱۶} و شیر امت‌ها را خواهی مکید و پستانهای پادشاهان را خواهی مکید و خواهی فهمید که من یهوه نجات دهنده تو هستم و من قدیر اسرائیل، ولی تو می‌باشم.^{۱۷} به جای برنج، طلا خواهم آورد و به جای آهن، نقره و به جای چوب، برنج و به جای سنگ، آهن خواهم آورد و سلامتی را ناظران تو و عدالت را حاکمان تو خواهم گردانید.^{۱۸} و بار دیگر ظلم در زمین تو و خرابی و ویرانی در حدود تو مسموع نخواهد شد و حصارهای خود را نجات و دروازه‌های خویش را تسبیح خواهی نامید.^{۱۹} و بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید زیرا که یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود.^{۲۰} و بار دیگر آفتاب تو غروب نخواهد کرد و ماه تو زوال نخواهد پذیرفت زیرا که یهوه برای تو نور جاودانی خواهد بود و روزهای نوحه‌گری تو تمام خواهد شد.^{۲۱} و جمیع قوم تو عادل خواهند بود و زمین را تا به ابد متصرف خواهند شد. شاخه مغروس من و عمل دست من، تا تمجید کرده شوم.

^{۲۲} صغیر هزار نفر خواهد شد و حقیر امت قوی خواهد گردید. من یهوه در وقتش تعجیل در آن خواهم نمود.

۶۱

روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم،^۲ و تا از سال پسندیده خداوند و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم.^۳ تا قرار دهم برای ماتمیان صهیون و به ایشان ببخشم تاجی را به عوض خاکستر و روغن شادمانی را به عوض نوحه‌گری و ردای تسیح را به جای روح کدورت تا ایشان درختان عدالت و مغروس خداوند به جهت تمجید وی نامیده شوند.

^۴ و ایشان خرابه‌های قدیم را بنا خواهند نمود و ویرانه‌های سلف را بر پا خواهند داشت و شهرهای خراب شده و ویرانه‌های دهرهای بسیار را تعمیر خواهند نمود.^۵ و غریبان برپا شده، گله‌های شما را خواهند چرانید و بیگانگان، فلاحان و باغبانان شما خواهند بود.^۶ و شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد و شما را به خدام خدای ما مسمی خواهند نمود. دولت امت‌ها را خواهید خورد و در جلال ایشان فخر خواهید نمود.^۷ به عوض خجالت، نصیب مضاعف خواهند یافت و به عوض رسوایی از نصیب خود مسرور خواهید شد. بنابراین ایشان در زمین خود نصیب مضاعف خواهند یافت و شادی جاودانی برای ایشان خواهد بود.^۸ زیرا من که یهوه هستم، عدالت را دوست می‌دارم و از غارت و ستم نفرت می‌دارم و اجرت ایشان را به راستی به ایشان خواهم داد و عهد جاودانی با ایشان خواهم بست.^۹ و نسل ایشان در میان امت‌ها و ذریت ایشان در میان قوم‌ها معروف خواهند شد. هر که ایشان را ببیند اعتراف خواهد نمود که ایشان ذریت مبارک خداوند می‌باشند.

^{۱۰} در خداوند شادی بسیار می‌کنم و جان من در خدای خود وجد می‌نماید زیرا که مرا به جامه نجات ملبس ساخته، ردای عدالت را به من پوشانید. چنانکه داماد خویشتن را به تاج آرایش می‌دهد و عروس، خود را به زیورها زینت می‌بخشد.^{۱۱} زیرا چنانکه زمین، نباتات خود را

می‌رویند و باغ، زرع خویش را نمو می‌دهد، همچنان خداوند یهوه عدالت و تسبیح را پیش روی تمامی امت‌ها خواهد رویانید.

۶۲

به خاطر صهیون سکوت نخواهم کرد و به خاطر اورشلیم خاموش نخواهم شد تا عدالتش مثل نور طلوع کند و نجاتش مثل چراغی که افروخته باشد. ^۲ و امت‌ها، عدالت تو را و جمیع پادشاهان، جلال تو را مشاهده خواهند نمود. و تو به اسم جدیدی که دهان خداوند آن را قرار می‌دهد مسمی^۱ خواهی شد. ^۳ و تو تاج جلال، در دست خداوند و افسر ملوکانه، در دست خدای خود خواهی بود. ^۴ و تو دیگر به متروک مسمی^۱ نخواهی شد و زمینت را بار دیگر خرابه خواهند گفت، بلکه تو را حفصیه و زمینت را بعوله خواهند نامید زیرا خداوند از تو مسرور خواهد شد و زمین تو منکوحه خواهد گردید. ^۵ زیرا چنانکه مردی جوان دوشیزه‌ای را به نکاح خویش در می‌آورد، هم چنان پسرانت تو را منکوحه خود خواهند ساخت و چنانکه داماد از عروس مبتهج می‌گردد، هم چنان خدایت از تو مسرور خواهد بود. ^۶ ای اورشلیم دیده‌بانان بر حصارهای تو گماشته‌ام که هر روز و هر شب همیشه سکوت نخواهند کرد. ای متذکران خداوند خاموش مباشید! ^۷ و او را آرامی ندهید تا اورشلیم را استوار کرده، آن را در جهان محل تسبیح بسازد.

^۸ خداوند به دست راست خود و به بازوی قوی خویش قسم خورده، گفته است که بار دیگر غله تو را مأکول دشمنانت نسازم و غریبان، شراب تو را که برایش زحمت کشیده‌ای نخواهند نوشید. ^۹ بلکه آنانی که آن را می‌چینند آن را خورده، خداوند را تسبیح خواهند نمود و آنانی که آن را جمع می‌کنند، آن را در صحنهای قدس من خواهند نوشید. ^{۱۰} بگذرید از دروازه‌ها بگذرید. طریق قوم را مهیا سازید و شاهراه را بلند کرده، مرتفع سازید و سنگها را برجیده علم را به جهت قوم‌ها برپا نمایید. ^{۱۱} اینک خداوند تا اقصای زمین اعلان کرده است، پس به دختر صهیون بگویند اینک نجات تو می‌آید. همانا اجرت او همراهش و مکافات او پیش رویش می‌باشد. ^{۱۲} و ایشان را به قوم مقدس و فدیة شدگان خداوند مسمی خواهند ساخت و تو به مطلوب و شهر غیر متروک نامیده خواهی شد.

این کیست که از ادوم با لباس سرخ از بصره می‌آید؟ یعنی این که به لباس جلیل خود ملبس است و در کثرت قوت خویش می‌خرامد؟ من که به عدالت تکلم می‌کنم و برای نجات، زور آور می‌باشم. ^۲ چرا لباس تو سرخ است و جامه تو مثل کسی که چرخشت را پایمال کند؟ ^۳ من چرخشت را تنها پایمال نمودم و احدی از قوم‌ها با من نبود و ایشان را به غضب خود پایمال کردم و به حدت خشم خویش لگد کوب نمودم و خون ایشان به لباس من پاشیده شده، تمامی جامه خود را آلوده ساختم. ^۴ زیرا که یوم انتقام در دل من بود و سال فدیة شدگانم رسیده بود. ^۵ و نگریستم و اعانت کننده‌ای نبود و تعجب نمودم زیرا دستگیری نبود. لهذا بازوی من مرا نجات داد و حدت خشم من مرا دستگیری نمود. ^۶ و قوم‌ها را به غضب خود پایمال نموده، ایشان را از حدت خشم خویش مست ساختم. و خون ایشان را بر زمین ریختم.

^۷ احسانهای خداوند و تسبیحات خداوند را ذکر خواهم نمود برحسب هر آنچه خداوند برای ما عمل نموده است و به موجب کثرت احسانی که برای خاندان اسرائیل موافق رحمت‌ها و وفور رأفت خود بجا آورده است. ^۸ زیرا گفته است: ایشان قوم من و پسرانی که خیانت نخواهند کرد می‌باشند؛ پس نجات‌دهنده ایشان شده است. ^۹ او در همه تنگیهای ایشان به تنگ آورده شد و فرشته حضور وی ایشان را نجات داد. در محبت و حلم خود ایشان را فدیة داد و در جمیع ایام قدیم، متحمل ایشان شده، ایشان را برداشت.

^{۱۰} اما ایشان عاصی شده، روح قدوس او را محزون ساختند، پس برگشته، دشمن ایشان شد و او خود با ایشان جنگ نمود.

^{۱۱} آنگاه ایام قدیم و موسی و قوم خویش را بیاد آورد (و گفت) کجاست آنکه ایشان را با شبان گله خود از دریا برآورد و کجا است آنکه روح قدوس خود را در میان ایشان نهاد؟ ^{۱۲} که بازوی جلیل خود را به دست راست موسی خرامان ساخت و آبها را پیش روی ایشان منشق گردانید تا اسم جاودانی برای خویش پیدا کند؟ ^{۱۳} آنکه ایشان را در لجه‌ها مثل اسب در بیابان رهبری نمود که لغزش نخورند. ^{۱۴} مثل بهایمی که به وادی فرود می‌روند روح خداوند ایشان را آرامی بخشید، هم چنان قوم خود را رهبری نمودی تا برای خود اسم مجید پیدا نمایی.

^{۱۵} از آسمان بنگر و از مسکن قدوسیت و جلال خویش نظر افکن. غیرت جبروت تو کجا است؟ جوشش دل و رحمت‌های تو که به من نمودی بازداشته شده است. ^{۱۶} به درستی که تو پدر

ما هستی اگر چه ابراهیم ما را نشناسد و اسرائیل ما را بجا نیاورد، اما تو ای یهوه، پدر ما و ولی ما هستی و نام تو از ازل می‌باشد.^{۱۷} پس ای خداوند ما را از طریق‌های خود چرا گمراه ساختی و دل‌های ما را سخت گردانیدی تا از تو نترسیم. به خاطر بندگانت و اسباط میراث خود رجعت نما.^{۱۸} قوم مقدس تو اندک زمانی آن را متصرف بودند و دشمنان ما مکان قدس تو را پایمال نمودند.^{۱۹} و ما مثل کسانی که تو هرگز بر ایشان حکمرانی نکرده باشی و به نام تو نامیده نشده باشند گردیده‌ایم.

۶۴ کاش که آسمانها را منشق ساخته، نازل می‌شدی و کوهها از رؤیت تو متزلزل می‌گشت.^۲ مثل آتشی که خورده چوبها را مشتعل سازد و ناری که آب را به جوش آورد تا نام خود را بر دشمنانت معروف سازی و امت‌ها از رؤیت تو لرزان گردند.^۳ حینی که کارهای هولناک را که منتظر آنها نبودیم بجا آوردی، آنگاه نزول فرمودی و کوهها از رؤیت تو متزلزل گردید.^۴ زیرا که از ایام قدیم نشنیدند و استماع ننمودند و چشم‌خداایی را غیر از تو که برای منتظران خویش بپردازد ندید.^۵ تو آنانی را که شادمانند و عدالت را بجا می‌آورند و به راه‌های تو را به یاد می‌آورند ملاقات می‌کنی. اینک تو غضبناک شدی و ما گناه کرده‌ایم در اینها مدت مدیدی بسر بردیم و آیا نجات توانیم یافت؟ زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده‌ایم و همه اعمال عاقله ما مانند لته ملوث می‌باشد. و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را می‌رباید.^۷ و کسی نیست که اسم تو را بخواند یا خویشان را برانگیزاند تا به تو متمسک شود زیرا که روی خود را از ما پوشیده‌ای و ما را به سبب گناهان ما گداخته‌ای.

اما الآن ای خداوند، تو پدر ما هستی. ما گل هستیم و تو صانع ما هستی و جمیع ما مصنوع دست‌های تو می‌باشیم.^۸ ای خداوند بشدت غضبناک مباش و گناه را تا به ابد بخاطر مدار. هان ملاحظه نما که همگی ما قوم تو هستیم.^{۱۰} شهرهای مقدس تو بیابان شده. صهیون، بیابان و اورشلیم، ویرانه گردیده است.^{۱۱} خانه مقدس و زیبایی ما که پدران ما تو را در آن تسبیح می‌خواندند به آتش سوخته شده و تمامی نفایس ما به خرابی مبدل گردیده است.^{۱۲} ای خداوند آیا با وجود این همه، خودداری می‌کنی و خاموش شده، ما را بشدت رنجور می‌سازی؟

آنانی که مرا طلب نمودند مرا جستند و آنانی که مرا نطلبیدند مرا یافتند.

و به قومی که به اسم من نامیده نشدند گفتم لبیک لبیک. ^۲ تمامی روز دستهای خود را بسوی قوم متمریدی که موافق خیالات خود به راه ناپسندیده سلوک می نمودند دراز کردم. ^۳ قومی که پیش رویم غضب مرا همیشه بهیجان می آورند، که در باغات قربانی می گذرانند و بر آجرها بخور می سوزانند. ^۴ که در قبرها ساکن شده، در مغاره‌ها منزل دارند، که گوشت خنزیر می خورند و خورش نجاسات در ظروف ایشان است. ^۵ که می گویند: در جای خود بایست و نزدیک من میا زیرا که من از تو مقدس تر هستم. اینان دود در بینی من می باشند و آتشی که تمامی روز مشتعل است. ^۶ همانا این پیش من مکتوب است. پس ساکت نخواهم شد بلکه پاداش خواهم داد و به آغوش ایشان مکافات خواهم رسانید. ^۷ خداوند می گوید درباره گناهان شما و گناهان پدران شما با هم که بر کوهها بخور سوزانیدید و مرا بر تلها اهانت نمودید پس جزای اعمال شما را اول به آغوش شما خواهم رسانید.

^۸ خداوند چنین می گوید: چنانکه شیره در خوشه یافت می شود و می گویند آن را فاسد مساز زیرا که برکت در آن است، همچنان به خاطر بندگان خود عمل خواهم نمود تا (ایشان را) بالکل هلاک نسازم. ^۹ بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهودا به ظهور خواهم آورد. و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد. ^{۱۰} و شارون، مرتع گله‌ها و وادی عاکور، خوابگاه رمه‌ها به جهت قوم من که مرا طلبیده‌اند، خواهد شد. ^{۱۱} و اما شما که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس مرا فراموش نموده‌اید، و مائده‌ای به جهت پخت مهیا ساخته و شراب ممزوج به جهت اتفاق ریخته‌اید، ^{۱۲} پس شما را به جهت شمشیر مقدر ساختم و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد زیرا که چون خواندم جواب ندادید و چون سخن گفتم نشنیدید و آنچه را که در نظر من ناپسند بود بعمل آوردید و آنچه را که نخواستم برگزیدید. ^{۱۳} بنابراین خداوند یهوه می گوید: هان بندگان من خواهند خورد اما شما گرسنه خواهید بود اینک بندگانم خواهند نوشید اما شما تشنه خواهید بود. همانا بندگانم شادی خواهند کرد اما شما خجل خواهید گردید. ^{۱۴} اینک بندگانم از خوشی دل، ترنم خواهند نمود، اما شما از کدورت دل، فریاد خواهید نمود و از شکستگی روح، ولوله خواهید کرد. ^{۱۵} و نام خود را برای برگزیدگان من به جای لعنت، ترک خواهید نمود پس خداوند یهوه تو را بقتل خواهد رسانید و بندگان خویش را به اسم دیگر خواهد

نامید.^{۱۶} پس هر که خویشان را بروی زمین برکت دهد، خویشان را به خدای حق برکت خواهد داد؛ و هر که بروی زمین قسم خورد به خدای حق قسم خواهد خورد. زیرا که تنگیهای اولین فراموش شده و از نظر من پنهان گردیده است.

^{۱۷} زیرا اینک من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید و چیزهای پیشین بیاد نخواهد آمد و بخاطر نخواهد گذشت.^{۱۸} بلکه از آنچه من خواهم آفرید، شادی کنید و تا به ابد وجد نمایید زیرا اینک اورشلیم را محل وجد و قوم او را محل شادمانی خواهم آفرید.^{۱۹} و از اورشلیم وجد خواهم نمود و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد.^{۲۰} و بار دیگر طفل کم روز از آنجا نخواهد بود و نه مرد پیر که عمر خود را به اتمام نرسانیده باشد؛ زیرا که طفل در سن صد سالگی خواهد مرد لیکن گناهکار صد ساله ملعون خواهد بود.^{۲۱} و خانه‌ها بنا کرده، در آنها ساکن خواهند شد و تاکستانها غرس نموده، میوه آنها را خواهند خورد.^{۲۲} بنا نخواهند کرد تا دیگران سکونت نمایند و آنچه را که غرس می‌نمایند دیگران نخواهند خورد. زیرا که ایام قوم من مثل ایام درخت خواهد بود و برگزیدگان من از عمل دستهای خود تمتع خواهند برد.^{۲۳} زحمت بیجا نخواهند کشید و اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید زیرا که اولاد برکت یافتگان *خد/وند* هستند و ذریت ایشان با ایشانند.^{۲۴} و قبل از آنکه بخوانند من جواب خواهم داد، و پیش از آنکه سخن گویند من خواهم شنید.^{۲۵} گرگ و بره با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و خوراک مار خاک خواهد بود. *خد/وند* می‌گوید که در تمامی کوه مقدس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند نمود.

۶۶ *خد/وند* چنین می‌گوید: آسمانها کرسی من و زمین پای انداز من است، پس خانه‌ای که برای من بنا می‌کنید کجا است؟ و مکان آرام من کجا؟ *خد/وند* می‌گوید: دست من همه این چیزها را ساخت پس جمیع اینها بوجود آمد؛ اما به این شخص که مسکین و شکسته دل و از کلام من لرزان باشد، نظر خواهم کرد.^۳ کسی که گاوی ذبح نماید مثل قاتل انسان است و کسی که گوسفندی ذبح کند مثل شخصی است که گردن سگ را بشکند. و آنکه هدیه‌ای بگذراند مثل کسی است که خون خنزیری را بریزد و آنکه بخور سوزاند مثل شخصی است که بتی را

تبریک نماید و ایشان راههای خود را اختیار کرده‌اند و جان ایشان از رجاسات خودشان مسرور است.^۴ پس من نیز مصیبت‌های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترسهای ایشان را بر ایشان عارض خواهم گردانید، زیرا چون خواندم کسی جواب نداد و چون تکلم نمودم ایشان نشنیدند بلکه آنچه را که در نظر من ناپسند بود بعمل آوردند و آنچه را که نخواستم اختیار کردند.

^۵ ای آنانی که از کلام *خداوند* می‌لرزید سخن او را بشنوید. برادران شما که از شما نفرت دارند و شما را بخاطر اسم من از خود می‌رانند می‌گویند: *خداوند* تمجید کرده شود تا شادی شما را ببینم، لیکن ایشان خجل خواهند شد. ^۶ آواز غوغا از شهر، صدایی از هیکل، آواز *خداوند* است که به دشمنان خود مکافات می‌رساند. ^۷ قبل از آنکه درد زه بکشد، زایید. پیش از آنکه درد او را فرو گیرد اولاد نرینه‌ای آورد. ^۸ کیست که مثل این را شنیده و کیست که مثل این را دیده باشد؟ آیا ولایتی در یک روز مولود گردد و قومی یکدفعه زاییده شود؟ زیرا صهیون به مجرد درد زه کشیدن پسران خود را زایید. ^۹ *خداوند* می‌گوید: آیا من بفهم رحم برسانم و نزیانم؟ و خدای تو می‌گوید: «آیا من که زایاننده هستم، رحم را بیندم؟»

^{۱۰} ای همه آنانی که اورشلیم را دوست می‌دارید، با او شادی کنید و برایش وجد نمایید. و ای همه آنانی که برای او ماتم می‌گیرید، با او شادی بسیار نمایید. ^{۱۱} تا از پستانهای تسلیات او بمکید و سیر شوید و بدوشید و از فراوانی جلال او محظوظ گردید. ^{۱۲} زیرا *خداوند* چنین می‌گوید: اینک من سلامتی را مثل نهر و جلال امت‌ها را مانند نهر سرشار به او خواهم رسانید. و شما خواهید مکید و در آغوش او برداشته شده، بر زانوهایش بنام پرورده خواهید شد. ^{۱۳} و مثل کسی که مادرش او را تسلی دهد، همچنین من شما را تسلی خواهم داد و در اورشلیم تسلی خواهید یافت. ^{۱۴} پس چون این را بینید دل شما شادمان خواهد شد و استخوانهای شما مثل گیاه سبز و خرم خواهد گردید و دست *خداوند* بر بندگانش معروف خواهد شد اما بر دشمنان خود غضب خواهد نمود. ^{۱۵} زیرا اینک *خداوند* با آتش خواهد آمد و ارباب‌های او مثل گردباد تا غضب خود را با حدت و عتاب خویش را با شعله آتش به انجام رساند. ^{۱۶} زیرا *خداوند* با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری خواهد نمود و مقتولان *خداوند* بسیار خواهند بود.

^{۱۷} و *خداوند* می‌گوید: آنانی که از عقب یکنفر که در وسط باشد خویشان را در باغات تقدیس و تطهیر می‌نمایند و گوشت خنزیر و رجاسات و گوشت موش می‌خورند با هم تلف خواهند شد. ^{۱۸} و من اعمال و خیالات ایشان را جزا خواهم داد و آمده، جمیع امت‌ها و زبانها را

جمع خواهم کرد و ایشان آمده، جلال مرا خواهند دید.^{۱۹} و آیتی در میان ایشان برپا خواهم داشت و آنانی را که از ایشان نجات یابند نزد امت‌ها به ترشیش و فول و تیراندازان لود و توبال و یونان و جزایر بعیده که آوازه مرا نشنیده‌اند و جلال مرا ندیده‌اند خواهم فرستاد تا جلال مرا در میان امت‌ها شایع سازند.^{۲۰} و خداوند می‌گوید که ایشان جمیع برادران شما را از تمامی امت‌ها بر اسبان و ارابه‌ها و تخت روانها و قاطران و شتران به کوه مقدس من اورشلیم به جهت خداوند هدیه خواهند آورد. چنانکه بنی‌اسرائیل هدیه خود را در ظرف پاک به خانه خداوند می‌آورند.^{۲۱} و خداوند می‌گوید که از ایشان نیز کاهنان و لاویان خواهند گرفت.^{۲۲} زیرا خداوند می‌گوید: چنانکه آسمانهای جدید و زمین جدیدی که من آنها را خواهم ساخت در حضور من پایدار خواهد ماند، همچنان ذریت شما و اسم شما پایدار خواهد ماند.^{۲۳} و خداوند می‌گوید که از غره ماه تا غره دیگر و از سبت تا سبت دیگر تمامی بشر خواهند آمد تا به حضور من سجده نمایند.^{۲۴} و ایشان بیرون رفته، لاشهای مردمانی را که بر من عاصی شده‌اند ملاحظه خواهند کرد زیرا کرم ایشان نخواهد مرد و آتش ایشان خاموش نخواهد شد و ایشان نزد تمامی بشر مکروه خواهند بود.